

کتاب مزامیر

۱

خوشباجال خداترسان

۱ خوشباجال کسی که به مشورت شریان نرود و به راه گاهکاران نایستد، و در مجلس استهزاکنندگان ننشیند؛^۲ بلکه رغبت اودر شریعت خداوند است و روز و شب در شریعت او تفکر می کند.^۳ پس مثل درختی نشانده نزد نهرهای آب خواهد بود، که میوه خود را در موسمش می دهد، و برگش پرمرده نمی گردد و هرآنچه می کند نیک انجام خواهد بود.

۴ شریان چنین نیستند، بلکه مثل کاهند که باد آن را پراکنده می کند.

۵ لهذا شریان در داوری نخواهند ایستاد و نه گاهکاران در جماعت عادلان.

۶ زیرا خداوند طریق عادلان را می داند، ولی طریق گاهکاران هلاک خواهد شد.

۲

اراده خدا و فکر باطل انسانی

۱ چرا امت ها شورش نموده اند و طوائف در باطل تفکر می کنند؟

۲ پادشاهان زمین برمی خیزند و سروران با هم مشورت نموده اند، به ضد خداوند و به ضد مسیح او؛^۳ که بندهای ایشان را بگسلیم و زنجیرهای ایشان را از خود بیندازیم.^۴ او که بر آسمانها نشسته است می خندد. خداوند بر ایشان استهزا می کند.^۵ آنگاه در خشم خود بدیشان تکلم خواهد کرد و به غضب خویش ایشان را آشفته خواهد ساخت.

۶ «و من پادشاه خود را نصب کرده ام، بر کوه مقدس خود صهیون.»

۷ فرمان را اعلام می کنم: خداوند به من گفته است: «تو پسر من هستی امروز تو را تولید کردم.^۸ از من درخواست کن و امت هارا به میراث

تو خواهم داد. و اقصای زمین را ملک تو خواهم گردانید. ^۹ ایشان را به عصای آهنین خواهی شکست؛ مثل کوزه کوزه گر آنها را خرد خواهی نمود.»

^{۱۰} و الان ای پادشاهان تعقل نمایید! ای داوران جهان متنبه گردید! ^{۱۱} خداوند را با ترس عبادت کنید و با لرز شادی نمایید! ^{۱۲} پسر رابوسید مبادا غضبناک شود، و از طریق هلاک شوید، زیرا غضب او به اندکی افروخته می شود. خوشبختی همه آنانی که بر او توکل دارند.

۳

یاری از سوی خداوند

مزبور داود وقتی که از پسر خود ایشالوم فرار کرد ^۱ ای خداوند دشمنانم چه بسیار شده اند. بسیاری به ضد من برمی خیزند. ^۲ بسیاری برای جان من می گویند: «به جهت او در خدا خلاصی نیست.» سلاه. ^۳ لیکن تو ای خداوند گرداگرد من سپر هستی، جلال من و فرازنده سر من. ^۴ به آواز خود نزد خداوند می خوانم و مرا از کوه مقدس خود اجابت می نماید. سلاه. ^۵ و اما من خسبیده، به خواب رفتم و بیدار شدم زیرا خداوند مرا تقویت می دهد. ^۶ از کورهای مخلوق نخواهم ترسید که گرداگرد من صف بسته اند. ^۷ ای خداوند، برخیز! ای خدای من، مرا برهان! زیرا بر رخسار همه دشمنانم زدی؛ دندانهای شیران را شکستی. ^۸ نجات از آن خداوند است و برکت تو بر قوم تو می باشد. سلاه.

۴

طلب کمک در تنگی

برای سالار مغنیان برذوات اوتار. مزبور داود ^۱ ای خدای عدالت من، چون بخوانم مرا مستجاب فرما. در تنگی مرا وسعت دادی. بر من کرم فرموده، دعای مرا بشنو. ^۲ ای فرزندان انسان

تا به کی جلال من عار خواهد بود، و بطالت را دوست داشته، دروغ را خواهید طلبید؟^۳ سلاه اما بدانید که خداوند مرد صالح را برای خود انتخاب کرده است، و چون او را بخوانم خداوند خواهد شنید.

^۴ خشم بگیرید و نگاه مورزید. در دلها بریسترهای خود تفکر کنید و خاموش باشید. سلاه^۵ قربانی های عدالت را بگذرانید و بر خداوند توکل نمایید.

^۶ بسیاری می گویند: « کیست که به ما احسان نماید؟ » ای خداوند نور چهره خویش را بر ما برافراز. ^۷ شادمانی در دل من پدید آورده ای، بیشتر از وقتی که غله و شیره ایشان افزون گردید.

^۸ بسلامتی می خسم و به خواب هم می روم زیرا که تو فقط ای خداوند مرا در اطمینان ساکن می سازی.

۵

درخواست هدایت به راه راست

برای سالار مغنیان برذوات نفخه. مزموور داود

^۱ ای خداوند، به سخنان من گوش بده! در تفکر من تامل فرما! ^۲ ای پادشاه و خدای من، به آواز فریادم توجه کن زیرا که نزد تو دعای کم.

^۳ ای خداوند صبحگاهان آواز مرا خواهی شنید؛ بامدادان (دعای خود را) نزد تو آراسته می کنم و انتظار می کشم. ^۴ زیرا تو خدایی نیستی که به شرارت راغب باشی، و نگاهکار نزد تو ساکن نخواهد شد. ^۵ متکبران در نظر تو نخواهند ایستاد. از همه بطالت کنندگان نفرت می کنی. ^۶ دروغ گویان را هلاک خواهی ساخت. خداوند شخص خوبی و حیله گر را مکروه می دارد. ^۷ و اما من از کثرت رحمت تو به خانه ات داخل خواهم شد، و از ترس تو بسوی هیکل قدس تو عبادت خواهم نمود. ^۸ ای خداوند، بسبب دشمنانم مرا به عدالت خود هدایت نما و راه خود را پیش روی من راست گردان.

۹ زیرا در زبان ایشان راستی نیست؛ باطن ایشان محض شرارت است؛ گلوی ایشان قبرگشاده است و زبانهای خود را جلا می‌دهند. ۱۰ ای خدا، ایشان را ملزم ساز تا به سبب مشورت‌های خود بیفتند، و به کثرت خطایای ایشان، ایشان را دور انداز زیرا که بر تو فتنه کرده‌اند، ۱۱ و همه متوکلات شادی خواهند کرد و تا به ابد ترنم خواهند نمود. زیرا که ملجاء ایشان تو هستی و آنانی که اسم تو را دوست می‌دارند در تو وجد خواهند نمود. ۱۲ زیرا توای خداوند مرد عادل را برکت خواهی داد، او را به رضامندی مثل سپر احاطه خواهی نمود.

۶

دعا به هنگام پریشانی

برای سالار مغنیان برذوات اوتار برثمانی. مزمور داود
 ۱ ای خداوند، مرا در غضب خود توبیخ منما. و مرا در خشم خویش تادیب مکن! ۲ ای خداوند، بر من کرم فرما زیرا که پشمرده‌ام! ای خداوند، مرا شفا ده زیرا که استخوانهایم مضطرب است، ۳ و جان من بشدت پریشان است. پس توای خداوند، تا به کی؟ ۴ ای خداوند، رجوع کن و جانم را خلاصی ده! به رحمت خویش مرا نجات بخش! ۵ زیرا که در موت ذکر تو نمی‌باشد! در هاویه کیست که تو را حمد گوید؟
 ۶ از ناله خود وامانده‌ام! تمامی شب تخت خواب خود را غرق می‌کنم، و بستر خویش را به اشکها ترمی سازم! ۷ چشم من از غصه کاهیده شد و بسبب همه دشمنانم تارگرددید.

۸ ای همه بدکاران از من دور شوید، زیرا خداوند آواز گریه مرا شنیده است! ۹ خداوند استغاثه مرا شنیده است. خداوند دعای مرا اجابت خواهد نمود. ۱۰ همه دشمنانم به شدت نجل و پریشان خواهند شد. روبرگردانیده، ناگهان نجل خواهند گردید.

۷

دعا برای اجرای عدالت

سرود داود که آن را برای خداوند سرایید به سبب سخنان کوش بنیامینی
 ۱ ای یهوه خدای من، در تو پناه می برم. از همه تعاقب کنندگانم مرا
 نجات ده و برهان. ۲ مبادا او مثل شیر جان مرا بدرد، و خرد سازد
 و نجات دهنده‌ای نباشد. ۳ ای یهوه خدای من اگر این را کردم و اگر در
 دست من ظلمی پیدا شد، ۴ اگر به خیراندیش خود بدی کردم و بی سبب
 دشمن خود را تاراج نمودم، ۵ پس دشمنانم را تعاقب کند، و آن را گرفتار
 سازد، و حیات مرا به زمین پایمال کند، و جلالم را در خاک ساکن سازد.
 سلاه.

۶ ای خداوند در غضب خود برخیز، به سبب قهر دشمنانم بلند شو و برای
 من بیدار شو! ای که داوری را امر فرموده‌ای! ۷ و مجمع امت ها گرداگرد
 تو بیایند. و بر فوق ایشان به مقام اعلی رجوع فرما.

۸ خداوند امت ها را داوری خواهد نمود. ای خداوند، موافق عدالتم
 و کمالی که در من است مرا داد بده! ۹ بدی شریان نابود شود و عادل
 را پایدار کن زیرا امتحان کننده دلها و قلوب، خدای عادل است. ۱۰ سپر
 من بر خدا می باشد که راست دلان را نجات دهنده است. ۱۱ خدا
 داور عادل است و هر روزه خدا خشمناک می شود. ۱۲ اگر بازگشت
 نکند شمشیر خود را تیز خواهد کرد؛ کمان خود را کشیده و آماده کرده
 است. ۱۳ و برای او آلات موت را مهیا ساخته و تیرهای خویش را شعله ور
 گردانیده است. ۱۴ اینک به بطالت آبتن شده، و به ظلم حمله گردیده،
 دروغ را زاپیده است. ۱۵ حفره‌ای کند و آن را گود نمود، و در چاهی که
 ساخت خود بیفتاد. ۱۶ ظلم او بر سرش خواهد برگشت و ستم او بر فرقش
 فرود خواهد آمد. ۱۷ خداوند را بر حسب عدالتش حمد خواهیم گفت. و
 اسم خداوند تعالی را تسبیح خواهیم خواند.

۸

چه مجید است نام تو

برای سالار مغنیان بر جتیت. مزمور داود

۱ ای یهوه خداوند ما، چه مجید است نام تو در تمامی زمین، که جلال خود را فوق آسمانها گذارده‌ای! ۲ از زبان کودکان و شیرخوارگان به سبب خصمانت قوت را بنا نهادی تا دشمن و انتقام گیرنده را ساکت گردانی. ۳ چون به آسمان تو نگاه کنم که صنعت انگشتهای توست، و به ماه و ستارگانی که تو آفریده‌ای، ۴ پس انسان چیست که او را به یادآوری، و بنی آدم که از او تفقد نمایی؟ ۵ او را از فرشتگان اندکی کمتر ساختی و تاج جلال و اکرام را بر سر او گذاردی. ۶ او را بر کارهای دست خودت مسلط نمودی، و همه چیز را زیر پای وی نهادی، ۷ گوسفندان و گاوان جمیع، و بهایم صحرا را نیز؛ ۸ مرغان هوا و ماهیان دریا را، و هر چه بر راههای آنها سیر می کنند. ۹ ای یهوه خداوند ما، چه مجید است نام تو در تمامی زمین!

۹

داوری عادل خدا

برای سالار مغنیان بر موت لبین. مزمور داود

۱ خداوند را به تمامی دل حمد خواهم گفت؛ جمیع عجایب تو را بیان خواهم کرد. ۲ در تو شادی و وجد خواهم نمود؛ نام تو را ای متعال خواهم سراپید. ۳ چون دشمنانم به عقب بازگردند، آنگاه لغزیده، از حضور تو هلاک خواهند شد. ۴ زیرا انصاف و داوری من کردی. داور عادل بر مسند نشسته‌ای. ۵ امت‌ها را توییح نموده‌ای و شیران را هلاک ساخته، نام ایشان را محو کرده‌ای تا ابدالاباد.

۶ و اما دشمنان نیست شده خرابه های ابدی گردیده‌اند. و شهرها را ویران ساخته‌ای، حتی ذکر آنها نابود گردید. ۷ لیکن خداوند نشسته است

تا ابدالاباد، و تخت خویش را برای داوری برپاداشته است. ^۸ و اوریع مسکون را به عدالت داوری خواهد کرد، و امت‌ها را به راستی داد خواهد داد. ^۹ و خداوند قلعه بلند برای کوفته شدگان خواهد بود، قلعه بلند در زمانهای تنگی. ^{۱۰} و آنانی که نام تو را می‌شناسند بر تو توکل خواهند داشت، زیرا ای خداوند تو طالبان خود را هرگز ترک نکرده‌ای.

^{۱۱} خداوند را که بر صهیون نشسته است بسرایید؛ کارهای او را در میان قوم‌ها اعلان نمائید، ^{۱۲} زیرا او که انتقام گیرنده خون است، ایشان را به یاد آورده، و فریاد مساکین را فراموش نکرده است.

^{۱۳} ای خداوند بر من کرم فرموده، به ظلمی که از خصمان خود می‌کشم نظر افکن! ای که برافرانده من از درهای موت هستی! ^{۱۴} تا همه تسبیحات تو را بیان کنم در دروازه‌های دختر صهیون. در نجات تو شادی خواهم نمود.

^{۱۵} امت‌ها به چاهی که کنده بودند خود افتادند؛ در دامی که نهفته بودند پای ایشان گرفتار شد. ^{۱۶} خداوند خود را شناسانیده است و داوری کرده، و شیراز کار دست خود به دام گرفتار گردیده است. هجایون سلاه. ^{۱۷} شیران به هاویه خواهند برگشت و جمیع امت‌هایی که خدا را فراموش می‌کنند، ^{۱۸} زیرا مسکین همیشه فراموش نخواهد شد؛ امید حلیمان تا به ابد ضایع نخواهد بود.

^{۱۹} برخیزای خداوند تا انسان غالب نیاید. بر امت‌ها به حضور تو داوری خواهد شد. ^{۲۰} ای خداوند ترس را بر ایشان مستولی گردان، تا امت‌ها بدانند که انسانند. سلاه.

۱۰

دعا برای اجرای عدالت

^۱ ای خداوند چرا دور ایستاده‌ای و خود را در وقت‌های تنگی پنهان می‌کنی؟ ^۲ از تکبر شیران، فقیر سوخته می‌شود؛ در مشورت‌هایی که

اندیشیده‌اند، گرفتار می‌شوند. ۳ زیرا که شریر به شهوات نفس خود نفر می‌کند، و آنکه می‌رباید شکر می‌گوید و خداوند را اهانت می‌کند. ۴ شریر در غرور خود می‌گوید: «بازخواست نخواهد کرد.» همه فکرهای او اینست که خدایی نیست. ۵ راههای او همیشه استوار است. احکام تو از او بلند و بعید است. همه دشمنان خود را به هیچ می‌شمارد. ۶ در دل خود گفته است: «هرگز جنبش نخواهم خورد، و دور به دور بدی را نخواهم دید.»

۷ دهن او از لعنت و مکر و ظلم پر است؛ زیربانش مشقت و نگاه است؛ ۸ در کمینهای دهات می‌نشیند؛ در جایهای مخفی بی‌نگاه را می‌کشد؛ چشمانش برای مسکینان مراقب است؛ ۹ در جای مخفی مثل شیر در بیشه خود کمین می‌کند؛ به جهت گرفتن مسکین کمین می‌کند؛ فقیر را به دام خود کشیده، گرفتار می‌سازد. ۱۰ پس کوفته و زبون می‌شود؛ و مساکین در زیر جباران او می‌افتند. ۱۱ در دل خود گفت: «خدا فراموش کرده است؛ روی خود را پوشانیده و هرگز نخواهد دید.»

۱۲ ای خداوند برخیز! ای خدا دست خود را برافراز! و مسکینان را فراموش مکن. ۱۳ چرا شریر خدا را اهانت کرده، در دل خود می‌گوید: «تو بازخواست نخواهی کرد؟» ۱۴ البته دیده‌ای زیرا که تو بر مشقت و غم می‌نگری، تا به دست خود مکافات برسانی. مسکین امر خویش را به تو تسلیم کرده است. مددکار یتیمان، تو هستی. ۱۵ بازوی نگاهکار را بشکن. و اما شریر را از شرارت او بازخواست کن تا آن را نیابی.

۱۶ خداوند پادشاه است تا ابد الابد. امت‌ها از زمین او هلاک خواهند شد. ۱۷ ای خداوند مسکینان را اجابت کرده‌ای، دل ایشان را استوار نموده‌ای و گوش خود را فرا گرفته‌ای، ۱۸ تا یتیمان و کوفته شدگان را دادرسی کنی. انسانی که از زمین است، دیگر نترساند.

برای سالار مغنیان. مزمور داود

۱ بر خداوند توکل می‌دارم. چرا به جانم می‌گویید: «مثل مرغ به کوه خود بگریزید. ۲ زیرا اینک شیران کمان را می‌کشند و تیر را به زه نهاده‌اند، تا بر راست دلان در تاریکی بیندازند. ۳ زیرا که ارکان منهدم می‌شوند و مرد عادل چه کند؟»

۴ خداوند در هیکل قدس خود است و کرسی خداوند در آسمان. چشمان او می‌نگردد، پلکهای وی بنی آدم را می‌آزماید. ۵ خداوند مرد عادل را امتحان می‌کند؛ و اما از شیر و ظلم دوست، جان او نفرت می‌دارد. ۶ بر شیر دامها و آتش و کبریت خواهد بارانید، و باد سموم حصه پیاله ایشان خواهد بود. ۷ زیرا خداوند عادل است و عدالت را دوست می‌دارد، و راستان روی او را خواهند دید.

۱۲

دعا برای نجات و حفاظت

برای سالار مغنیان برثمائی. مزمور داود

۱ ای خداوند نجات بده زیرا که مردم قدس نابود شده است و امان از میان بنی آدم نایاب گردیده‌اند! ۲ همه به یکدیگر دروغ می‌گویند؛ به لبهای چاپلوس و دل منافق سخن می‌رانند. ۳ خداوند همه لبهای چاپلوس را منقطع خواهد ساخت، و هر زبانی را که سخنان تکبرآمیز بگوید. ۴ که می‌گویند: «به زبان خویش غالب می‌آییم. لبهای ما با ما است. کیست که بر ما خداوند باشد؟»

۵ خداوند می‌گوید: «به سبب غارت مسکینان و ناله فقیران، الان برمی‌خیزم و او را در نجاتی که برای آن آه می‌کشد برپا خواهم داشت.»

۶ کلام خداوند کلام طاهر است، نقره مصفای در قال زمین که هفت مرتبه پاک شده است.

۷ توای خداوند ایشان را محافظت خواهی نمود؛ از این طبقه و تا ابدالابد محافظت خواهی فرمود. ۸ شریران به هر جانب می خرامند، وقتی که خباثت در بنی آدم بلند می شود.

۱۳

دعا برای مدد الهی

برای سالار مغنیان. مزمورداود

۱ ای خداوند تا به کی همیشه مرا فراموش می کنی؟ تا به کی روی خود را از من خواهی پوشید؟ ۲ تا به کی در نفس خود مشورت بکنم و در دلم هر روزه غم خواهد بود؟ تا به کی دشمنم بر من سرافراشته شود؟

۳ ای یهوه خدای من نظر کرده، مرا مستجاب فرما! چشمانم را روشن کن مبادا به خواب موت بچسبم. ۴ مبادا دشمنم گوید بر او غالب آمدم و مخالفانم از پریشانی ام شادی نمایند.

۵ و اما من به رحمت تو توکل می دارم؛ دل من در نجات تو شادی خواهد کرد. ۶ برای خداوند سرود خواهم خواند زیرا که به من احسان نموده است.

۱۴

تفکر افراد فاسد

برای سالار مغنیان. مزمورداود

۱ احمق در دل خود می گوید که خدایی نیست. کارهای خود را فاسد و مکروه ساخته اند و نیکوکاری نیست. ۲ خداوند از آسمان بر بنی آدم نظر انداخت تا ببیند که آیا فهمیم و طالب خدایی هست؟ ۳ همه روگردانیده، با هم فاسد شده اند. نیکوکاری نیست یکی هم نی.

۴ آیا همه گاهکاران بی معرفت هستند که قوم مرا می خورند چنانکه نان می خورند؟ و خداوند را نمی خوانند؟

۵ آنگاه ترس بر ایشان مستولی شد، زیرا خدادر طبقه عادلان است.
 ۶ مشورت مسکین را نخل می‌سازید چونکه خداوند ملجای اوست.
 ۷ کاش که نجات اسرائیل از صهیون ظاهر می‌شد! چون خداوند اسیری
 قوم خویش را برگرداند، یعقوب وجد خواهد نمود و اسرائیل شادمان خواهد
 گردید.

۱۵

فرود آمدن در خیمه خداوند

مزمو داود

۱ ای خداوند کیست که در خیمه تو فرود آید؟ و کیست که در کوه
 مقدس توساکن گردد؟
 ۲ آنکه بی‌عیب سالک باشد و عدالت را به‌جا آورد، و در دل خویش
 راست گو باشد،^۳ که به زبان خود غیبت ننماید؛ و به همسایه خود بدی
 نکنند و درباره اقارب خویش مذمت را قبول ننماید،^۴ که در نظر خود
 حقیر و خوار است و آنانی را که از خداوند می‌ترسند مکرم می‌دارد و قسم
 به ضرر خود می‌خورد و تغییر نمی‌دهد.^۵ نقره خود را به سود نمی‌دهد و
 رشوه بر بی‌گناه نمی‌گیرد.
 آنکه این را به‌جا آورد تا ابدالابد جنبش نخواهد خورد.

۱۶

اطمینان در خداوند

مکتوم داود

۱ ای خدا مرا محافظت فرما، زیرا برتو توکل می‌دارم.^۲ خداوند را گفتم:
 «تو خداوند من هستی. نیکویی من نیست غیر از تو.»
 ۳ و اما مقدسانی که در زمین‌اند و فاضلان، تمامی خوشی من در ایشان
 است.^۴ دردهای آنانی که عقب (خدای) دیگر می‌شتابند، بسیار خواهد شد.

هدایای خونی ایشان را نخواهم ریخت، بلکه نام ایشان را به زبانم نخواهم آورد.

۵ خداوند نصیب قسمت و کاسه من است. تفرقه مرا نگاه می‌داری.
۶ خطه‌های من به جایهای خوش افتاد. میراث بهی به من رسیده است.
۷ خداوند را که مرا نصیحت نمود، متبارک می‌خوانم. شبانگاه نیز قلبم مرا تنبیه می‌کند.

۸ خداوند را همیشه پیش روی خود می‌دارم. چونکه به دست راست من است، جنبش نخواهم خورد. ۹ از این رو دلم شادی می‌کند و جلام به وجد می‌آید؛ جسدم نیز در اطمینان ساکن خواهد شد. ۱۰ زیرا جانم را در عالم اموات ترک نخواهی کرد، و قدوس خود را نخواهی گذاشت که فسادرا بیند. ۱۱ طریق حیات را به من خواهی آموخت. به حضور تو کمال خوشی است و به دست راست تولدت‌ها تا ابدالابد!

۱۷

دعای مرد عادل

صلوات داود

۱ ای خداوند، عدالت را بشنو و به فریاد من توجه فرما! و دعای مرا که از لب بی‌ریا می‌آید، گوش بگیر! ۲ داد من از حضور تو صادر شود؛ چشمان تو راستی را ببیند. ۳ دل مرا آزموده‌ای، شبانگاه از آن تفقد کرده‌ای. مرا قال گذاشته‌ای و هیچ نیافته‌ای، زیرا عزیمت کردم که زبانم تجاوز نکند. ۴ و اما کارهای آدمیان به کلام لبهای تو؛ خود را از راههای ظالم نگاه داشتم.

۵ قدم‌هایم به آثار تو قائم است، پس پای‌هایم نخواهد لغزید.

۶ ای خدا تو را خوانده‌ام زیرا که مرا اجابت خواهی نمود. گوش خود را به من فراگیر و سخن مرا بشنو. ۷ رحمت‌های خود را امتیاز ده، ای که متوکلان خویش را به دست راست خود از مخالفان ایشان می‌رهانی. ۸ مرا

مثل مردمک چشم نگاه دار؛ مرا زیر سایه بال خود پنهان کن،^۹ از روی شریانی که مرا خراب می سازند، از دشمنان جانم که مرا احاطه می کنند. ۱۰ دل فربه خود را بسته اند. به زبان خویش سخنان تکبرآمیزی گویند. ۱۱ الان قدمهای ما را احاطه کرده اند، و چشمان خود را دوخته اند تا ما را به زمین بیندازند. ۱۲ مثل او مثل شیری است که در دریدن حریص باشد، و مثل شیر ژیان که در پیشه خود درکهن است.

۱۳ ای خداوند برخیز و پیش روی وی درآمده، او را بینداز و جانم را از شیر به شمشیر خود برهان،^{۱۴} از آدیان، ای خداوند، به دست خویش، از اهل جهان که نصیب ایشان در زندگانی است. که شکم ایشان را به ذخایر خود پر ساخته ای و از اولاد سیر شده، زیادی مال خود را برای اطفال خویش ترک می کنند.

۱۵ و اما من روی تو را در عدالت خواهم دید و چون بیدار شوم از صورت تو سیر خواهم شد.

۱۸

خداوند، قلعه بلند

برای سالار مغنیان، مزمور داود بنده خداوند که کلام این سرود را به خداوند گفت، در روزی که خداوند او را از دست همه دشمنانش و از دست شاول رهایی داد. پس گفت:

۱ ای خداوند! ای قوت من! تو را محبت می نمایم. ۲ خداوند صخره من است و ملجا و نجات دهنده من. خدایم صخره من است که در او پناه می برم. سپر من و شاخ نجاتم و قلعه بلند من. ۳ خداوند را که سزاوار کل حمد است، خواهم خواند. پس، از دشمنانم رهایی خواهم یافت.

۴ رسنهای موت مرا احاطه کرده، و سیلابهای شرارت مرا ترسانیده بود. ۵ رسنهای گور دور مرا گرفته بود و دامهای موت پیش روی من درآمده. ۶ در تنگی خود خداوند را خواندم و نزد خدای خویش استغاثه

نمودم. او آواز مرا از هیكل خود شنید و استغاثه من به حضورش به گوش وی رسید.

۷ زمین متزلزل و مرتعش شده، اساس کوهها بلرزید و متزلزل گردید چونکه خشم او افروخته شد. ۸ دخان از بینی او برآمد و نار از دهانش ملتهب گشت و آتشی از آن افروخته گردید. ۹ آسمان را خم کرده، نزول فرمود و زیر پای وی تاریکی غلیظ می بود. ۱۰ بر کروی سوار شده، پرواز نمود و بر بالهای باد طیران کرد. ۱۱ تاریکی را پرده خود و خیمه ای گرداگرد خویش بساخت، تاریکی آنها و ابرهای مترکم را. ۱۲ از تابش پیش روی وی ابرهایش می شتافتند، تگرگ و آتشیهای افروخته. ۱۳ و خداوند از آسمان رعد کرده، حضرت اعلی آواز خود را بداد، تگرگ و آتشیهای افروخته را. ۱۴ پس تیرهای خود را فرستاده، ایشان را پراکنده ساخت، و برقها بینداخت و ایشان را پریشان نمود. ۱۵ آنگاه عمق های آب ظاهر شد و اساس ربع مسکون مکشوف گردید، از تنبیه توای خداوند، از نفضه باد بینی تو!

۱۶ پس، از اعلی فرستاده، مرا برگرفت و از آبهای بسیار بیرون کشید. ۱۷ و مرا از دشمنان زور آورم رهایی داد و از خصمانم، زیرا که از من توانا تر بودند. ۱۸ در روز بلای من پیش رویم درآمدند، لیکن خداوند تکیه گاه من بود. ۱۹ و مرا بجای وسیع بیرون آورد؛ مرا نجات داد زیرا که در من رغبت می داشت.

۲۰ خداوند موافق عدالتم مرا جزا داد و به حسب طهارت دستم مرا مکافات رسانید. ۲۱ زیرا که راههای خداوند را نگاه داشته، و به خدای خویش عصیان نورزیده ام، ۲۲ و جمیع احکام او پیش روی من بوده است و فرائض او را از خود دور نکرده ام، ۲۳ و نزد او بی عیب بوده ام و خویشتم را از گناه خود نگاه داشته ام. ۲۴ پس خداوند مرا موافق عدالتم پاداش داده است و به حسب طهارت دستم در نظر وی. ۲۵ خویشتم را با رحیم، رحیم می نمایم، و با مرد کامل، خود را کامل می نمایم. ۲۶ خویشتم را با

طاهر، طاهری نمایی و با مکار، به مکر رفتار می کنی. ۲۷ زیرا قوم مظلوم را خواهی رهانید و چشمان متکبران را به زیر خواهی انداخت. ۲۸ زیرا که تو چراغ مرا خواهی افروخت؛ یهوه خدایم تاریکی مرا روشن خواهد گردانید. ۲۹ زیرا به مدد تو بر فوجها حمله می برم و به خدای خود از حصارها برمی جهم. ۳۰ و اما خدا طریق او کامل است و کلام خداوند مصفی. او برای همه متوکلان خود سپر است، ۳۱ زیرا کیست خدا غیر از یهوه؟ و کیست صخره ای غیر از خدای ما؟ ۳۲ خدایی که کمر مرا به قوت بسته و راههای مرا کامل گردانیده است. ۳۳ پایهای مرا مثل آهو ساخته و مرا به مقامهای اعلای من برپا داشته است. ۳۴ دستهای مرا برای جنگ تعلیم داده است، که کمان برنجین به بازوی من خم شد. ۳۵ سپر نجات خود را به من داده ای. دست راستت عمود من شده و مهربانی تو مرا بزرگ ساخته است. ۳۶ قدمهایم را زیرم وسعت دادی که پایهای من نلغزید. ۳۷ دشمنان خود را تعاقب نموده، بدیشان خواهم رسید و تا تلف نشوند بر نخواهم گشت. ۳۸ ایشان را فرو خواهم کوفت که نتوانند برخاست و زیر پاهای من خواهند افتاد. ۳۹ زیرا کمر مرا برای جنگ به قوت بسته ای و مخالفانم را زیر پایم انداخته ای. ۴۰ گردنهای دشمنانم را به من تسلیم کرده ای تا خصمان خود را نابود بسازم. ۴۱ فریاد برآوردند اما رهاننده ای نبود نزد خداوند، ولی ایشان را اجابت نکرد. ۴۲ ایشان را چون غبار پیش باد ساییده ام؛ مثل گل کوچه ها ایشان را دور ریخته ام. ۴۳ مرا از منازعه قوم رهانیده، سلامت هاساخته ای. قومی را که نشناخته بودم، مرا خدمت می نمایند. ۴۴ به مجرد شنیدن مرا اطاعت خواهند کرد؛ فرزندان غربا نزد من تذلل خواهند نمود. ۴۵ فرزندان غربا پشمرده می شوند و در قلعه های خود خواهند لرزید. ۴۶ خداوند زنده است و صخره من متبارک باد، و خدای نجات من متعال! ۴۷ خدایی که برای من انتقام می گیرد و قومها را زیر من مغلوب می سازد. ۴۸ مرا از دشمنانم رهانیده، بر خصمانم بلند کرده ای و

از مرد ظالم مرا خلاصی داده‌ای! ^{۴۹} لَهذا ای خداوند تو را در میان امت‌ها حمد خواهم گفت و به نام تو سرود خواهم خواند. ^{۵۰} که نجات عظیمی به پادشاه خود داده و به مسیح خویش رحمت نموده است. یعنی به داود و ذریت او تا ابد الابد.

۱۹

خلقت و عظمت خدا

برای سالار مغنیان. مزمور داود

^۱ آسمان جلال خدا را بیان می‌کند و فلک از عمل دستپایش خبر می‌دهد. ^۲ روز سخن می‌راند تا روز و شب معرفت را اعلان می‌کند تا شب. ^۳ سخن نیست و کلامی نی و آواز آنها شنیده نمی‌شود. ^۴ قانون آنها در تمام جهان بیرون رفت و بیان آنها تا اقصای ربع مسکون. ^۵ خیمه‌ای برای آفتاب در آنها قرار داد؛ و او مثل داماد از حجله خود بیرون می‌آید و مثل پهلوان ازدویدن در میدان شادی می‌کند. ^۶ خروجش از کرانه آسمان است و مدارش تا به کرانه دیگر؛ و هیچ چیز از حرارتش مستور نیست.

^۷ شریعت خداوند کامل است و جان را برمی‌گرداند؛ شهادت خداوند امین است و جاهل را حکیم می‌گرداند. ^۸ فرایض خداوند راست است و دل را شاد می‌سازد. امر خداوند پاک است و چشم را روشن می‌کند. ^۹ ترس خداوند طهارست و ثابت تا ابد الابد. احکام خداوند حق و تمام عدل است. ^{۱۰} از طلا مرغوب تر و از زر خالص بسیار. از شهد شیرینتر و از قطرات شانه عسل. ^{۱۱} بنده تو نیز از آنها متنبه می‌شود، و در حفظ آنها ثواب عظیمی است.

^{۱۲} کیست که سهوهای خود را بداند؟ مرا از خطایای مخفی‌ام طاهر ساز. ^{۱۳} بنده ات را نیز از اعمال متکبرانه باز دار تا بر من مسلط نشود؛ آنگاه بی‌عیب و از گناه عظیم مبرا خواهم بود.

۱۴ سخنان زبانم و تفکر دلم منظور نظر تو باشد، ای خداوند که صخره من و نجات دهنده من هستی!

۲۰

نصرت از خدا

برای سالار مغنیان. مزمور داود

۱ خداوند تو را در روز تنگی مستجاب فرماید. نام خدای یعقوب تو را سرفراز نماید. ۲ نصرت برای تو از قدس خود بفرستد و تو را از صهیون تایید نماید. ۳ جمیع هدایای تو را به یاد آورد و قربانی های سوختنی تو را قبول فرماید. سلاه. ۴ موافق دل تو به تو عطا فرماید و همه مشورت های تو را به انجام رساند.

۵ به نجات تو خواهیم سرایید و به نام خدای خود، علم خود را خواهیم افراشت. خداوند تمامی مسالت تو را به انجام خواهد رسانید. ۶ الان دانسته ام که خداوند مسیح خود را می رهاند. از فلک قدس خود او را اجابت خواهد نمود، به قوت نجات بخش دست راست خویش. ۷ اینان اربابها را و آنان اسبها را، اما ما نام یهوه خدای خود را ذکر خواهیم نمود. ۸ ایشان خم شده، افتاده اند و اما ما برخاسته، ایستاده ایم. ۹ ای خداوند نجات بده! پادشاه در روزی که بخوانیم، ما را مستجاب فرماید.

۲۱

شادی در نجات خدا

برای سالار مغنیان. مزمور داود

۱ ای خداوند در قوت تو پادشاه شادی می کند و در نجات تو چه بسیار به وجد خواهد آمد. ۲ مراد دل او را به وی بخشیدی و مسالت زبانش را از او دریغ نداشتی. سلاه. ۳ زیرا به برکات نیکو بر مراد او سبقت جستی. تاجی از زر خالص بر سر وی نهادی. ۴ حیات را از تو خواست و آن را به وی دادی، و طول ایام را تا ابد الابد. ۵ جلال او به سبب نجات تو عظیم

شده. اکرام و حشمت را بر او نهاده‌ای. ^۶ زیرا او را مبارک ساخته‌ای تا ابدالابد. به حضور خود او را بی نهایت شادمان گردانیده‌ای. ^۷ زیرا که پادشاه برخداوند توکل می‌دارد، و به رحمت حضرت اعلیٰ جنبش نخواهد خورد.

^۸ دست تو همه دشمنانت را خواهد دریافت. دست راست تو آنانی را که از تو نفرت دارند خواهد دریافت. ^۹ در وقت غضب خود، ایشان را چون تئور آتش خواهی ساخت. خداوند ایشان را در خشم خود خواهد بلعید و آتش ایشان را خواهد خورد. ^{۱۰} ثمره ایشان را از زمین هلاک خواهی ساخت و ذریت ایشان را از میان بنی آدم. ^{۱۱} زیرا قصد بدی برای تو کردند و مکایدی را اندیشیدند که آن را نتوانستند بجا آورد. ^{۱۲} زیرا که ایشان را روگردان خواهی ساخت. بر زه‌های خود تیرها را به روی ایشان نشان خواهی گرفت. ^{۱۳} ای خداوند در قوت خود متعال شو. جبروت تو را ترم و تسبیح خواهیم خواند.

۲۲

سرود غم و پیروزی

برای سالار مغنیان بر غزاله صبح. مزمور داود

^۱ ای خدای من، ای خدای من، چرا مرا ترک کرده‌ای و از نجات من و سخنان فریادم دور هستی؟ ^۲ ای خدای من در روزی خوانم و مرا اجابت نمی‌کنی. در شب نیز و مرا خاموشی نیست. ^۳ و اما تو قدوس هستی، ای که بر تسبیحات اسرائیل نشسته‌ای. ^۴ پدران ما بر تو توکل داشتند. بر تو توکل داشتند و ایشان را خلاصی دادی. ^۵ نزد تو فریاد برآوردند و رهایی یافتند. بر تو توکل داشتند، پس نجمل نشدند.

^۶ و اما من کرم هستم و انسان نی. عار آدمیان هستم و حقیر شمرده شده قوم. ^۷ هر که مرا بیند به من استهزا می‌کند. لب‌های خود را باز می‌کنند و سرهای خود را می‌جنبانند (و می‌گویند: ^۸ «برخداوند توکل کن پس او را خلاصی بدهد. او را برهاند چونکه به وی رغبت می‌دارد.» ^۹ زیرا که

تومرا از شکم بیرون آوردی؛ وقتی که بر آغوش مادر خود بودم مرا مطمئن ساختی. ۱۰ از رحم بر تو انداخته شدم. از شکم مادرم خدای من توهستی. ۱۱ از من دور مباش زیرا تنگی نزدیک است. و کسی نیست که مدد کند. ۱۲ گاوان نر بسیار دور مرا گرفته اند. زورمندان باشان مرا احاطه کرده اند. ۱۳ دهان خود را بر من باز کردند، مثل شیر درنده غران. ۱۴ مثل آب ریخته شده ام. و همه استخوانهایم از هم گسیخته. دلم مثل موم گردیده، در میان احشایم گداخته شده است. ۱۵ قوت من مثل سفال خشک شده و زبانم به کامم چسبیده. و مرا به خاک موت نهاده ای. ۱۶ زیراسگان دور مرا گرفته اند. جماعت اشرار مرا احاطه کرده، دستها و پایهای مرا سفته اند. ۱۷ همه استخوانهای خود را می شمارم. ایشان به من چشم دوخته، می نگرند. ۱۸ رخت مرا در میان خود تقسیم کردند. و بر لباس من قرعه انداختند.

۱۹ اما تو ای خداوند دور مباش. ای قوت من برای نصرت من شتاب کن. ۲۰ جان مرا از شمشیر خلاص کن. و یگانه مرا از دست سگان. ۲۱ مرا از دهان شیر خلاصی ده. ای که از میان شاخهای گاو وحشی مرا اجابت کرده ای. ۲۲ نام تو را به برادران خود اعلام خواهم کرد. در میان جماعت تو را تسبیح خواهم خواند.

۲۳ ای ترسندگان خداوند او را حمد گوید. تمام ذریت یعقوب او را تمجید نمایند. و جمیع ذریت اسرائیل از وی بترسید. ۲۴ زیرا مسکنت مسکین را حقیر و خوار نشمرد، و روی خود را از او نپوشانیده است. و چون نزد وی فریاد برآورد او را اجابت فرمود. ۲۵ تسبیح من در جماعت بزرگ از تو است. نذرهای خود را به حضور ترسندگان ادا خواهم نمود. ۲۶ حلیمان غذا خورده، سیر خواهند شد. و طالبان خداوند او را تسبیح خواهند خواند. و دلهای شما زیست خواهد کرد تا ابدالابد. ۲۷ جمیع کرانه های زمین متذکر شده، بسوی خداوند بازگشت خواهند نمود. و همه قبایل امت ها به

حضور تو بجزده خواهند کرد. ۲۸ زیرا سلطنت از آن خداوند است. و او بر امت‌ها مسلط است. ۲۹ همه متمولان زمین غذا خورده، بجزده خواهند کرد. و به حضور وی هر که به خاک فرو می‌رود رکوع خواهد نمود. و کسی جان خود را زنده نخواهد ساخت. ۳۰ ذریقی او را عبادت خواهند کرد و دربارہ خداوند طبقه بعد را اخبار خواهند نمود. ۳۱ ایشان خواهند آمد و از عدالت او خبر خواهند داد، قومی را که متولد خواهند شد که او این کار کرده است.

۲۳

خداوند شبان من است

مزموور داود

۱ خداوند شبان من است. محتاج به هیچ چیز نخواهم بود. ۲ در مرتعهای سبز مرا می‌خواهاند. نزد آبهای راحت مرا رهبری می‌کنند. ۳ جان مرا برمی‌گرداند. و به خاطر نام خود به راههای عدالت هدایت می‌نماید. ۴ چون در وادی سایه موت نیز راه روم از بدی نخواهم ترسید زیرا تو با من هستی. عصا و چوب دستی تو مرا تسلی خواهد داد. ۵ سفره‌ای برای من به حضور دشمنانم می‌گسترانی. سر مرا به روغن تدهین کرده‌ای و کاسه‌ام لبریز شده است. ۶ هرآینه نیکویی و رحمت تمام ایام عمرم در پی من خواهد بود. و در خانه خداوند ساکن خواهم بود تا ابدالابد.

۲۴

دروازه‌های ابدی

مزموور داود

۱ زمین و پری آن از آن خداوند است. ربع مسکون و ساکنان آن. ۲ زیرا که او اساس آن را بر دریاها نهاد. و آن را بر نهرها ثابت گردانید. ۳ کیست که به کوه خداوند برآید؟ و کیست که به مکان قدس او ساکن شود؟ ۴ او که پاک دست و صاف دل باشد، که جان خود را به بطالت ندهد و قسم دروغ نخورد. ۵ او برکت را از خداوند خواهد یافت. و عدالت را از

خدای نجات خود. ^۶ این است طبقه طالبان او. طالبان روی توای (خدای یعقوب. سلاه.

^۷ ای دروازه‌ها سرهای خود را برافرازید! ای درهای ابدی برافراشته شوید تا پادشاه جلال داخل شود! ^۸ این پادشاه جلال کیست؟ خداوند قدیر و جبار؟ خداوند که در جنگ جبار است. ^۹ ای دروازه‌ها، سرهای خود را برافرازید! ای درهای ابدی برافرازید تا پادشاه جلال داخل شود! ^{۱۰} این پادشاه جلال کیست؟ یهوه صباوت پادشاه جلال اوست. سلاه.

۲۵

درخواست تعلیم الهی

مزموور داود

^۱ ای خداوند بسوی تو جان خود را برمی افرازم. ای خدای من بر تو توکل می‌دارم. ^۲ پس مگذار که نجمل بشوم و دشمنانم بر من نفر نمایند. ^۳ بلی هر که انتظار تو می‌کشد نجمل نخواهد شد. آنانی که بی سبب خیانت می‌کنند نجمل خواهند گردید. ^۴ ای خداوند طریق‌های خود را به من بیاموز و راههای خویش را به من تعلیم ده. ^۵ مرا به راستی خود سالک گردان و مرا تعلیم ده زیرا تو خدای نجات من هستی. تمامی روز منتظر تو بوده‌ام. ^۶ ای خداوند احسانات و رحمت‌های خود را بیاد آور چونکه آنها از ازل بوده است. ^۷ خطایای جوانی و عصیانم را بیاد میاور. ای خداوند به رحمت خود و به خاطر نیکویی خویش مرا یاد کن. ^۸ خداوند نیکو و عادل است. پس به گناه کاران طریق را خواهد آموخت. ^۹ مسکینان را به انصاف رهبری خواهد کرد و به مسکینان طریق خود را تعلیم خواهد داد. ^{۱۰} همه راههای خداوند رحمت و حق است برای آنانی که عهد و شهادت او را نگاه می‌دارند.

^{۱۱} ای خداوند به خاطر اسم خود، گناه مرا بیامر زیرا که بزرگ است. ^{۱۲} کیست آن آدمی که از خداوند می‌ترسد؟ او را بطریقی که اختیار کرده است خواهد آموخت. ^{۱۳} جان او در نیکویی شب را بسر خواهد برد. و

ذريت او وارث زمين خواهند شد. ۱۴ سر خداوند با ترسندگان او است و عهد او تا ايشان را تعليم دهد. ۱۵ چشمان من دائم بسوی خداوند است زيرا که او پايهای مرا از دام بيرون می آورد. ۱۶ بر من ملتفت شده، رحمت بفرما زيرا که منفرد و مسکين هستم. ۱۷ تنگیهای دل من زياد شده است. مرا از مشقت های من بيرون آور. ۱۸ بر مسکنت و رنج من نظر افکن و جميع خطايایم را بيمرز. ۱۹ بردشمنانم نظر کن زيرا که بسيارند و به کينه تلخ به من کينه می ورزند. ۲۰ جانم را حفظ کن و مرارهایی ده تا نخجل نشوم زيرا بر تو توکل دارم. ۲۱ کمال و راستی حافظ من باشند زيرا که منتظر تو هستم. ۲۲ ای خدا اسرائیل را خلاصی ده، از جميع مشقتهاي وی.

۲۶

دعای مرد عادل

مرزور داود

۱ ای خداوند مرا داد بده زيرا که من در کمال خود رفتار نموده ام و بر خداوند توکل داشته ام، پس نخواهم لغزید. ۲ ای خداوند مرا امتحان کن و مرا بیازما. باطن و قلب مرا مصفی گردان. ۳ زيرا که رحمت تو در مد نظر من است و در راستی تو رفتار نموده ام ۴ با مردان باطل نشستهم و با منافقین داخل نخواهم شد. ۵ از جماعت بدکاران نفرت می دارم و با طالحین نخواهم نشست. ۶ دستهای خود را در صفای شویم. مذبح تو را ای خداوند طواف خواهم نمود. ۷ تا آواز حمد تو را بشنوام و عجایب تو را اخبار نمایم.

۸ ای خداوند محل خانه تو را دوست می دارم و مقام سکونت جلال تو را. ۹ جانم را با نگاهکاران جمع مکن و نه حیات مرا با مردمان خون ریز. ۱۰ که در دستهای ايشان آزار است و دست راست ايشان پر از رشوه است. ۱۱ و اما من در کمال خود سالک می باشم. مرا خلاصی ده و بر من

رحم فرما. ۱۲ پایم در جای هموار ایستاده است. خداوند را در جماعت‌ها متبارک خواهیم خواند.

۲۷

اطمینان در خداوند

مزمو ر داود

۱ خداوند نور من و نجات من است از که بترسم؟ خداوند ملجای جان من است از که هراسان شوم؟ ۲ چون شیران بر من نزدیک آمدند تا گوشت مرا بخورند، یعنی خصمان و دشمنانم، ایشان لغزیدند و افتادند. ۳ اگر لشکری بر فرود آید دلم نخواهد ترسید. اگر جنگ بر من برپا شود، در این نیز اطمینان خواهم داشت. ۴ یک چیز از خداوند خواستم و آن را خواهم طلبید: که تمام ایام عمرم در خانه خداوند ساکن باشم تا جمال خداوند را مشاهده کنم و در هیكل او تفکر نمایم. ۵ زیرا که در روز بلا مرا در سایبان خود نهفته، در پرده خیمه خود مرا مخفی خواهد داشت و مرا بر صخره بلند خواهد ساخت. ۶ والان سرم بر دشمنانم گداگردم برافراشته خواهد شد. قربانی‌های شادکامی را در خیمه او خواهم گذرانید و برای خداوند سرود و تسبیح خواهم خواند.

۷ ای خداوند چون به آواز خود می‌خوانم مرا بشنو و رحمت فرموده، مرا مستجاب فرما. ۸ دل من به تومی گوید (که گفته‌ای: «روی مرا بطلبید.») بلی روی تو را ای خداوند خواهم طلبید. ۹ روی خود را از من مپوشان و بنده خود را در خشم بر مگردان. تو مددکار من بوده‌ای. ای خدای نجاتم، مرا رد مکن و ترک منما. ۱۰ چون پدر و مادرم مرا ترک کنند، آنگاه خداوند مرا برمی‌دارد. ۱۱ ای خداوند طریق خود را به من بیاموز و به سبب دشمنانم مرا به راه راست هدایت فرما. ۱۲ مرا به خواهش خصمانم مسپار، زیرا که شهود کذب و دمندگان ظلم بر من برخاسته‌اند. ۱۳ اگر باور

نمی کردم که احسان خداوند را در زمین زندگان ببینم. ۱۴ برای خداوند منتظر باش و قوی شو و دلت را تقویت خواهد داد. بلی منتظر خداوند باش.

۲۸

درخواست کمک

مزموور داود

۱ ای خداوند، نزد تو فریاد برمی آورم. ای صخره من، از من خاموش مباش. مبادا اگر از من خاموش شوی، مثل آنانی باشم که به حفره فرو می روند. ۲ آواز تضرع مرا بشنو چون نزد تو استغاثه می کنم و دست خود را به محراب قدس تو برمی افرازم. ۳ مرا با شیرین و بدکاران مکش که با همسایگان خود سخن صلح آمیزی گویند و آزار در دل ایشان است. ۴ آنها را به حسب کردار ایشان و موافق اعمال زشت ایشان بده آنها را مطابق عمل دست ایشان بده و رفتار ایشان را به خود ایشان رد نما. ۵ چونکه در اعمال خداوند و صنعت دست وی تفکر نمی کنند. ایشان را منهدم خواهی ساخت و بنا نخواهی نمود. ۶ خداوند مبارک باد زیرا که آواز تضرع مرا شنیده است. ۷ خداوند قوت من و سپر من است. دلم بر او توکل داشت و مدد یافته ام. پس دل من به وجد آمده است و به سرود خود او را حمدخواهم گفت. ۸ خداوند قوت ایشان است و برای مسیح خود قلعه نجات. ۹ قوم خود را نجات ده و میراث خود را مبارک فرما. ایشان را رعایت کن و برافراز تا ابدالاباد.

۲۹

تجید خداوند

مزموور داود

۱ ای فرزندان خدا، خداوند را توصیف کنید. جلال و قوت را برای خداوند توصیف نمایید. ۲ خداوند را به جلال اسم او تجید نمایید. خداوند

را در زینت قدوسیت سجده کنید. ۳ آواز خداوند فوق آنهاست. خدای جلال رعد می‌دهد. خداوند بالای آبهای بسیار است. ۴ آواز خداوند با قوت است. آواز خداوند با جلال است. ۵ آواز خداوند سروهای آزاد را می‌شکند. خداوند سروهای آزاد لبنان را می‌شکند. ۶ آنها را مثل گوساله می‌جهاند. لبنان و سریون را مثل بچه گاو وحشی. ۷ آواز خداوند زبانه‌های آتش را می‌شکافد. ۸ آواز خداوند صحرا را متزلزل می‌سازد. خداوند صحرای قادش را متزلزل می‌سازد. ۹ آواز خداوند غزالها را به درد زه می‌اندازد، و جنگل را بی‌برگ می‌گرداند. و در هیکل او جمیع جلال را ذکر می‌کنند. ۱۰ خداوند بر طوفان جلوس نموده. خداوند نشسته است پادشاه تا ابدالاباد. ۱۱ خداوند قوم خود را قوت خواهد بخشید. خداوند قوم خود را به سلامتی مبارک خواهد نمود.

۳۰.

تسبیح خداوند

سرود برای متبرک ساختن خانه. مزمو ر داود

۱ ای خداوند تو را تسبیح می‌خوانم زیرا که مرا بالا کشیدی و دشمنانم را بر من مفتخر نساختی. ۲ ای یهوه خدای من! نزد تو استغاثه نمودم و مرا شفا دادی. ۳ ای خداوند جانم را از حفره برآوردی. مرا زنده ساختی تا به هاویه فرو نروم. ۴ ای مقدسان خداوند او را بسرایید و به ذکر قدوسیت او حمد گوید! ۵ زیرا که غضب او لحظه‌ای است و در رضامندی اوزندگانی. شامگاه گریه نزیل می‌شود. صبحگاهان شادی رخ می‌نماید. ۶ و اما من در کامیابی خود گفتم: «جنبش نخواهم خورد تا ابدالاباد.» ۷ ای خداوند به رضامندی خود کوه مرا در قوت ثابت گردانیدی و چون روی خود را پوشاندی پریشان شدم. ۸ ای خداوند نزد تو فریاد برمی‌آورم و نزد خداوند تضرع می‌نمایم. ۹ در خون من چه فایده است چون به حفره فرو روم. آیا خاک تو را حمد می‌گویند و راستی تو را اخبار می‌نمایند؟ ۱۰ ای خداوند بشنو

و به من کرم فرما. ای خداوند مددکار من باش. ۱۱ ماتم مرا برای من به رقص مبدل ساخته‌ای. پلاس را از من بیرون کرده و کمر مرا به شادی بسته‌ای. ۱۲ تا جلالم ترا سرودخواند و خاموش نشود. ای یهوه خدای من، تو را حمد خواهم گفت تا ابد الاباد.

۳۱

توکل بر خدا

برای سالار مغنیان. مزموور داود

۱ ای خداوند بر تو توکل دارم پس نجمل نشوم تا به ابد. در عدالت خویش مرا نجات بده. ۲ گوش خود را به من فراگیر و مرا به زودی برهان. برایم صخره‌ای قوی و خانه‌ای حصین باش تا مرا خلاصی دهی. ۳ زیرا صخره و قلعه من تو هستی. به خاطر نام خود مرا هدایت و رهبری فرما. ۴ مرا از دامی که برایم پنهان کرده اند بیرون آور. ۵ زیرا قلعه من تو هستی. روح خود را به دست تو می سپارم. ای یهوه خدای حق تو مرا فدیه دادی. ۶ از آنانی که اباطیل دروغ را پیروی می کنند نفرت می کنم. و اما من بر خداوند توکل می دارم. ۷ به رحمت تو وجد و شادی می کنم زیرا مشقت مرا دیده و جانم را در تنگپاشناخته‌ای. ۸ مرا به دست دشمن اسپرناخته‌ای. پایهای مرا بجای وسیع قائم گردانیده‌ای.

۹ ای خداوند بر من رحمت فرما زیرا در تنگی هستم. چشم من از غصه کاهیده شد، بلکه جانم و جسد من نیز. ۱۰ زیرا که حیاتم از غم و سالهایم از ناله فانی گردیده است. قوتم از گاهم ضعیف و استخوانهایم پوسیده شد. ۱۱ نزد همه دشمنانم عار گردیده‌ام. خصوص نزد همسایگان خویش و باعث خوف آشنایان شده‌ام. هر که مرا بیرون بینداز من می گریزد. ۱۲ مثل مرده از خاطر فراموش شده‌ام و مانند ظرف تلف شده گردیده‌ام. ۱۳ زیرا که بهتان را از بسیاری شنیدم و خوف گرداگرد من می باشد، زیرا بر من با

هم مشورت می کنند و در قصد جانم تفکر می نمایند. ۱۴ و اما من بر تو ای خداوند توکل می دارم و گفته ام خدای من توهستی. ۱۵ و قتهای من در دست تو می باشد. مرا از دست دشمنانم و جفا کنندگانم خلاصی ده. ۱۶ روی خود را بر بنده ات تابان ساز و مرا به رحمت خود نجات بخش. ۱۷ ای خداوند نجعل نشوم چونکه تو را خوانده ام. شیرین نجعل شوندم و در حفره خاموش باشند. ۱۸ لبهای دروغ گو گنگ شود که به درستی و تکبر و استهانت بر عادلان سخن می گوید. ۱۹ زهی عظمت احسان تو که برای ترسندگان ذخیره کرده ای و برای متوکلان پدش بنی آدم ظاهر ساخته ای. ۲۰ ایشان را در پرده روی خود از مکاید مردم خواهی پوشانید. ایشان را در خیمه ای از عداوت زبانها مخفی خواهی داشت. ۲۱ متبارک باد خداوند که رحمت عجیب خود را در شهر حصین به من ظاهر کرده است. ۲۲ و اما من در حیرت خود گفتم که از نظر تو منقطع شده ام. لیکن چون نزد تو فریاد کردم آواز تضرع مرا شنیدی. ۲۳ ای جمیع مقدسان خداوند او را دوست دارید. خداوند امانا را محفوظ می دارد و متکبران را مجازات کثیر می دهد. ۲۴ قوی باشید و دل شما را تقویت خواهد داد. ای همگانی که برای خداوند انتظار می کشید!

۳۲

اعتراف به نگاه

قصیده داود

۱ خوشباجال کسی که عصیان او آمرزیده شد و نگاه وی مستور گردید.
 ۲ خوشباجال کسی که خداوند به وی جرمی در حساب نیاورد. و در روح او حيله ای نمی باشد.
 ۳ هنگامی که خاموش می بودم، استخوانهایم پوسیده می شد از نعره ای که تمامی روز می زدم. ۴ چونکه دست تو روز و شب بر من سنگین می بود. رطوبتم به خشکی تابستان مبدل گردید، سلاه. ۵ به نگاه خود نزد تو اعتراف

کردم و جرم خود را مخفی نداشتم. گفتم: عصیان خود را نزد خداوند اقرار می‌کنم. پس تو آلائش گاهم را عفو کردی، سلاه. ^۶ از این رو هر مقدسی در وقت اجابت نزد تودعا خواهد کرد. وقتی که آبهای بسیار به سیلان آید، هرگز بدو نخواهد رسید. ^۷ تو ملجای من هستی مرا از تنگی حفظ خواهی کرد. مرا به سرودهای نجات احاطه خواهی نمود، سلاه.

^۸ تو را حکمت خواهم آموخت و براهی که باید رفت ارشاد خواهم نمود و تو را به چشم خود که بر تو است نصیحت خواهم فرمود. ^۹ مثل اسب و قاطر بی فهم مباشید که آنها را برای بستن به دهنه و لگام زینت می‌دهند، والا نزدیک تو نخواهند آمد.

^{۱۰} غمهای شیرین بسیار می‌باشد. اما هر که برخداوند توکل دارد رحمت او را احاطه خواهد کرد. ^{۱۱} ای صالحان در خداوند شادی و وجد کنید وای همه راست دلان ترنم نمایید.

۳۳

سرود تسبیح

^۱ ای صالحان در خداوند شادی نمایید، زیرا که تسبیح خواندن راستان را می‌شاید. ^۲ خداوند را بربط حمد بگویید. با عودده تار او را سرود بخوانید. ^۳ سرودی تازه برای او بسرایید. نیکو بنوازید با آهنگ بلند. ^۴ زیرا کلام خداوند مستقیم است و جمیع کارهای او با امانت است. ^۵ عدالت و انصاف را دوست می‌دارد. جهان از رحمت خداوند پر است. ^۶ به کلام خداوند آسمانها ساخته شد و کل جنود آنها به نفعه دهان او. ^۷ آبهای دریا را مثل توده جمع می‌کند و لجه‌ها را در خزانه‌ها ذخیره می‌نماید. ^۸ تمامی اهل زمین از خداوند بترسند. جمیع سکنه ربع مسکون از او بترسند. ^۹ زیرا که او گفت و شده. او امر فرمود و قائم گردید. ^{۱۰} خداوند مشورت امت‌ها را باطل می‌کند. تدبیرهای قبائل را نیست می‌گرداند. ^{۱۱} مشورت

خداوند قائم است تا ابدالآباد. تدابیر قلب او تا دهرالدهور. ۱۲ خوشباجال امتی که یهوه خدای ایشان است و قومی که ایشان را برای میراث خود برگزیده است. ۱۳ از آسمان خداوند نظر افکند و جمیع بنی آدم را نگریست. ۱۴ از مکان سکونت خویش نظر می افکند، بر جمیع ساکنان جهان. ۱۵ او که دل‌های ایشان را جمیع سرشته است و اعمال ایشان را درک نموده است. ۱۶ پادشاه به زیادتی لشکر خلاص نخواهد شد و جبار به بسیاری قوت رهایی نخواهد یافت. ۱۷ اسب به جهت استخلاص باطل است و به شدت قوت خود کسی را رهایی نخواهد داد. ۱۸ اینک چشم خداوند بر آنانی است که از او می ترسند، بر آنانی که انتظار رحمت او را می کشند. ۱۹ تاجان ایشان را از موت رهایی بخشد و ایشان را در نقطه زنده نگاه دارد. ۲۰ جان ما منتظر خداوند می باشد. او اعانت و سپر ما است. ۲۱ زیرا که دل ما در او شادی می کند و در نام قدوس او توکل می داریم. ۲۲ ای خداوند رحمت تو بر ما باد. چنانکه امیدوار تو بوده ایم.

۳۴

خدا نزدیک شکسته دلان است

مزبور داود وقتی که منش خود را به حضور ایملک تغییر داد و از حضور او بیرون رانده شده، برفت

۱ خداوند را در هر وقت متبارک خواهم گفت. تسبیح او دائم بر زبان من خواهد بود. ۲ جان من در خداوند نخر خواهد کرد. مسکینان شنیده، شادی خواهند نمود. ۳ خداوند را با من تکبیر نمایم. نام او را با یکدیگر برافرازم. ۴ چون خداوند را طلبیدم مرا مستجاب فرمود و مرا از جمیع ترسهایم خلاصی بخشید. ۵ بسوی او نظر کردند و منور گردیدند و رویهای ایشان نجل نشد. ۶ این مسکین فریاد کرد و خداوند او را شنید و او را از تمامی تنگیهایش رهایی بخشید. ۷ فرشته خداوند گرداگرد ترسندگان او است. اردو زده، ایشان را می رهند. ۸ بچشید و ببینید که خداوند نیکواست.

خوشبالحال شخصی که بدو توکل می‌دارد. ۹ ای مقدسان خداوند از او بترسید زیرا که ترسندگان او را هیچ کمی نیست. ۱۰ شیربچگان بی‌نوا شده، گرسنگی می‌کشند و اما طالبان خداوند را به هیچ چیز نیکو کمی نخواهد شد. ۱۱ ای اطفال بیاید مرا بشنوید و ترس خداوند را به شما خواهم آموخت. ۱۲ کیست آن شخصی که آرزومند حیات است و طول ایام را دوست می‌دارد تا نیکویی را ببیند. ۱۳ زبانت را از بدی نگاه دار و لبهایت را از سخنان حيله آمیز. ۱۴ از بدی اجتناب نما و نیکویی بکن. صلح را طلب نما و در پی آن بکوش. ۱۵ چشمان خداوند بسوی صالحان است و گوشهای وی بسوی فریاد ایشان.

۱۶ روی خداوند بسوی بدکاران است تا ذکر ایشان را از زمین منقطع سازد. ۱۷ چون (صالحان) فریاد برآوردند خداوند ایشان را شنید و ایشان را از همه تنگهای ایشان رهایی بخشید.

۱۸ خداوند نزدیک شکسته دلان است و روح کوفتگان را نجات خواهد داد. ۱۹ زحمت مرد صالح بسیار است. اما خداوند او را از همه آنها خواهد رهانید. ۲۰ همه استخوانهای ایشان را نگاه می‌دارد، که یکی از آنها شکسته نخواهد شد. ۲۱ شریر را شرارت هلاک خواهد کرد و از دشمنان مرد صالح موآخذه خواهد شد. ۲۲ خداوند جان بندگان خود را فدیة خواهد داد و از آنانی که بروی توکل دارند موآخذه نخواهد شد.

۳۵

طلب کمک از خداوند

مرمور داود

۱ ای خداوند با خصمان من مخاصمه نما و جنگ کن با آنانی که با من جنگ می‌کنند. ۲ سپر و مچن را بگیر و به اعانت من برخیز. ۳ و نیزه را راست کن و راه را پیش روی جفاکنندگانم ببند و به جان من بگو من نجات تو هستم. ۴ نجل و رسوا شوند آنانی که قصد جان من دارند و

آنانی که بداندیش منند، برگردانیده و نجل شوند. ۵ مثل کاه پیش روی باد باشند و فرشته خداوند ایشان را براند. ۶ راه ایشان تاریکی و لغزنده باد. و فرشته خداوند ایشان را تعاقب کند. ۷ زیرا دام خود را برای من بی سبب در حفره‌ای پنهان کردند که آن را برای جان من بی جهت کنده بودند. ۸ هلاکت ناگهانی بدو برسد و دامی که پنهان کرد خودش را بگیرد و در آن به هلاکت گرفتار گردد. ۹ و اما جان من در خداوند وجد خواهد کرد و در نجات او شادی خواهد نمود. ۱۰ همه استخوانهایم می گویند «ای خداوند کیست مانند تو که مسکین را از شخص قوی تر از او می رهاند و مسکین و فقیر را از تاراج کننده وی.» ۱۱ شاهدان کینه ور برخاسته اند. چیزهایی را که غمی دانستم از من می پرسند. ۱۲ به عوض نیکویی بدی به من می کنند. جان مرا بیکس گردانیده اند. ۱۳ و اما من چون ایشان بیمار می بودند پلاس می پوشیدم. جان خود را به روزه می رنجانیدم و دعایم به سینه ام بر می گشت. ۱۴ مثل آنکه اودوست و برادرم می بود، سرگردان می رفتم. چون کسی که برای مادرش ماتم گیرد، از حزن خم می شدم. ۱۵ ولی چون افتادم شادی گان جمع شدند. آن فرومایگان بر من جمع شدند. و کسانی که نشناخته بودم مرا دریدند و ساکت نشدند. ۱۶ مثل فاجرانی که برای نان مسخرگی می کنند. دندانهای خود را بر من می افشردند. ۱۷ ای خداوند تا به کی نظر خواهی کرد! جانم را از خرابیهای ایشان برهان و یگانه مرا از شیرپچگان. ۱۸ و تو را در جماعت بزرگ حمد خواهم گفت. ترا در میان قوم عظیم تسبیح خواهم خواند. ۱۹ تا آنانی که بی سبب دشمن منند، بر من نخر نکنند. و آنانی که بر من بی سبب بغض می نمایند، چشمک نزنند. ۲۰ زیرا برای سلامتی سخن غمی گویند و بر آنانی که در زمین آرامند سخنان حيله آمیز را تفکر می کنند. ۲۱ و دهان خود را بر من باز کرده، می گویند هه هه چشم ما دیده است. ۲۲ ای خداوند تو آن را دیده‌ای

پس سکوت مفرمان. ای خداوند از من دور مباش. ۲۳ خویشان را برانگیز و برای داد من بیدار شو، ای خدای من و خداوند من برای دعوی من. ۲۴ ای یهوه خدایم مرا موافق عدل خود داد بده، مبادا بر من شادی نمایند. ۲۵ تادر دل خود نگویند اینک مراد ما. تا نگویند او رابعیده ایم. ۲۶ و آنانی که در بدی من شادند، با هم نجل و شرمند شوند. و آنانی که بر من تکبر می کنند، به نجلت و رسوایی ملبس شوند. ۲۷ آنانی که خواهان حق منند ترنم و شادی نمایند. و دائم گویند خداوند بزرگ است که به سلامتی بنده خود رغبت دارد. ۲۸ و زبانه عدالت تو را بیان خواهد کرد و تسبیح تو را تمامی روز.

۳۶

راه بدکاران

برای سالار مغنیان. مزبور داود بنده خداوند

۱ معصیت شیر در اندرون دل من می گوید که ترس خدا در مد نظر او نیست. ۲ زیرا خویشان را در نظر خود تملق می گوید تا گاهش ظاهر نشود و مکروه نگردد. ۳ سخنان زبانش شرارت و حيله است. ازدانشمندی و نیکوکاری دست برداشته است. ۴ شرارت را بر بستر خود تفکر می کند. خود را به راه ناپسند قائم کرده، از بدی نفرت ندارد.

۵ ای خداوند رحمت تو در آسمانها است و امانت تو تا افلاک. ۶ عدالت تو مثل کوههای خداست و احکام تو لجه عظیم. ای خداوند انسان و بهایم را نجات می دهی. ۷ ای خدارحمت تو چه ارجمند است. بنی آدم زیر سایه بالهای تو پناه می برند. ۸ از چربی خانه تو شاداب می شوند. از نهر خوشیهای خود ایشان را می نوشانی. ۹ زیرا که نزد تو چشمه حیات است و در نور تو نور را خواهیم دید. ۱۰ رحمت خود را برای عارفان خود مستدام فرما و عدالت خود را برای راست دلان. ۱۱ پای تکبر بر من نیاید و دست شیران مرا گریزان نسازد. ۱۲ در آنجا بدکرداران افتاده اند. ایشان انداخته شده اند و نمی توانند برخاست.

۳۷

سرنوشت شیران

مرز مور داود

۱ به سبب شیران خویشتن را مشوش مساز و بر فتنه انگیزان حسد مبر.
 ۲ زیرا که مثل علف به زودی بریده می شوند و مثل علف سبز پزمرده خواهند شد.
 ۳ بر خداوند توکل نما و نیکویی بکن. در زمین ساکن باش و از امانت پرورده شو. ۴ و در خداوند تمتع ببر، پس مسالت دل تو را به تو خواهد داد.
 ۵ طریق خود را به خداوند بسپار و بروی توکل کن که آن را انجام خواهد داد. ۶ و عدالت تو را مثل نور بیرون خواهد آورد و انصاف تو را مانند ظهر. ۷ نزد خداوند ساکت شو و منتظر او باش و از شخص فرخنده طریق و مرد حیله گر خود را مشوش مساز. ۸ از غضب برکنار شو و خشم را ترک کن. خود را مشوش مساز که البته باعث نگاه خواهد شد. ۹ زیرا که شیران منقطع خواهند شد. و اما منتظران خداوند وارث زمین خواهند بود. ۱۰ هان بعد از اندک زمانی شیران نخواهد بود. در مکانش تامل خواهی کرد و نخواهد بود. ۱۱ و اما حلیمان وارث زمین خواهند شد و از فراوانی سلامتی متلذذ خواهند گردید.

۱۲ شیر بر مرد عادل شورا می کند و دندانهای خود را بر او می افشرد.
 ۱۳ خداوند بر او خواهد خندید، زیرا می بیند که روز او می آید. ۱۴ شیران شمشیر را برهنه کرده و کمان را کشیده اند تا مسکین و فقیر را بیندازند و راست روان را مقتول سازند. ۱۵ شمشیر ایشان به دل خود ایشان فرو خواهد رفت و کمانهای ایشان شکسته خواهد شد. ۱۶ نعمت اندک یک مرد صالح بهتر است، از اندوخته های شیران کثیر. ۱۷ زیرا که بازوهای شیران، شکسته خواهد شد. و اما صالحان را خداوند تایید می کند. ۱۸ خداوند روزهای کاملان را می داند و میراث ایشان خواهد بود تا ابد الابد. ۱۹ در زمان بلا نخل نخواهند شد، و در ایام قحط سیر خواهند بود. ۲۰ زیرا شیران هلاک می شوند و دشمنان خداوند مثل خرمی مرتعها فانی خواهند شد. بلی مثل دخان فانی خواهند گردید. ۲۱ شیر بر قرض می گیرد و وفا نمی کند

و اما صالح رحیم و بخشنده است. ۲۲ زیرا آنانی که از وی برکت یابند وارث زمین گردند. و اما آنانی که ملعون وی اند، منقطع خواهند شد. ۲۳ خداوند قدمهای انسان رامستحکم می سازد، و در طریق هایش سروری دارد. ۲۴ اگرچه بیفتد افکنده نخواهد شد زیرا خداوند دستش را می گیرد. ۲۵ من جوان بودم و الان پیر هستم و مرد صالح را هرگز متروک ندیده‌ام و نه نسلش را که گدای نان بشوند. ۲۶ تمامی روز رثوف است و قرض دهنده. و ذریت او مبارک خواهند بود.

۲۷ از بدی برکنار شو و نیکویی بکن. پس ساکن خواهی بود تا ابدالاباد. ۲۸ زیرا خداوند انصاف را دوست می دارد و مقدسان خود را ترک نخواهد فرمود. ایشان محفوظ خواهند بود تا ابدالاباد. و اما نسل شریر منقطع خواهد شد. ۲۹ صالحان وارث زمین خواهند بود و در آن تا به ابد سکونت خواهند نمود. ۳۰ دهان صالح حکمت را بیان می کند و زبان او انصاف را ذکر می نماید. ۳۱ شریعت خدای وی در دل اوست. پس قدمهایش نخواهد لغزید. ۳۲ شریر برای صالح کین می کند و قصد قتل وی می دارد. ۳۳ خداوند او را در دستش ترک نخواهد کرد و چون به داوری آید بر وی فتوا نخواهد داد. ۳۴ منتظر خداوند باش و طریق او را نگاه دار تا تو را به وراثت زمین برافزاند. چون شریران منقطع شوند آن را خواهی دید. ۳۵ شریر را دیدم که ظلم پیشه بود و مثل درخت بومی سبز خود را بهر سومی کشیده. ۳۶ اما گذشت و اینک نیست گردید و او را جستجو کردم و یافت نشد. ۳۷ مرد کامل را ملاحظه کن و مرد راست را ببین زیرا که عاقبت آن مرد سلامتی است. ۳۸ اما خطاکاران جمیع هلاک خواهند گردید و عاقبت شریران منقطع خواهد شد ۳۹ و نجات صالحان از خداوند است و در وقت تنگی او قلعه ایشان خواهد بود. ۴۰ و خداوند ایشان را اعانت کرده، نجات خواهد داد. ایشان را از شریران خلاص کرده، خواهد رهانید. زیرا بر او توکل دارند.

۳۸

دعای مصیبت دیده

مزمو ر داود برای تذکر

۱ ای خداوند مرا در غضب خود توبیخ منما و در خشم خویش تادیم
مفرما. ۲ زیرا که تیرهای تو در من فرو رفته و دست تو بر من فرود آمده
است. ۳ در جسد من به سبب غضب تو صحتی نیست و در استخوانهایم
به سبب خطای خودم سلامتی نی. ۴ زیرا گگاهام از سرم گذشته است.
مثل بارگران از طاقم سنگین تر شده. ۵ جراحات من متعفن و مقروح شده
است، به سبب حماقت من. ۶ به خود می پیچم و بی نهایت منحنی شده ام.
تمامی روز ماتم گان تردد می کنم. ۷ زیرا کمر من از سوزش پر شده است
و در جسد من صحتی نیست. ۸ من بی حس و بی نهایت کوفته شده ام و از
فغان دل خود نعره می زنم.

۹ ای خداوند تمامی آرزوی من در مد نظر تو است و ناله های من از تو
مخفی نمی باشد. ۱۰ دل من می طپد و قوتم از من رفته است و نور چشمانم
نیز با من نیست. ۱۱ دوستان و رفیقانم از بالای من برکار می ایستند و
خویشان من دور ایستاده اند. ۱۲ آنانی که قصد جانم دارند دام می گسترند
و بداندیشانم سخنان فتنه انگیز می گویند و تمام روز حیل را تفکر می کنند.
۱۳ و اما من مثل کر نمی شنوم. مانند گنگم که دهان خود را باز نکند.
۱۴ و مثل کسی گردیده ام که نمی شنود و کسی که در زبانش حجتی نباشد.
۱۵ زیرا که ای خداوند انتظار تو را می کشم. تو ای یهوه خدایم جواب
خواهی داد. ۱۶ چونکه گفته ام مبادا بر من شادی نمایند و چون پایم بلغزد
بر من تکبر کنند. ۱۷ زیرا که برای افتادن نصب شده ام و درد من همیشه
پیش روی من است. ۱۸ زیرا نگاه خود را اخبار می نمایم و از خطای
خود غمگین هستم. ۱۹ اما دشمنانم زنده و زور آوراند و آنانی که بی سبب
بر من بغض می نمایند بسیاراند. ۲۰ و آنانی که به عوض نیکی به من بدی

می‌رسانند. بر من عداوت می‌ورزند زیرا نیکویی را پیروی می‌کنم. ۲۱ ای خداوند مرا ترک منما. ای خدای من از من دور مباش. ۲۲ و برای اعانت من تعجیل فرمای خداوندی که نجات من هستی.

۳۹

دعای مرد رنج‌دیده

برای یدوتون سالار مغنیان. مزمور داود

۱ گفتم راههای خود را حفظ خواهم کرد تا به زبانم خطا نورزم. دهان خود را به لجام نگاه خواهم داشت، مادامی که شریر پیش من است. ۲ من گنگ بودم و خاموش و از نیکویی نیز سکوت کردم و درد من به حرکت آمد. ۳ دلم در اندرونیم گرم شد. چون تفکر می‌کردم آتش افروخته گردید. پس به زبان خود سخن گفتم. ۴ ای خداوند اجل مرا بر من معلوم ساز و مقدار ایامم را که چیست تا بفهمم چه قدر فانی هستم. ۵ اینک روزهایم را مثل یک وجب ساخته‌ای و زندگانی‌ام در نظر تو هیچ است. یقین هر آدمی محض بطلت قرار داده شد، سلاه. ۶ اینک انسان در خیال رفتار می‌کند و محض بطلت مضطرب می‌گردد. ذخیره می‌کند و نمی‌داند کیست که از آن تمتع خواهد برد.

۷ و الان ای خداوند برای چه منتظر باشم؟ امید من بر تو می‌باشد. ۸ مرا از همه گاهانم برهان و مرا نزد جاهلان عار مگردان. ۹ من گنگ بودم و زبان خود را باز نکردم زیرا که تو این را کرده‌ای. ۱۰ بلای خود را از من بردار زیرا که از ضرب دست تو من تلف می‌شوم. ۱۱ چون انسان را به سبب نگاهش به عتابها تادیب می‌کنی، نفایس او را مثل بید می‌گذاری. یقین هر انسان محض بطلت است، سلاه. ۱۲ ای خداوند دعای مرا بشنو و به فریادم گوش بده و از اشکهایم ساکت مباش، زیرا که من غریب

هستم در نزد تو و نزیل هستم مثل جمیع پدران خود. ۱۳ (روی) خشم (خود) را از من بگردان تا فرحناک شوم قبل از آنکه رحلت کنم و نایاب گردم.

۴۰

سرودی تازه

برای سالار مغنیان. مزمور داود

۱ انتظار بسیار برای خداوند کشیده‌ام، وبه من مایل شده، فریاد مرا شنید. ۲ و مرا از چاه هلاکت برآورد و از گل لجن و پایهایم را برصخره گذاشته، قدمهایم را مستحکم گردانید. ۳ و سرودی تازه در دهانم گذارد یعنی حمد خدای ما را. بسیاری چون این را بینند ترسان شده، بر خداوند توکل خواهند کرد. ۴ خوشبحال کسی که بر خداوند توکل دارد و به متکبران ظالم و مرتدان دروغ مایل نشود. ۵ ای یهوه خدای ما چه بسیار است کارهای عجیب که تو کرده‌ای و تدبیرهایی که برای ما نموده‌ای. در نزد تو آنها را تقویم نتوان کرد، اگر آنها را تقریر و بیان بکنم، از حد شمار زیاده است. ۶ در قربانی و هدیه رغبت نداشتی. اما گوشهای مرا باز کردی. قربانی سوختنی و قربانی نگاه را نخواستی. ۷ آنگاه گفتم: «اینک می‌آیم! در طومار کتاب درباره من نوشته شده است. ۸ در بجا آوردن اراده توای خدای من رغبت می‌دارم و شریعت تو در اندرون دل من است.» ۹ در جماعت بزرگ به عدالت بشارت داده‌ام. اینک لبهای خود را باز نخواهم داشت و توای خداوند می‌دانی. ۱۰ عدالت تو را در دل خود مخفی نداشته‌ام. امانت و نجات تو را بیان کرده‌ام. رحمت و راستی تو را از جماعت بزرگ پنهان نکرده‌ام. ۱۱ پس توای خداوند لطف خود را از من باز مدار. رحمت و راستی تو دائم مرا محافظت کند. ۱۲ زیرا که بلایای بیشمار مرا احاطه می‌کند. گاهانم دور مرا گرفته است به حدی که نمی‌توانم دید. از مویهای سر من زیاده است و دل من مرا ترک کرده است.

۱۳ ای خداوند مرحمت فرموده، مرا نجات بده. ای خداوند به اعانت من تعجیل فرما. ۱۴ آنانی که قصد هلاکت جان من دارند، جمیع نجل و شرمنده شوند. و آنانی که در بدی من رغبت دارند، به عقب برگردانیده و رسوا گردند. ۱۵ آنانی که بر من هه هه می گویند، به سبب نجات خویش حیران شوند. ۱۶ و اما جمیع طالبان تو در تو وجد و شادی نمایند و آنانی که نجات تو را دوست دارند، دائم گویند که خداوند بزرگ است. ۱۷ و اما من مسکین و فقیر هستم و خداوند درباره من تفکر می کند. تو معاون و نجات دهنده من هستی. ای خدای من، تاخیر مفرما.

۴۱

دعای مرد بیمار

برای سالار مغنیان. مزمور داود

۱ خوشبحال کسی که برای فقیر تفکری کند. خداوند او را در روز بلا خلاصی خواهد داد. ۲ خداوند او را محافظت خواهد کرد و زنده خواهد داشت. او در زمین مبارک خواهد بود و او را به آرزوی دشمنانش تسلیم نخواهی کرد. ۳ خداوند او را بر بستر بیماری تأیید خواهد نمود. تمامی خوابگاه او را در بیماری خواهی گسترانید. ۴ من گفتم: «ای خداوند بر من رحم نما. جان مرا شفا بده زیرا به تو نگاه ورزیده‌ام.» ۵ دشمنانم درباره من به بدی سخن می گویند که کی بمیرد و نام او گم شود. ۶ و اگر برای دیدن من بیاید، سخن باطل می گوید و دلش در خود شرارت را جمع می کند. چون بیرون رود آن را شایع می کند. ۷ و جمیع خصمانم بایکدیگر بر من نمایی می کنند و درباره من بدی می اندیشند، ۸ که «حادثه‌ای مهلک بر او ریخته شده است. و حال که خوابیده است دیگر نخواهد برخاست.» ۹ و آن دوست خالص من که بر او اعتماد می داشتم که نان مرا نیز می خورد، پاشنه خود را بر من بلند کرد.

۱۰ و اما توای خداوند بر من رحم فرموده، مرا برپا بدار تا مجازات بدیشان رسانم. ۱۱ از این می دانم که در من رغبت داری زیرا که دشمنم بر من نفر نمی نماید. ۱۲ و مرا به سبب کالم مستحکم نموده ای و مرا به حضور خویش دائم قائم خواهی نمود. ۱۳ یهوه خدای اسرائیل متبارک باد. از ازل تا به ابد.

آمین و آمین.

۴۲

همچون آهو

برای سالار مغنیان. قصیده بنی قورح

۱ چنانکه آهو برای نهرهای آب شدت اشتیاق دارد، همچنان ای خدا جان من اشتیاق شدید برای تو دارد. ۲ جان من تشنه خداست تشنه خدای حی، که کی بیایم و به حضور خدا حاضر شوم. ۳ اشکهایم روز و شب نان من می بود، چون تمامی روز مرا می گفتند: «خدای تو کجاست؟» ۴ چون این را بیاد می آورم جان خود را بر خود می ریزم. چگونه با جماعت می رفتم و ایشان را به خانه خدا پیشروی می کردم، به آواز ترنم و تسبیح در گروه عیدکنندگان. ۵ ای جانم چرا منحنی شده ای و چرا در من پریشان گشته ای؟ بر خدا امید دار زیرا که او را برای نجات روی او باز حمد خواهم گفت.

۶ ای خدای من، جانم در من منحنی شده. بنابراین تو را از زمین اردن یاد خواهم کرد، از کوههای حرمون و از جبل مصغر. ۷ لجه به لجه ندا می دهد از آواز آبشارهای تو جمیع خیزابها و موجهای تو بر من گذشته است. ۸ در روز خداوند رحمت خود را خواهد فرمود. و در شب سرود اوبا من خواهد بود و دعا نزد خدای حیات من. ۹ به خدا گفته ام: «ای صخره من چرا مرا فراموش کرده ای؟» چرا به سبب ظلم دشمن ماتم کمان تردد بکنم؟ ۱۰ دشمنانم به کوبیدگی در استخوانهایم مرا ملامت می کنند، چونکه همه روزه مرا می

گویند: «خدای تو بجاست؟»^{۱۱} ای جان من چرا منحنی شده و چرا در من پریشان گشته‌ای؟ بر خدا امید دار زیرا که او را باز حمد خواهم گفت، که نجات روی من و خدای من است.

۴۳

دعای شخص پریشان

۱ ای خدا مرا داوری کن و دعوی مرا با قوم بیرحم فیصل فرما و از مرد حيله گرو ظالم مرا خلاصی ده. ۲ زیرا تو خدای قوت من هستی. چرا مرا دور انداختی؟ چرا به سبب ستم دشمن ماتم کمان تردد بکنم؟
۳ نور و راستی خود را بفرست تا مرا هدایت نمایند. و مرا به کوه مقدس تو و مسکن های تو رسانند. ۴ انگاه به مذبح خدا خواهم رفت، بسوی خدایی که سرور و خرمی من است. و تورا ای خدا، خدای من با بربط تسبیح خواهم خواند.

۵ ای جان من چرا منحنی شده‌ای؟ و چرا در من پریشان گشته‌ای؟ امید بر خدا دار. زیرا که او را باز حمد خواهم گفت، که نجات روی من و خدای من است.

۴۴

درخواست اعانت

برای سالار مغنیان. قصیده بنی قورح

۱ ای خدا به گوشه‌های خود شنیده‌ایم و پدران ما، ما را خبر داده‌اند، از کاری که در روزهای ایشان و در ایام سلف کرده‌ای. ۲ تو به دست خود امت‌ها را بیرون کردی، اما ایشان را غرس نمودی. قوما را تباه کردی، اما ایشان را منتشر ساختی. ۳ زیرا که به شمشیر خود زمین را تسخیر نکردند و بازوی ایشان ایشان را نجات نداد. بلکه دست راست تو و بازو و نور روی تو. زیرا از ایشان خرسندبودی.

۴ ای خدا تو پادشاه من هستی. پس بر نجات یعقوب امر فرما. ۵ به مدد تو دشمنان خود را خواهیم افکند و به نام تو مخالفان خویش را پایمال خواهیم ساخت. ۶ زیرا بر کجان خود توکل نخواهم داشت و شمشیرم مرا خلاصی نخواهد داد. ۷ بلکه تو ما را از دشمنان ما خلاصی دادی و مبعضان ما را نجل ساختی. ۸ تمامی روز بر خدا نفر خواهیم کرد و نام تو را تا به ابد تسبیح خواهیم خواند، سلاه. ۹ لیکن الان تو ما را دور انداخته و رسوا ساخته‌ای و بالشرک‌های ما بیرون نمی‌آیی. ۱۰ و ما را از پیش دشمن روگردان ساخته‌ای و خصمان ما برای خویشتن تاراج می‌کنند. ۱۱ ما را مثل گوسفندان برای خوراک تسلیم کرده‌ای و ما را در میان امت‌ها پراکنده ساخته‌ای. ۱۲ قوم خود را بی‌بها فروختی و از قیمت ایشان نفع نبردی. ۱۳ ما را نزد همسایگان ماعار گردانیدی. اهانت و سخزیه نزد آنانی که گرداگرد ما پند. ۱۴ ما را در میان امت‌ها ضرب‌المثل ساخته‌ای. جنبانیدن سر در میان قوم‌ها. ۱۵ و رسوایی من همه روزه در نظر من است. و نجالت رویم مرا پوشانیده است، ۱۶ از آواز ملامت گو و فحاش، از روی دشمن و انتقام گیرنده.

۱۷ این همه بر ما واقع شد. اما تو را فراموش نکردیم و در عهد تو خیانت نورزیدیم. ۱۸ دل ما به عقب برنگردید و پایهای ما از طریق تو انحراف نورزید. ۱۹ هر چند ما را در مکان‌ها کوبیدی و ما را به سایه موت پوشانیدی. ۲۰ نام خدای خود را هرگز فراموش نکردیم و دست خود را به خدای غیر برنیفراشتیم. ۲۱ آیا خدا این را غوررسی نخواهد کرد؟ زیرا او خفایای قلب رامی‌داند. ۲۲ هر آینه به خاطر تو تمامی روز کشته می‌شویم و مثل گوسفندان ذبح شمرده می‌شویم. ۲۳ ای خداوند بیدار شو چرا خوابیده‌ای؟ برخیز و ما را تا به ابد دور مینداز. ۲۴ چرا روی خود را پوشانیدی و ذلت و تنگی ما را فراموش کردی؟ ۲۵ زیرا که جان ما به خاک خم شده است و شکم ما به زمین چسبیده. ۲۶ به جهت اعانت ما برخیز و بخاطر رحمانیت خود ما را فدی‌ه ده.

۴۵

سرود عروس پادشاه

برای سالار مغنیان بر سوسنهام. قصیده بنی قورح. سرود حبیبیات

۱ دل من به کلام نیکومی جوشد. انشاء خود را درباره پادشاه می گویم. زبان من قلم کاتب ماهر است. ۲ تو جمیل تر هستی از بنی آدم و نعمت بر لبهای تو ریخته شده است. بنابراین، خدا تو را مبارک ساخته است تا ابدالاباد. ۳ ای جبار شمشیر خود را بر ران خود ببند، یعنی جلال و کبریایی خویش را. ۴ و به کبریایی خود سوار شده، غالب شو به جهت راستی و حلم و عدالت و دست راستت چیزهای ترسناک را به تو خواهد آموخت. ۵ به تیرهای تیز تو امت ها زیر تومی افتند و به دل دشمنان پادشاه فرو می رود. ۶ ای خدا، تخت تو تا ابدالاباد است؛ عصای راستی عصای سلطنت تو است. ۷ عدالت را دوست و شرارت را دشمن داشتی. بنابراین خدا خدای تو تو را به روغن شادمانی بیشتر از رفقاییت مسح کرده است. ۸ همه رختهای تو مر و عود و سلیخه است، از قصرهای عاج که به تارها تو را خوش ساختند. ۹ دختران پادشاهان از زنان نجیب توهستند. ملکه به دست راستت در طلای او فیرایستاده است. ۱۰ ای دختر بشنو و بین و گوش خود را فرادار. و قوم خود و خانه پدرت را فراموش کن، ۱۱ تا پادشاه مشتاق جمال تو بشود، زیرا او خداوند تو است پس او را عبادت نما. ۱۲ و دختر صورت با ارمغانی. و دولتندان قوم رضامندی تو را خواهند طلبید. ۱۳ دختر پادشاه تمام در اندرون مجید است و رختهای او با طلا مرصع است. ۱۴ به لباس طرازدار نزد پادشاه حاضر می شود. باکره های همراهان او در عقب وی نزد تو آورده خواهند شد. ۱۵ به شادمانی و خوشی آورده می شوند و به قصر پادشاه داخل خواهند شد. ۱۶ به عوض پدرانت پسرانت خواهند بود و ایشان را بر تمامی جهان سروران خواهی ساخت. ۱۷ نام تو را در همه دهرها ذکر خواهیم کرد. پس قوم ها تو را حمد خواهند گفت تا ابدالاباد.

۴۶

کمک خدا در تنگیها

برای سالار مغنیان. سرود بنی قورح بر علاموت

۱ خدا ملجا و قوت ماست، و مددکاری که در تنگیها فور یافت می شود.
 ۲ پس نخواهیم ترسید، اگرچه جهان مبدل گردد و کوهها در قعر دریا
 به لرزش آید. ۳ اگرچه آبهای آشوب کنند و به جوش آیند و کوهها
 از سرکشی آن متزلزل گردند، سلاه. ۴ نهری است که شعبه هایش شهر
 خدا را فرحناک می سازد و مسکن قدوس حضرت اعلی را. ۵ خدا در
 وسطاوست پس جنبش نخواهد خورد. خدا او را اعانت خواهد کرد در
 طلوع صبح. ۶ امتها نعره زدند و مملکتها متحرک گردیدند. او آواز
 خود رداد. پس جهان گداخته گردید. ۷ یهوه صباوت باماست. و
 خدای یعقوب قلعه بلند ما، سلاه. ۸ بیاید کارهای خداوند را نظاره
 کنید، که چه خرابیها در جهان پیدا نمود. ۹ او جنگها را تا اقصای جهان
 تسکین می دهد. کجا را می شکند و نیزه را قطع می کند و ارا بهها را به آتش
 می سوزاند. ۱۰ باز ایستید و بدانید که من خدا هستم. در میان امتها،
 متعال و در جهان، متعال خواهم شد. ۱۱ یهوه صباوت باماست و خدای
 یعقوب قلعه بلند ما، سلاه.

۴۷

تسبیح خدایی که پادشاه است

برای سالار مغنیان. مزامور بنی قورح

۱ ای جمیع امتها دستک زنید. نزد خدا به آواز شادی بانگ برآورید.
 ۲ زیرا خداوند متعال و مهیب است و بر تمامی جهان خدای بزرگ. ۳ قومها
 را در زیر ما مغلوب خواهد ساخت و طایفهها را در زیر پایهای ما. ۴ میراث
 ما را برای ما خواهد برگزید یعنی جلالت یعقوب را که دوست می دارد،
 سلاه. ۵ خدا به آواز بلند صعود نموده است. خداوند به آواز کرنا. ۶ تسبیح

بخوانید، خدا را تسبیح بخوانید. تسبیح بخوانید، پادشاه ما را تسبیح بخوانید. ۷ زیرا خدا پادشاه تمامی جهان است. به خردمندی تسبیح بخوانید. ۸ خدا بر امت‌ها سلطنت می‌کند. خدا بر تخت قدس خود نشسته است. ۹ سروران قوم‌ها با قوم خدای ابراهیم جمع شده‌اند زیرا که سپرهای جهان از آن خداست. او بسیار متعال می‌باشد.

۴۸

خدا در کوه صهیون

سرود و مزمور بنی قورح

۱ خداوند بزرگ است و بی‌نهایت مجید، در شهر خدای ما و در کوه مقدس خویش. ۲ جمیل در بلندی‌اش و شادی تمامی جهان است کوه صهیون، در جوانب شمال، قریه پادشاه عظیم. ۳ خدا در قصرهای آن به ملجای بلند معروف است. ۴ زیرا اینک پادشاهان جمع شدند، و با هم درگذشتند. ۵ ایشان چون دیدند متعجب گردیدند. و در حیرت افتاده، فرار کردند. ۶ لرزه بر ایشان در آنجا مستولی گردید و درد شدید مثل زنی که می‌زاید. ۷ تو کشتیهای ترشیش را به باد شرقی شکستی. ۸ چنانکه شنیده بودیم، همچنان دیده‌ایم، در شهر یهوه صبیوت، در شهر خدای ما؛ خدا آن را تا ابدالابد مستحکم خواهد ساخت، سلاه. ۹ ای خدا در رحمت تو تفکر کرده‌ایم، در اندرون هیکل تو. ۱۰ ای خدا چنانکه نام تو است، همچنان تسبیح تو نیز تا اقصای زمین. دست راست تو از عدالت پر است. ۱۱ کوه صهیون شادی می‌کند و دختران یهودا به وجد می‌آیند، به سبب داوریهای تو. ۱۲ صهیون را طواف کنید و گرداگرد او بخرامید و برجهای وی را بشمارید. ۱۳ دل خود را به حصارهایش بنهید و در قصرهایش تامل کنید تا طبقه آینده را اطلاع دهید. ۱۴ زیرا این خدا، خدای ماست تا ابدالابد و ما را تا به موت هدایت خواهد نمود.

۴۹

حماقت اعتماد بر دولت

برای سالار مغنیان. مزبور بنی قورح

۱ ای تمامی قوم‌ها این را بشنوید! ای جمیع سکنه ربع مسکون این را گوش گیرید! ۲ ای عوام و خواص! ای دولت‌مندان و فقیران جمیع! ۳ زبانم به حکمت سخن می‌راند و تفکر دل من فطانت است. ۴ گوش خود را به مثلی فرامی‌گیرم. معمای خویش را بر بربط می‌گشایم.

۵ چرا در روزهای بلا ترسان باشم، چون نگاه پاشنه‌هایم مرا احاطه می‌کند؛ ۶ آنانی که بر دولت خود اعتماد دارند و بر کثرت توانگری خویش نخر می‌نمایند. ۷ هیچ کس هرگز برای برادر خود فدیة نخواهد داد و کفاره او را به خدا نخواهد بخشید. ۸ زیرا فدیة جان ایشان گران بهاست و ابد بدان نمی‌توان رسید ۹ تا زنده بماند تا ابدالاباد و فساد را نبیند. ۱۰ زیرا می‌بیند که حکیمان می‌میرند. و جاهلان و ابلهان با هم هلاک می‌گردند و دولت خود را برای دیگران ترک می‌کنند. ۱۱ فکر دل ایشان این است که خانه‌های ایشان دائمی باشد و مسکنهای ایشان دوربه دور؛ و نامهای خود را بر زمینهای خود می‌نهند. ۱۲ لیکن انسان در حرمت باقی نمی‌ماند، بلکه مثل بهایم است که هلاک می‌شود. ۱۳ این طریقه ایشان، جهالت ایشان است و اعقاب ایشان سخن ایشان را می‌پسندند، سلاه. ۱۴ مثل گوسفندان درهاویه رانده می‌شوند و موت ایشان را شبانی می‌کند و صبحگاهان راستان بر ایشان حکومت خواهند کرد و جمال ایشان درهاویه پوسیده خواهد شد تا مسکنی برای آن نباشد. ۱۵ لیکن خدا جان مرا از دست هاویه نجات خواهد داد زیرا که مرا خواهد گرفت، سلاه.

۱۶ پس ترسان مباش، چون کسی دولتندگردد و جلال خانه او افزوده شود! ۱۷ زیرا چون بمیرد چیزی از آن نخواهد برد و جلالش در عقب او فرو نخواهد رفت. ۱۸ زیرا در حیات خود، خویشتن را مبارک می‌خواند. و چون بر خود احسان می‌کفی، مردم ترا می‌ستایند. ۱۹ لیکن به طبقه پدران

خود خواهد پیوست که نور را تا به ابد نخواهند دید. ۲۰ انسانی که در حرمت است و فهم ندارد، مثل بهایم است که هلاک می‌شود.

۵۰

پرستش مقدسان خداوند

مزمو آساف

۱ خدا، خدا یهوه تکلم می‌کند و زمین را از مطلع آفتاب تا به مغربش می‌خواند.

۲ از صهیون که کمال زیبایی است، خدا تجلی نموده است. ۳ خدای ما می‌آید و سکوت نخواهد نمود. آتش پیش روی او می‌بلعد. و طوفان شدید گرداگرد وی خواهد بود. ۴ آسمان را از بالا می‌خواند و زمین را، تا قوم خود را داوری کند: ۵ «مقدسان مرا نزد من جمع کنید، که عهد را با من به قربانی بسته‌اند.» ۶ و آسمانها از انصاف او خبر خواهند داد. زیرا خدا خود داور است، سلاه.

۷ «ای قوم من بشنوتا سخن گویم. وای اسرائیل تا برایت شهادت دهم که خدا، خدای تو من هستم. ۸ درباره قربانی هایت تو را توبیخ نمی‌کنم و قربانی های سوختنی تو دائم در نظر من است. ۹ گوساله‌ای از خانه تو نمی‌گیرم و نه بزى از آغل تو. ۱۰ زیرا که جمیع حیوانات جنگل از آن منند و بهایمی که بر هزاران کوه می‌باشند. ۱۱ همه پرندگان کوهها را می‌شناسم و وحوش صحرا نزد من حاضرند. ۱۲ اگر گرسنه می‌بودم تو را خبر نمی‌دادم. زیرا ربع مسکون و پری آن از آن من است. ۱۳ آیا گوشت گاو را بخورم و خون بزها را بنوشم؟ ۱۴ برای خدا قربانی تشکر را بگذران، و نذرهای خویش را به حضرت اعلی و فائما. ۱۵ پس در روز تنگی مرا بخوان تا تو را خلاصی دهم و مرا تجید بنمایی.»

۱۶ و اما به شریر خدا می گوید: «ترا چه کار است که فرایض مرا بیان کنی و عهد مرا به زبان خود بیاوری؟»^{۱۷} چونکه تواز تادیب نفرت داشته‌ای و کلام مرا پشت سر خود انداخته‌ای. ^{۱۸} چون دزد را دیدی او را پسند کردی و نصیب تو با زناکاران است. ^{۱۹} دهان خود را به شرارت گشوده‌ای و زبانت حیل را اختراع می کند. ^{۲۰} نشسته‌ای تا به ضد برادر خود سخن رانی و دربارہ پسر مادر خویش غیبت گویی. ^{۲۱} این را کردی و من سکوت نمودم. پس گمان بردی که من مثل تو هستم. لیکن تو را تویخ خواهم کرد. و این را پیش نظر تو به ترتیب خواهم نهاد. ^{۲۲} ای فراموش کنندگان خدا، در این تفکر کنید! مباداشما را بدرم و رهاننده‌ای نباشد. ^{۲۳} هر که قربانی تشکر را گذراند مرا تجید می کند. و آنکه طریق خود را راست سازد، نجات خدا را به وی نشان خواهم داد.»

۵۱

طلب بخشش

برای سالار مغنیان. مزموور داود وقتی که ناتان نبی بعد از درآمدنش به بتشع نزد او آمد

۱ ای خدا به حسب رحمت خود بر من رحم فرما. به حسب کثرت رفت خویش گاهانم را محو ساز. ^۲ مرا از عصیانم به کلی شست و شوده و از گاهم مرا طاهر کن. ^۳ زیرا که من به معصیت خود اعتراف می کنم و گاهم همیشه در نظر من است. ^۴ به تو و به تو تنها گاه ورزیده، و در نظر تو این بدی را کرده‌ام. تا در کلام خود مصدق گردی و در داوری خویش مزکی شوی.

۵ اینک در معصیت سرشته شدم و مادرم درگاه به من آبتن گردید. ^۶ اینک برستی در قلب راغب هستی. پس حکمت را در باطن من به من پیاموز. ^۷ مرا با زوفا پاک کن تا طاهر شوم. مرا شست و شو کن تا از

برف سفیدتر گردم. ۸ شادی و خرمی را به من بشنوان تا استخوانهایی که کوبیده‌ای به وجد آید. ۹ روی خود را از نگاهانم بیوشان و همه خطیای مرا محو کن. ۱۰ ای خدادل طاهر در من بیافرین و روح مستقیم در باطنم تازه بساز. ۱۱ مرا از حضور خود مینداز، و روح قدوس خود را از من مگیر. ۱۲ شادی نجات خود را به من بازده و به روح آزاد مرا تایید فرما. ۱۳ آنگاه طریق تو را به خطا کاران تعلیم خواهم داد، و نگاه کاران بسوی تو بازگشت خواهند نمود. ۱۴ مرا از خونها نجات ده! ای خدایی که خدای نجات من هستی! تا زبانم به عدالت تو ترنم نماید. ۱۵ خداوندانم را بگشا تا زبانم تسبیح تو را اخبار نماید. ۱۶ زیرا قربانی را دوست نداشتی والا می‌دادم. قربانی سوختنی را پسند نکردی. ۱۷ قربانی‌های خدا روح شکسته است. خدایا دل شکسته و کوبیده را خوار نخواهی شمرد. ۱۸ به رضامندی خود بر صهیون احسان فرما و حصارهای اورشلیم را بنا نما. ۱۹ آنگاه از قربانی‌های عدالت و قربانی‌های سوختنی تمام راضی خواهی شد و گوساله‌ها بر مذبح تو خواهند گذرانید.

۵۲

هلاکت شریر

برای سالار مغنیان. قصیده داود وقتی که دوآغ ادومی آمد و شاول را خبر داده، گفت که داود به خانه اخیملک رفت

۱ ای جبار چرا از بدی نفر می‌کنی؟ رحمت خدا همیشه باقی است.

۲ زبان تو شرارت را اختراع می‌کند، مثل استره تیز، ای حیل ساز! ۳ بدی را از نیکویی بیشتر دوست می‌داری و دروغ را زیادتر از راست گویی، سلاه.

۴ همه سخنان مهلک را دوست می‌داری، ای زبان حیل ساز! ۵ خدا نیز تو را تا به ابد هلاک خواهد کرد و تو را ربوده، از مسکن تو خواهد کند و ریشه تو را از زمین زندگان، سلاه. ۶ عادلان این را دیده، خواهند ترسید و

بر او خواهند خندید. ^۷ هان این کسی است که خدا را قلعه خویش نمود بلکه به کثرت دولت خود توکل کرد و از بدی خویش خود را زورآور ساخت. ^۸ و اما من مثل زیتون سبز در خانه خدا هستم. به رحمت خدا توکل می‌دارم تا ابدالاباد.

^۹ تو را همیشه حمد خواهم گفت، زیرا تو این را کرده‌ای. و انتظار نام تو را خواهم کشید زیرا نزد مقدسان تو نیکوست.

۵۳

همه مرتد شده اند

برای سالار مغنیان بر ذوات اوتار. قصیده داود
^۱ احمق در دل خود می‌گوید که خدایی نیست. فاسد شده، شرارت مکروه کرده‌اند. و نیکوکاری نیست.
^۲ خدا از آسمان بر بنی آدم نظر انداخت تا ببیند که فهم و طالب خدایی هست. ^۳ همه ایشان مرتد شده، با هم فاسد گردیده‌اند. نیکوکاری نیست یکی هم نی. ^۴ آیا نگاه‌کاران بی‌معرفت هستند که قوم مرا می‌خورند چنانکه نان می‌خورند و خدا را نمی‌خوانند؟ ^۵ آنگاه سخت ترسان شدند، جایی که هیچ ترس نبود. زیرا خدا استخوانهای محاصره کننده تو را از هم پاشید. آنها را نجل ساخته‌ای زیرا خدا ایشان را رد نموده است.
^۶ کاش که نجات اسرائیل از صهیون ظاهر می‌شد. وقتی که خدا اسیری قوم خویش را برگرداند، یعقوب وجد خواهد نمود و اسرائیل شادی خواهد کرد.

۵۴

دعا برای محافظت

برای سالار مغنیان. قصیده داود بر ذوات اوتار وقتی که زیفیان نزد شاول آمده، گفتند آیا داود نزد ما خود را پنهان نمی‌کند

۱ ای خدا به نام خود مرا نجات بده و به قوت خویش بر من داوری نما.
 ۲ ای خدا دعای مرا بشنو و سخنان زبانم را گوش بگیر. ۳ زیرا بیگانگان
 به ضد من برخاسته‌اند و ظالمان قصد جان من دارند. و خدا را در مد
 نظر خود نگذاشته‌اند، سلاه. ۴ اینک خدا مددکار من است. خداوند از
 تایید کنندگان جان من است. ۵ بدی را بر دشمنان من خواهد برگردانید. به
 راستی خودریشه ایشان را بکن. ۶ قربانی‌های تبرعی نزد تو خواهم گذرانید
 و نام تو را ای خداوند حمدخواهم گفت زیرا نیکوست. ۷ چونکه از جمیع
 تنگیها مرا خلاصی داده‌ای، و چشم من بر دشمنانم نگریسته است.

۵۵

نالہ از ظلم دوست

برای سالار مغنیان. قصیده داود بر ذوات اوتار
 ۱ ای خدا به دعای من گوش بگیر! و خود را از تضرع من پنهان مکن!
 ۲ به من گوش فراگیر و مرا مستجاب فرما! زیرا که در تفکر خود متحیرم
 و ناله می‌کنم. ۳ از آواز دشمن و به سبب ظلم شریر، زیرا که ظلم بر من
 می‌اندازند و با خشم بر من جفا می‌کنند. ۴ دل من در اندرونم پیچ و تاب
 می‌کند، و ترسهای موت بر من افتاده است. ۵ ترس و لرزه من درآمده
 است. وحشتی هولناک مرا در گرفته است. ۶ و گفتم کاش که مرابالها
 مثل کبوتر می‌بود تا پرواز کرده، استراحت می‌یافتم. ۷ هرآینه بجای دور
 می‌پریدم، و در صحرا ماوا می‌گزیدم، سلاه. ۸ می‌شتافتم بسوی پناهگاهی، از
 باد تند و از طوفان شدید.

۹ ای خداوند آنها را هلاک کن و زبانهایشان را تفریق نما زیرا که در
 شهر ظلم و جنگ دیده‌ام. ۱۰ روز و شب بر حصارهایش گردش می‌کنند
 و شرارت و مشقت در میانش می‌باشد. ۱۱ فسادها در میان وی است و
 جور و حيله از کوچه‌هایش دور نمی‌شود. ۱۲ زیرا دشمن نبود که مرا

ملامت می کرد والا تحمل می کردم؛ و خصم من نبود که بر من سربلندی می نمود؛ والا خود را از وی پنهان می ساختم. ۱۳ بلکه تو بودی ای مرد نظیر من! ای یار خالص و دوست صدیق من! ۱۴ که با یکدیگر مشورت شیرین می کردیم و به خانه خدا در انبوه می خرامیدیم. ۱۵ موت بر ایشان ناگهان آید وزنده بگور فرو روند. زیرا شرارت در مسکن های ایشان و در میان ایشان است.

۱۶ و اما من نزد خدا فریاد می کنم و خداوند مرا نجات خواهد داد. ۱۷ شامگاهان و صبح و ظهر شکایت و ناله می کنم و او آواز مرا خواهد شنید. ۱۸ جانم را از جنگی که بر من شده بود، بسلامتی فدیة داده است. زیرا بسیاری با من مقاومت می کردند. ۱۹ خدا خواهد شنید و ایشان را جواب خواهد داد، او که از ازل نشسته است، سلاه. زیرا که در ایشان تبدیلهای نیست و از خدائی ترسند. ۲۰ دست خود را بر صلح اندیشان خویش دراز کرده، و عهد خویش را شکسته است. ۲۱ سخنان چرب زبانش نرم، لیکن دلش جنگ است. سخنانش چرب تر از روغن لیکن شمشیرهای برهنه است. ۲۲ نصیب خود را به خداوند بسپار و تو را رزق خواهد داد. او تا به ابد نخواهد گذاشت که مرد عادل جنبش خورد. ۲۳ و توای خدا ایشان را به چاه هلاکت فرو خواهی آورد. مردمان خون ریز و حیله ساز، روزهای خود را نیمه نخواهند کرد، لیکن من بر تو توکل خواهم داشت.

۵۶

توکل بر خدا

برای سالار مغنیان بر فاخته ساکت در بلاد بعیده. مکتوم داود وقتی که فلسطینیان او را در جت گرفتند

۱ ای خدا بر من رحم فرما، زیرا که انسان مرا به شدت تعاقب می کند. تمامی روز جنگ کرده، مرا اذیت می نماید. ۲ خصمانم تمامی روز مرا به

شدت تعاقب می کنند. زیرا که بسیاری با تکبر با من می جنگند. ^۳ هنگامی که ترسان شوم، من بر تو توکل خواهم داشت.

^۴ در خدا کلام او را خواهم ستود. بر خدا توکل کرده، نخواهم ترسید. انسان به من چه می تواند کرد؟ ^۵ هر روزه سخنان مرا منحرف می سازند. همه فکرای ایشان درباره من برشمارت است. ^۶ ایشان جمع شده، کمین می سازند. بر قدمهای من چشم دارند زیرا قصد جان من دارند. ^۷ آیا ایشان به سبب شرارت خود نجات خواهند یافت؟ ای خدا امت ها را در غضب خویش بینداز. ^۸ تو آوارگیهای مرا تفریر کرده ای. اشکهایم را در مشک خود بگذار. آیا این در دقت تو نیست؟ ^۹ آنگاه در روزی که تو را بخوانم دشمنانم رو خواهند گردانید. این را می دانم زیرا خدا با من است.

^{۱۰} در خدا کلام او را خواهم ستود. در خداوند کلام او را خواهم ستود. ^{۱۱} بر خدا توکل دارم پس نخواهم ترسید. آدمیان به من چه می توانند کرد؟ ^{۱۲} ای خدا نذرهای تو بر من است. قربانی های حمد را نزد تو خواهم گذرانید. ^{۱۳} زیرا که جانم را از موت رهانیده ای. آیا پایهایم را نیز از لغزیدن نگاه نخواهی داشت تا در نورزندگان به حضور خدا سالک باشم؟

۵۷

پناه زیر سایه بالهای تو

برای سالار مغنیان برلاتهلیک. مکتوم داود وقتی که از حضور شاول به مغاره فرار کرد

^۱ ای خدا بر من رحم فرما، بر من رحم فرما! زیرا جانم در تو پناه می برد، و در سایه بالهای تو پناه می برم تا این بلایا بگذرد. ^۲ نزدخدای تعالی آواز خواهم داد، نزد خدایی که همه چیز را برایم تمام می کند. ^۳ از آسمان فرستاده، مرا خواهد رهانید. زیرا تعاقب کننده سخت من ملامت می کند، سلاه. خدا رحمت و راستی خود را خواهد فرستاد. ^۴ جان من در میان

شیران است. در میان آتش افروزان می‌خواهم یعنی آدمیانی که دندانهایشان نیزه‌ها و تیرهاست. و زبان ایشان شمشیر برنده است. ۵ ای خدا بر آسمانها متعال شو و جلال تو بر تمامی جهان. ۶ دای برای پایهایم مهیا ساختند و جانم خم گردید. چاهی پیش رویم کنند، و خود در میانش افتادند، سلاه.

۷ دل من مستحکم است خدایا دل من مستحکم است. سرود خواهم خواند و ترنم خواهم نمود. ۸ ای جلال من بیدار شو! ای بربط و عود بیدار شو! صبحگاهان من بیدار خواهم شد. ۹ ای خداوند تو را در میان امت‌ها حمد خواهم گفت. تو را در میان قوم‌ها تسبیح خواهم خواند. ۱۰ زیرا رحمت تو تا آسمانها عظیم است و راستی تو تا افلاک. ۱۱ خدایا بر آسمانها متعال شو. و جلال تو بر تمامی جهان.

۵۸

مجازات شیران

برای سالار مغنیان برلاته‌لک. مکتوم داود

۱ آیا فی الحقیقت به عدالتی که گنگ است سخن می‌گویید؟ وای بنی آدم آیابه راستی داوری می‌نمایید؟ ۲ بلکه در دل خود شرارتها به عمل می‌آورید و ظلم دستهای خود را در زمین از میزان درمی‌کنید. ۳ شیران از رحم منحرف هستند. از شکم مادر دروغ گفته، گمراه می‌شوند. ۴ ایشان را زهری است مثل زهر مار. مثل افعی کر که گوش خود را می‌بندد. ۵ که آواز افسونگران را نمی‌شنود، هرچند به مهارت افسون می‌کند. ۶ ای خدا دندانهایشان را دردهانشان بشکن. ای خداوند دندانهای شیران را خرد بشکن. ۷ گداخته شده، مثل آب بگذرند. چون او تیرهای خود را می‌اندازد، در ساعت منقطع خواهند شد. ۸ مثل حلزون که گداخته شده، می‌گذرد. مثل سقط زن، آفتاب را نخواهند دید. ۹ قبل از آنکه دیگهای شما آتش خارها را احساس کند. آنها را چه تر و چه خشک خواهدرفت.

۱۰ مرد عادل چون انتقام را دید شادی خواهد نمود. پایهای خود را به خون شیر خواهد شست. ۱۱ و مردم خواهند گفت: «هرآینه ثمره‌ای برای عادلان هست. هرآینه خدایی هست که در جهان داوری می‌کند.»

۵۹

دعا برای رهایی

برای سالار مغنیان بر لاتهلک. مکتوم داود وقتی که شاول فرستاد که خانه را کشیک بکشند

۱ تا او را بکشند ای خدایم مرا از دشمنانم برهان! مرا از مقاومت کنندگانم برافراز! ۲ مرا از نگاه‌کاران خلاصی ده! و از مردمان خون ریزرهایی بخش! ۳ زیرا اینک برای جانم کمین می‌سازند و زورآوران به ضد من جمع شده‌اند، بدون تقصیر من ای خداوند و بدون نگاه من. ۴ بی‌قصور من می‌شتابند و خود را آماده می‌کنند. پس برای ملاقات من بیدار شو و بین. ۵ اما تو ای یهوه، خدای صباوت، خدای اسرائیل! بیدار شده، همه امت‌ها را مکافات برسان و بر غداران بدکار شفقت مفرما، سلاه. ۶ شامگاهان برمی‌گردند و مثل سگ بانگ می‌کنند و در شهر دور می‌زنند. ۷ از دهان خود بدی را فرومی‌ریزند. در لبهای ایشان شمشیرهاست. زیرا می‌گویند: «کیست که بشنود؟»

۸ و اما تو ای خداوند، بر ایشان خواهی خندید و تمامی امت‌ها را استهزا خواهی نمود. ۹ ای قوت من بسوی تو انتظار خواهم کشید زیرا خدا قلعه بلند من است. ۱۰ خدای رحمت من پیش روی من خواهد رفت. خدا مرا بردشمنانم نگران خواهد ساخت. ۱۱ ایشان را به قتل مرسان.

۱۲ به سبب نگاه زبان و سخنان لبهای خود، در تکبر خویش گرفتار شوند. و به عوض لعنت و دروغی که می‌گویند، ۱۳ ایشان را فانی کن در غضب فانی کن تا نیست گردند و بدانند که خدادریعوب تا اقصای زمین سلطنت می‌کند. سلاه. ۱۴ و شامگاهان برگردیده، مثل سگ بانگ زنند و در شهر گردش کنند. ۱۵ و برای خوراک پراکنده شوند و سیر نشده، شب را بسر

برند. ۱۶ و اما من قوت تو را خواهم سراپید و بامدادان از رحمت تو ترنم خواهم نمود. زیرا قلعه بلند من هستی و در روز تنگی ملجای منی. ۱۷ ای قوت من برای تو سرود می خوانم، زیرا خدا قلعه بلند من است و خدای رحمت من.

۶۰

درخواست اعانت

برای سالار مغنیان بر سوسن شهادت. مکتوم داود برای تعلیم وقتی که با ارم نهرین و ارم صوبه از در مقاتله بیرون آمد و یوآب برگشته، دوازده هزار نفر از ادومیان را در وادی الملق کشت

۱ ای خدا ما را دور انداخته، پراکنده ساخته‌ای! خشمناک بودی، بسوی مارجوع فرما! ۲ زمین را متزلزل ساخته، آن را شکافته‌ای! شکستگی‌هایش را شفا ده زیرا به جنبش آمده است. ۳ چیزهای مشکل را به قوم خود نشان داده‌ای. باده سرگردانی به مانوشانیده‌ای. ۴ علمی به ترسندگان خود داده‌ای تا آن را برای راستی برافرازد، سلاه. ۵ تا حیbian تونجات یابند. به دست راست خود نجات ده و مرا مستجاب فرما.

۶ خدا در قدوسیت خود سخن گفته است. پس وجد خواهم نمود. شکیم را تقسیم می کنم و وادی سکوت را خواهم پیمود. ۷ جلعاد از آن من است، منسی از آن من. افرایم خود سر من است و یهودا عصای سلطنت من. ۸ موآب ظرف طهارت من است و برادوم کفش خود را خواهم انداخت. ای فلسطین برای من بانگ برآور! ۹ کیست که مرا به شهر حصین درآورد؟ و کیست که مرا به ادوم رهبری کند؟ ۱۰ مگر نه تو ای خدا که ما را دور انداخته‌ای و بالشکرهای مای خدا بیرون نمی آیی؟ ۱۱ مرا از دشمن اعانت فرما زیرا معاونت انسان باطل است. ۱۲ با خدا ظرف خواهیم یافت. زیرا اوست که دشمنان ما را پایمال خواهد کرد.

۶۱

فریاد مرا بشنو

برای سالار مغنیان برذوات اوتار. مز مور داود
 ۱ ای خدا فریاد مرا بشنو! و دعای مرا اجابت فرما! ۲ از اقصای جهان
 تو را خواهم خواند، هنگامی که دلم بیپوش می‌شود، مرا به صخره‌ای که از
 من بلندتر است هدایت نما. ۳ زیرا که تو ملجای من بوده‌ای و برج قوی
 از روی دشمن. ۴ در خیمه تو ساکن خواهم بود تا ابد الابد. زیر سایه بالهای
 تو پناه خواهم برد، سلاه. ۵ زیرا تو ای خدا نذرهای مرا شنیده‌ای و میراث
 ترسندگان نام خود را به من عطا کرده‌ای. ۶ بر عمر پادشاه روزها خواهی
 افزود و سالهای او تا نسل‌ها باقی خواهد ماند. ۷ به حضور خدا خواهد نشست
 تا ابد الابد. رحمت و راستی را مهیا کن تا او را محافظت کنند. ۸ پس نام
 تو را تا به ابد خواهم سرایید تا هر روز نذرهای خود را وفا کنم.

۶۲

نجات از جانب خدا

برای یدوتون سالار مغنیان. مز مور داود
 ۱ جان من فقط برای خدا خاموش می‌شود زیرا که نجات من از جانب
 اوست. ۲ او تنها صخره و نجات من است و قلعه بلند من. پس بسیار جنبش
 نخواهم خورد. ۳ تا به کی بر مردی هجوم می‌آورید تا همگی شما او را هلاک
 کنید مثل دیوار خم شده و حصار جنبش خورده؟ ۴ در این فقط مشورت
 می‌کنند که او را از مرتبه‌اش بیندازند. و دروغ را دوست می‌دارند. به
 زبان خود برکت می‌دهند و درد دل خود لعنت می‌کنند، سلاه.
 ۵ ای جان من فقط برای خدا خاموش شو زیرا که امید من از وی
 است. ۶ او تنها صخره و نجات من است و قلعه بلند من تا جنبش نخورم.
 ۷ برخداست نجات و جلال من. صخره قوت من و پناه من در خداست.
 ۸ ای قوم همه وقت بر او توکل کنید و دل‌های خود را به حضور وی بریزید.
 زیرا خدا ملجای ماست، سلاه. ۹ البته بنی آدم بطالت‌اند و بنی بشر دروغ.

در ترازو بالا می‌روند زیرا جمیع از بطلالت سبکت‌ترند. ۱۰ بر ظلم توکل مکنید و بر غارت مغرور مشوید. چون دولت افزوده شود دل در آن مبنیدید. ۱۱ خدایک بارگفته است و دوبار این را شنیده‌ام که قوت از آن خداست. ۱۲ ای خداوند رحمت نیز از آن تو است، زیرا به هر کس موافق عملش جزا خواهی داد.

۶۳

جان من تشنه توست

مزمور داود هنگامی که در صحرای یهودا بود

۱ ای خدا، تو خدای من هستی. در سحر تو را خواهم طلبید. جان من تشنه توست و جسمم مشتاق تو در زمین خشک تشنه بی‌آب. ۲ چنانکه در قدس بر تو نظر کردم تا قوت و جلال تو را مشاهده کنم. ۳ چونکه رحمت تو از حیات نیکوتر است. پس لبهای من ترا تسبیح خواهد خواند. ۴ از این رو تا زنده هستم تو را متبارک خواهم خواند. و دستهای خود را به نام تو خواهم برافراشت. ۵ جان من سیر خواهد شد چنانکه از مغز و پیه. و زبان من به لبهای شادمانی تو را حمد خواهد گفت، ۶ چون تو را بر بستر خود یاد می‌آورم و در پاسهای شب در تو تفکرمی کنم. ۷ زیرا تو مددکار من بوده‌ای و زیر سایه بالهای تو شادی خواهم کرد. ۸ جان من به تو چسبیده است و دست راست تو مرا تایید کرده است. ۹ و اما آنانی که قصد جان من دارند هلاک خواهند شد و در اسفل زمین فرو خواهند رفت. ۱۰ ایشان به دم شمشیر سپرده می‌شوند و نصیب شغالها خواهند شد. ۱۱ اما پادشاه در خدا شادی خواهد کرد و هر که بدو قسم خورد نخر خواهد نمود. زیرا دهان دروغ‌گویان بسته خواهد گردید.

۶۴

حیاتم را از خوف دشمن نگاه دار

برای سالار مغنیان. مزمور داود

۱ ای خدا وقتی که تضرع می‌نمایم، آواز مرا بشنو و حیاتم را از خوف دشمن نگاه دار! ۲ مرا از مشاورت شیران پنهان کن و از هنگامه گاهکاران، ۳ که زبان خود را مثل شمشیر تیز کرده‌اند و تیرهای خود یعنی سخنان تلخ را برزه آراسته‌اند. ۴ تا در کمینهای خود بر مرد کامل بیندازند. ناگهان بر او می‌اندازند و نمی‌ترسند. ۵ خویشتن را برای کار زشت تقویت می‌دهند. درباره پنهان کردن دامها گفتگو می‌کنند. می‌گویند: «کیست که ما را ببیند؟» ۶ کارهای بد را تدبیر می‌کنند و می‌گویند: «تدبیر نیکو کرده‌ایم.» و اندرون و قلب هر یک از ایشان عمیق است.

۷ اما خدا تیرها بر ایشان خواهد انداخت. و ناگهان جراحات های ایشان خواهد شد. ۸ و زبانهای خود را بر خود فرود خواهند آورد و هر که ایشان را ببیند فرار خواهد کرد. ۹ و جمیع آدمیان خواهند ترسید و کار خدا را اعلام خواهند کرد و عمل او را درک خواهند نمود. ۱۰ و مرد صالح در خداوند شادی می‌کند و بر او توکل می‌دارد و جمیع راست دلان، نخر خواهند نمود.

۶۵

سرود تسبیح

برای سالار مغنیان. مزمور و سرود داود

۱ ای خدا، تسبیح در صهیون منتظر تو هست. و نذرها برای تو وفا خواهد شد. ۲ ای که دعا می‌شنوی! نزد تو تمامی بشر خواهند آمد. ۳ گاهان بر من غالب آمده است. تو تقصیرهای مرا کفاره خواهی کرد. ۴ خوشحال کسی که او را برگزیده، و مقرب خود ساخته‌ای تا به درگاههای تو ساکن شود. از نیکویی خانه توسیر خواهیم شد و از قدوسیت هیکل تو.

۵ به چیزهای ترسناک در عدل، ما را جواب خواهی داد، ای خدایی که نجات ما هستی. ای که پناه تمامی اقصای جهان و ساکنان بعیده دریاهستی. ۶ و کوهها را به قوت خود مستحکم ساخته‌ای، و کمر خود را به قدرت بسته‌ای. ۷ و تلاطم دریا را ساکن می‌گردانی، تلاطم امواج آن و شورش امت‌ها را. ۸ ساکنان اقصای جهان از آیات تو ترسانند. مطلع های صبح و شام راشادمان می‌سازی. ۹ از زمین تفقد نموده، آن را سیراب می‌کنی و آن را بسیار توانگر می‌گردانی. نهر خدا از آب پراست. غله ایشان را آماده می‌کنی زیرا که بدین طور تهیه کرده‌ای. ۱۰ پشته هایش را سیراب می‌کنی و مرزه‌هایش را پست می‌سازی. به بارشها آن را شاداب می‌نمایی. نباتاتش را برکت می‌دهی. ۱۱ به احسان خویش سال را تاجدار می‌سازی و راههای توچربی را می‌چکاند. ۱۲ مرتع های صحرا نیز می‌چکاند. و کمر تلها به شادمانی بسته شده است. ۱۳ چمنها به گوسفندان آراسته شده است و دره هابه غله پیراسته؛ از شادی بانگ می‌زنند و نیز می‌سرایند.

۶۶

بانگ شادمانی برای خدا

برای سالار مغنیان. سرود و مزموور

۱ ای تمامی زمین، برای خدا بانگ شادمانی بزنید! ۲ جلال نام او را بسرایید! و در تسبیح او جلال او را توصیف نمایید! ۳ خدا را گوید: «چه مهیب است کارهای تو! از شدت قوت تو دشمنانت نزد تو تذلل خواهند کرد! ۴ تمامی زمین تو را پرستش خواهند کرد و تو را خواهند سراپید و به نام تو ترنم خواهند نمود.» سلاه.

۵ بیایید کارهای خدا را مشاهده کنید. او در کارهای خود به بنی آدم مهیب است. ۶ دریا را به خشکی مبدل ساخت و مردم از نهر با پا عبور کردند. در آنجا بدو شادی نمودیم. ۷ در توانایی خود تا به ابد سلطنت می‌کند و چشمانش مراقب امت‌ها است. فتنه انگیزان خویشتن را برنیزرانند، سلاه.

۸ ای قوم‌ها، خدای ما را متبارک خوانید و آواز تسبیح او را بشنوانید. ۹ که جانهای ما را در حیات قرار می‌دهد و نمی‌گذارد که پایهای مالغزش خورد. ۱۰ زیرا ای خدا تو ما را امتحان کرده‌ای و ما را غال گذاشته‌ای چنانکه نقره راغال می‌گذارند. ۱۱ ما را به دام درآوردی و باری گران بر پشتهای ما نهادی. ۱۲ مردمان را بر سرما سوار گردانیدی و به آتش و آب درآمدیم. پس ما را به جای خرم بیرون آوردی. ۱۳ قربانی‌های سوختنی به خانه تو خواهم آورد. نذرهای خود را به تو وفا خواهم نمود، ۱۴ که لهای خود را بر آنها گشودم و در زمان تنگی خود آنها را به زبان خود آوردم. ۱۵ قربانی‌های سوختنی پرواری را نزد تو خواهم گذرانید. گوساله‌ها و بزها را با بخور قوچها ذبح خواهم کرد، سلاه.

۱۶ ای همه خدا ترسان بیایید و بشنوید تا از آنچه او برای جان من کرده است خبر دهم. ۱۷ به دهانم نزد او آواز خود را بلند کردم و تسبیح بلند بر زبان من بود. ۱۸ اگر بدی را در دل خود منظور می‌داشتم، خداوند مرا نمی‌شنید. ۱۹ لیکن خدا مرا شنیده است و به آواز دعای من توجه فرموده. ۲۰ متبارک باد خدا که دعای مرا از خود، و رحمت خویش را از من برنگردانیده است.

۶۷

سرود حمد و شادی

برای سالار مغنیان. مزمور و سرود بر ذوات اوتار
 ۱ خدا بر ما رحم کند و ما را مبارک سازد و نور روی خود را بر ما متجلی فرماید! سلاه. ۲ تا راه تو در جهان معروف گردد و نجات تو به جمیع امت‌ها. ۳ ای خدا قوم‌ها تو را حمد گویند. جمیع قوم‌ها تو را حمد گویند.

۴ امت‌ها شادی و ترنم خواهند نمود زیرا قوم‌ها را به انصاف حکم خواهی نمود و امت‌های جهان را هدایت خواهی کرد، سلاه. ۵ ای خدا قوم‌ها تو را حمد گویند. جمیع قوم‌ها تو را حمد گویند. ۶ آنگاه زمین محصول خود را خواهد داد و خدا خدای ما، ما را مبارک خواهد فرمود. ۷ خدا ما را مبارک خواهد فرمود. و تمامی اقصای جهان از او خواهند ترسید.

۶۸

سرود پیروزی

برای سالار مغنیان. مزمور و سرود داود

۱ خدا برخیزد و دشمنانش پراکنده شوند! و آنانی که از او نفرت دارند از حضورش بگریزند! ۲ چنانکه دود پراکنده می‌شود، ایشان را پراکنده ساز، و چنانکه موم پیش آتش گداخته می‌شود، همچنان شریران به حضور خدا هلاک گردند.

۳ اما صالحان شادی کنند و در حضور خدا به وجد آیند و به شادمانی خرسند شوند. ۴ برای خدا سرود بخوانید و به نام او ترنم نمایید و راهی درست کنید برای او که در صحراها سوار است. نام او بیوه است! به حضورش به وجد آید! ۵ پدر یتیمان و داور بیوه‌زنان، خداست در مسکن قدس خود! ۶ خدا بی‌کسان را ساکن خانه می‌گرداند و اسیران را به رستگاری بیرون می‌آورد، لیکن فتنه‌انگیزان در زمین تفتیده ساکن خواهند شد. ۷ ای خدا هنگامی که پیش روی قوم خود بیرون رفتی، هنگامی که در صحرا خرامیدی، سلاه. ۸ زمین متزلزل شد و آسمان به حضور خدا بارید. این سینا نیز از حضور خدا، خدای اسرائیل. ۹ ای خدا باران نعمت‌ها بارانیدی و میراثت را چون خسته بود مستحکم گردانیدی. ۱۰ جماعت تو در آن ساکن شدند. ای خدا، به جود خویش برای مساکین تدارک دیده‌ای.

۱۱ خداوند سخن را می‌دهد. مبشرات انبوه عظیمی می‌شوند. ۱۲ ملوک لشکرها فرار کرده، مهزوم می‌شوند. و زنی که در خانه مانده است، غارت

را تقسیم می کند. ۱۳ اگرچه در آغله‌ها خوابیده بودید، لیکن مثل بالهای فاخته شده آید که به نقره پوشیده است و پرهایش به طلای سرخ. ۱۴ چون قادر مطلق پادشاهان را در آن پراکنده ساخت، مثل برف بر صلهون درخشان گردید.

۱۵ کوه خدا، کوه باشان است، کوهی با قلّه های افراشته کوه باشان است. ۱۶ ای کوههای باقله های افراشته، چرا نگرانید؟ بر این کوهی که خدا برای مسکن خود برگزیده است هر آینه خداوند در آن تا به ابد ساکن خواهد بود. ۱۷ ارا به های خدا کوررها و هزارهاست. خداوند در میان آنهاست و سینا در قدس است. ۱۸ براعلی علین صعود کرده، و اسپران را به اسیری برده‌ای. از آدمیان بخششها گرفته‌ای. بلکه از فتنه انگیزان نیز تا یهوه خدا در ایشان مسکن گیرد.

۱۹ متبارک باد خداوندی که هر روزه متحمل بارهای ما می شود و خدایی که نجات ماست، سلاه. ۲۰ خدا برای ما، خدای نجات است و مفرهای موت از آن خداوند یهوه است. ۲۱ هر آینه خدا سردشمنان خود را خرد خواهد کوبید و کله مویدار کسی را که در نگاه خود سالک باشد. ۲۲ خداوند گفت: «از باشان باز خواهم آورد. از ژرفهای دریا باز خواهم آورد. ۲۳ تا پای خود را در خون فروبری و زبان سگان تو از دشمنانت بهره خود را بیابد.» ۲۴ ای خدا طریق های تو رادیده‌اند یعنی طریق های خدا و پادشاه مرا در قدس. ۲۵ در پیش رو، مغنیان می خرامند و در عقب، سازندگان. و در وسط دوشیزگان دف زن. ۲۶ خدا را در جماعت ها متبارک خوانید و خداوند را از چشمه اسرائیل. ۲۷ آنجاست بنیامین صغیر، حاکم ایشان و روسای یهودا محفل ایشان. روسای زبولون و روسای نفتالی. ۲۸ خدایت برای تو قوت را امر فرموده است. ای خدا آنچه را که برای ما کرده‌ای، استوار گردان. ۲۹ به سبب هیکل تو که در اورشلیم است، پادشاهان هدایا نزد تو خواهند آورد. ۳۰ و وحش فی زار را تو بیخ فرما و رمه گاوان را با گوساله های قوم که با شمشهای نقره نزد تو

گردن می‌نهند. وقوم هایی که جنگ را دوست می‌دارند پراکنده ساخته است. ۳۱ سروران از مصر خواهند آمد و حبشه دستهای خود را نزد خدا بزودی دراز خواهد کرد.

۳۲ ای ممالک جهان برای خدا سرود بخوانید. برای خداوند سرود بخوانید، سلاه. ۳۳ برای او که بر فلک الافلاک قدیمی سوار است. ۳۴ اینک آواز خود را می‌دهد آوازی که پر قوت است. ۳۵ خدا را به قوت توصیف نمایید. جلال وی بر اسرائیل است و قوت او در افلاک. ۳۶ ای خدا از قدسهای خود مهیب هستی. خدای اسرائیل قوم خود را قوت و عظمت می‌دهد. متبارک باد خدا.

۶۹

فریاد کمک

برای سالار مغنیان بر سوسنهام. مزموور داود

۱ خدایا مرا نجات ده! زیرا آنها به جان من درآمده است. ۲ در خلاب ژرف فرورفته‌ام، جایی که نتوان ایستاد. به آبهای عمیق درآمده‌ام و سیل مرا می‌پوشاند. ۳ از فریاد خود خسته شده‌ام و گلوی من سوخته و چشمانم از انتظار خدا تار گردیده است. ۴ آنانی که بی‌سبب از من نفرت دارند، از مویهای سرم زیاده‌اند و دشمنان ناحق من که قصد هلاکت من دارند زور آورند. پس آنچه نگرفته بودم، رد کردم. ۵ ای خدا، تو حماقت مرا می‌دانی و گناهانم از تو مخفی نیست. ۶ ای خداوند یهوه صباوت، منتظرین تو به سبب من نجل نشوند. ای خدای اسرائیل، طالبان تو به سبب من رسوا نگردند. ۷ زیرا به خاطر تو متحمل عار گردیده‌ام و رسوایی روی من، مرا پوشیده است. ۸ نزد برادرانم اجنبی شده‌ام و نزد پسران مادر خود غریب. ۹ زیرا غیرت خانه تو مرا خورده است و ملامت‌های ملامت‌کنندگان تو بر من طاری گردیده. ۱۰ روزه داشته، جان خود را مثل اشک ریخته‌ام. و این برای من عار گردیده است. ۱۱ پلاس را لباس خود ساخته‌ام و نزد

ایشان ضرب المثل گردیده‌ام. ۱۲ دروازه نشینان درباره من حرف می‌زنند و سرود می‌گساران گشته‌ام. ۱۳ و اما من، ای خداوند دعای خود را در وقت اجابت نزد تو می‌کنم. ای خدا در کثرت رحمانیت خود و راستی نجات خود مرا مستجاب فرما. ۱۴ مرا از خلاب خلاصی ده تا غرق نشوم و از نفرت کنندگانم و از ژرفیهای آب رستگار شوم. ۱۵ مگذار که سیلان آب مرا بپوشاند و ژرفی مرا ببلعد و هاویه دهان خود را بر من ببندد. ۱۶ ای خداوند مرا مستجاب فرما زیرا رحمت تونیکوست. به کثرت رحمانیت بر من توجه نما. ۱۷ و روی خود را از بنده ات مپوشان زیرا در تنگی هستم مرا بزودی مستجاب فرما. ۱۸ به جانم نزدیک شده، آن را رستگار ساز. به سبب دشمنانم مرا فدیة ده.

۱۹ تو عار و نجات و رسوایی مرا می‌دانی و جمیع خصمانم پیش نظر تواند. ۲۰ عار، دل مرا شکسته است و به شدت بیمار شده‌ام. انتظار مشفق کشیدم، ولی نبود و برای تسلی دهندگان، اما نیافتم. ۲۱ مرا برای خوراک زردآب دادند و چون تشنه بودم مرا سرکه نوشانیدند. ۲۲ پس مائده ایشان پیش روی ایشان تله باد و چون مطمئن هستند دامی باشد. ۲۳ چشمان ایشان تارگردد تا نبینند. و کمرهای ایشان را دائم لرزان گردان. ۲۴ خشم خود را بر ایشان بریز و سورت غضب تو ایشان را دریابد. ۲۵ خانه های ایشان مخروبه گردد و در خیمه های ایشان هیچ کس ساکن نشود. ۲۶ زیرا بر کسی که تو زده ای جفای کنند و دردهای کوفتگان تو را اعلان می نمایند. ۲۷ گاه بر گناه ایشان مزید کن و در عدالت تو داخل نشوند. ۲۸ از دفتر حیات محو شوند و با صالحین مرقوم نگردند.

۲۹ و اما من، مسکین و دردمند هستم. پس ای خدا، نجات تو مرا سرفراز سازد. ۳۰ و نام خدا را با سرود تسبیح خواهم خواند و او را با حمد تعظیم خواهم نمود. ۳۱ و این پسندیده خدا خواهد بود، زیاده از گاو و گوساله ای که شاخها و سمها دارد. ۳۲ حلیمان این را دیده، شادمان شوند،

وای طالبان خدا دل شما زنده گردد، ۳۳ زیرا خداوند فقیران را مستجاب می‌کند و اسیران خود را حقیر نمی‌شمارد. ۳۴ آسمان و زمین او را تسبیح بخوانند. آبها نیز و آنچه در آنها می‌جنبند. ۳۵ زیرا خدا صهیون را نجات خواهد داد و شهرهای یهودا را بنا خواهد نمود تا در آنجا سکونت نمایند و آن را متصرف گردند. ۳۶ و ذریت بندگانش وارث آن خواهند شد و آنانی که نام او را دوست دارند، در آن ساکن خواهند گردید.

۷۰

دعای اعانت

برای سالار مغنیان. مزبور داود به جهت یادگاری
 ۱ خدایا، برای نجات من بشتاب! ای خداوند به اعانت من تعجیل فرما!
 ۲ آنانی که قصد جان من دارند، نجل و شرمنده شوند، و آنانی که در بدی من رغبت دارند، رو برگردانیده و رسوا گردند، ۳ و آنانی که هه هه می‌گویند، به سبب نجالت خویش رو برگردانیده شوند.
 ۴ و اما جمیع طالبان تو، در تو وجد و شادی کنند، و دوست دارندگان نجات تو دائم گویند: «خدا متعال باد!» ۵ و اما من مسکین و فقیر هستم. خدایا برای من تعجیل کن. تو مددکار و نجات‌دهنده من هستی. ای خداوند تاخیر منما.

۷۱

دعای مرد پیر

۱ در توای خداوند پناه برده‌ام، پس تا به ابد نجل نخواهم شد. ۲ به عدالت خود مرا خلاصی ده و برهان. گوش خود را به من فراگیر و مرا نجات ده. ۳ برای من صخره سکونت باش تا همه وقت داخل آن شوم. تو به نجات من امر فرموده‌ای، زیرا صخره و قلعه من تو هستی. ۴ خدایا مرا از دست شریر برهان و از کف بدکار و ظالم.

۵ زیرا ای خداوند یهوه، تو امید من هستی و از طفولیتم اعتماد من بوده‌ای. ۶ از شکم بر توانداخته شده‌ام. از رحم مادرم ملجای من تو بوده‌ای و تسبیح من دائم درباره تو خواهد بود. ۷ بسیاری را آیتی عجیب شده‌ام. لیکن تو ملجای زورآور من هستی. ۸ دهانم از تسبیح تو پر است و از کبریایی تو تمامی روز.

۹ در زمان پیری مرا دور مینداز چون قوتم زایل شود مرا ترک منما. ۱۰ زیرا دشمنانم بر من حرف می‌زنند و مترصدان جانم با یکدیگر مشورت می‌کنند ۱۱ و می‌گویند: «خدا او را ترک کرده است. پس او را تعاقب کرده، بگیرید، زیرا که رهاننده‌ای نیست.»

۱۲ ای خدا از من دور مشو. خدایا به اعانت من تعجیل نما. ۱۳ خصمان جانم نخجل و فانی شوند.

۱۴ و اما من دائم امیدوار خواهم بود و بر همه تسبیح تو خواهم افزود. ۱۵ زبانم عدالت تو را بیان خواهد کرد و نجات را تمامی روز. زیرا که حد شماره آن را نمی‌دانم. ۱۶ در توانایی خداوند یهوه خواهم آمد. و از عدالت تو و بس خبر خواهم داد. ۱۷ ای خدا از طفولیتم مرا تعلیم داده‌ای و تا الان، عجایب تو را اعلان کرده‌ام. ۱۸ پس ای خدا، مرا تا زمان پیری و سفید مویی نیز ترک مکن، تا این طبقه را از بازوی تو خبر دهم و جمیع آیندگان را از توانایی تو. ۱۹ خدایا عدالت تو تا اعلی‌علین است. تو کارهای عظیم کرده‌ای. خدایا مانند تو کیست؟ ۲۰ ای که تنگیهای بسیار و سخت را به ما نشان داده‌ای، رجوع کرده، باز ما را زنده خواهی ساخت؛ و برگشته، ما را از عمق‌های زمین بر خواهی آورد. ۲۱ بزرگی مرا مزید خواهی کرد و برگشته، مرا تسلی خواهی بخشید. ۲۲ پس من نیز تو را با بربط خواهم ستود، یعنی راستی تو را ای خدای من. و تو را ای قدوس اسرائیل با عود ترنم خواهم نمود. ۲۳ چون برای تو سرود می‌خوانم لبهایم بسیار شادی خواهد کرد و جانم نیز که آن را فدیه داده‌ای. ۲۴ زبانم نیز تمامی روز عدالت تو را

ذکر خواهد کرد. زیرا آنانی که برای ضرر من می کوشیدند نجل و رسوا گردیدند.

۷۲

دعا برای پادشاه

مز مور سلیمان

۱ ای خدا انصاف خود را به پادشاه ده و عدالت خویش را به پسر پادشاه!
 ۲ و او قوم تو را به عدالت داوری خواهد نمود و مساکین تو را به انصاف.
 ۳ آنگاه کوهها برای قوم سلامتی را بار خواهند آورد و تلها نیز در عدالت.
 ۴ مساکین قوم را دادرسی خواهد کرد؛ و فرزندان فقیر را نجات خواهد داد؛ و ظالمان را زبون خواهد ساخت. ۵ از تو خواهند ترسید، مادامی که آفتاب باقی است و مادامی که ماه هست تا جمیع طبقات. ۶ او مثل باران بر علف زار چیده شده فرود خواهد آمد، و مثل بارشهایی که زمین را سیراب می کند. ۷ در زمان او صالحان خواهند شکفت و وفور سلامتی خواهد بود، مادامی که ماه نیست نگردد.

۸ و او حکمرانی خواهد کرد از دریا تا دریا و از نهر تا اقصای جهان. ۹ به حضور وی صحرائینان گردن خواهند نهاد و دشمنان او خاک را خواهند لیسید. ۱۰ پادشاهان ترشیش و جزایر هدایا خواهند آورد. پادشاهان شبا و سبارمغانها خواهند رسانید. ۱۱ جمیع سلاطین او را تعظیم خواهند کرد و جمیع امتها او را بندگی خواهند نمود. ۱۲ زیرا چون مسکین استغاثه کند، او را رهایی خواهد داد و فقری را که رهاننده ای ندارد. ۱۳ بر مسکین و فقیر کرم خواهد فرمود و جانهای مساکین را نجات خواهد بخشید. ۱۴ جانهای ایشان را از ظلم و ستم فدیة خواهد داد و خون ایشان در نظر وی گران بها خواهد بود.

۱۵ و او زنده خواهد ماند و از طلای شبا بدو خواهد داد. دائم برای وی دعا خواهد کرد و تمامی روز او را مبارک خواهد خواند. ۱۶ و فراوانی

غله در زمین بر قله کوهها خواهد بود که ثمره آن مثل لبنان جنبش خواهد کرد. و اهل شهرها مثل علف زمین نشو و نما خواهند کرد.
 ۱۷ نام او تا ابدالآباد باقی خواهد ماند. اسم او پیش آفتاب دوام خواهد کرد. آدمیان در او برای یکدیگر برکت خواهند خواست و جمیع امت های زمین او را خوشحال خواهند خواند. ۱۸ متبارک باد یهوه خدا که خدای اسرائیل است. که او فقط کارهای عجیب می کند. ۱۹ و متبارک باد نام مجید او تا ابدالآباد. و تمامی زمین از جلال او پر بشود.
 آمین و آمین.
 دعاهای داود بن یسی تمام شد.

۷۳

عدالت خدا

مز مور آساف

۱ هرآینه خدا برای اسرائیل نیکوست، یعنی برای آنانی که پاک دل هستند. ۲ و اما من نزدیک بود که پایهایم از راه در رود و نزدیک بود که قدمهایم بلغزد. ۳ زیرا بر متکبران حسد بردم چون سلامتی شیران را دیدم. ۴ زیرا که در موت ایشان قیدها نیست و قوت ایشان مستحکم است. ۵ مثل مردم در زحمت نیستند و مثل آدمیان مبتلا نمی باشند.
 ۶ بنابراین گردن ایشان به تکبر آراسته است و ظلم مثل لباس ایشان را می پوشاند. ۷ چشمان ایشان از فریبی بدرآمده است و از خیالات دل خود تجاوز می کنند. ۸ استهزا می کنند و حرفهای بد می زنند و سخنان ظلم آمیز را از جای بلندی گویند. ۹ دهان خود را بر آسمانها گذارده اند و زبان ایشان در جهان گردش می کند. ۱۰ پس قوم او بدینجا برمی گردند و آبهای فراوان، بدیشان نوشانیده می شود. ۱۱ و ایشان می گویند: «خدا چگونه بداند و آیا حضرت اعلی علم دارد؟» ۱۲ اینک اینان شیر هستند که همیشه مطمئن بوده، در دولتندی افزوده می شوند. ۱۳ یقین من دل خود را عبث

ظاهر ساخته و دستهای خود رابه پاکی شسته‌ام. ۱۴ و من تمامی روز مبتلای شوم و تادیب من هر بامداد حاضر است. ۱۵ اگر می‌گفتم که چنین سخن گویم، هر آینه بر طبقه فرزندان تو خیانت می‌کردم. ۱۶ چون تفکر کردم که این را بفهمم، در نظر من دشوار آمد. ۱۷ تا به قدسهای خدا داخل شدم. آنگاه در آخرت ایشان تامل کردم. ۱۸ هر آینه ایشان را در جایهای لغزنده گذارده‌ای. ایشان را به خرابیها خواهی انداخت. ۱۹ چگونه بگفته به هلاکت رسیده‌اند! تباه شده، از ترسهای هولناک نیست گردیده‌اند. ۲۰ مثل خواب کسی چون بیدار شد، ای خداوند همچین چون بر خیزی، صورت ایشان را ناچیز خواهی شمرد.

۲۱ لیکن دل من تلخ شده بود و در اندرون خود، دل ریش شده بودم. ۲۲ و من وحشی بودم و معرفت نداشتم و مثل بهایم نزد تو گردیدم. ۲۳ ولی من دائم با تو هستم. تو دست راست مرا تاپید کرده‌ای. ۲۴ موافق رای خود مرا هدایت خواهی نمود و بعد از این مرا به جلال خواهی رسانید. ۲۵ کیست برای من در آسمان؟ و غیر از تو هیچ چیز را در زمین نمی‌خواهم. ۲۶ اگرچه جسد و دل من زائل گردد، لیکن صخره دلم و حصه من خداست تا ابدالاباد. ۲۷ زیرا آنانی که از تو دورند هلاک خواهند شد. و آنانی را که از تو زنا می‌کنند، نابود خواهی ساخت. ۲۸ و اما مرا نیکوست که به خدا تقرب جویم. بر خداوندیوه توکل کرده‌ام تا همه کارهای تو را بیان کنم.

۷۴

دعا برای نجات قوم

قصیده آساف

۱ چرا ای خدا ما را ترک کرده‌ای تا به ابد و خشم تو بر گوسفندان مرتع خود فروخته شده است؟ ۲ جماعت خود را که از قدیم خریدهای، بیاد آور و

آن را که فدیه داده‌ای تا سبط میراث تو شود و این کوه صهیون را که در آن ساکن بوده‌ای. ۳ قدمهای خود را بسوی خرابه های ابدی بردار زیرا دشمن هرچه را که در قدس تو بود خراب کرده است. ۴ دشمنانت در میان جماعت تو غرش می کنند و علمهای خود را برای علامات برپا می نمایند. ۵ و ظاهری شوند چون کسانی که تبرها را بر درختان جنگل بلند می کنند. ۶ و الان همه نقشهای تراشیده آن را به تبرها و چکشها خرد می شکنند. ۷ قدس های تو را آتش زده اند و مسکن نام تو را تا به زمین بی حرمت کرده اند. ۸ و در دل خود می گویند آنها را تمام خراب می کنیم. پس جمیع کنیسه های خدا را در زمین سوزانیده اند. ۹ آیات خود را نمی بینیم و دیگر هیچ نبی نیست. و در میان ما کسی نیست که بداند تا به کی خواهد بود. ۱۰ ای خدا، دشمن تا به کی ملامت خواهد کرد؟ و آیا خصم، تا به ابد نام تو را اهانت خواهد نمود؟ ۱۱ چرا دست خود یعنی دست راست خویش را برگردانیده‌ای؟ آن را از گریبان خود بیرون کشیده، ایشان را فانی کن.

۱۲ و خدا از قدیم پادشاه من است. او در میان زمین نجات‌ها پدید می آورد. ۱۳ تو به قوت خود دریا را منسحق ساختی و سرهای نهنگان را در آبهاشکستی. ۱۴ سرهای لویاتان را کوفته، و او را خوراک صحرائشینان گردانیده‌ای. ۱۵ تو چشمه ها و سیلها را شکافتی و نهرهای دائمی را خشک گردانیدی. ۱۶ روز از آن توست و شب نیز از آن تو. نور و آفتاب را تو برقرار نموده‌ای. ۱۷ تمامی حدود جهان را تو پایدار ساخته‌ای. تابستان و زمستان را تو ایجاد کرده‌ای.

۱۸ ای خداوند این را بیاد آور که دشمن ملامت می کند و مردم جاهل نام تو را اهانت می نمایند. ۱۹ جان فاخته خود را به جانور وحشی مسپار. جماعت مسکینان خود را تا به ابد فراموش مکن. ۲۰ عهد خود را ملاحظه فرما زیرا که ظلمات جهان از مسکن های ظلم پراست. ۲۱ مظلومان به رسوایی برنگردند. مساکین و فقیران نام تو را حمد گویند. ۲۲ ای خدا برخیز و دعوی خود را برپادار؛ و بیاد آور که احمق تمامی روز تو را ملامت می کند.

۲۳ آواز دشمنان خود را فراموش مکن و غوغای مخالفان خود را که پیوسته بلند می‌شود.

۷۵

خدا، داور جهان

برای سالار مغنیان بر لاته‌لک. مزمور و سرود آساف
 ۱ تو را حمد می‌گوییم! ای خدا تو را حمد می‌گوییم! زیرا نام تو نزدیک
 است و مردم کارهای عجیب تو را ذکر می‌کنند. ۲ هنگامی که به زمان
 معین برسم براسستی داوری خواهم کرد. ۳ زمین و جمیع ساکنانش گداخته
 شده‌اند. من ارکان آن را برقرار نموده‌ام، سلاه. ۴ متکبران را گفتم: «فخر
 مکنید!» و به شیریان که «شاخ خود را می‌فرازید. ۵ شاخهای خود را
 به بلندی می‌فرازید. و با گردن کشتی سخنان تکبرآمیز مگویید.» ۶ زیرا نه از
 مشرق و نه از مغرب، و نه از جنوب سرافرازی می‌آید.
 ۷ لیکن خدا، داور است. این را به زیر می‌اندازد و آن را سرافرازی نمی‌داند.
 ۸ زیرا در دست خداوند کاسه‌ای است و باده آن پر جوش. از شراب ممزوج
 پر است که از آن می‌ریزد. و اماددهایش را جمیع شیریان جهان افشوده،
 خواهند نوشید. ۹ و اما من، تا به ابد ذکر خواهم کرد و برای خدای یعقوب
 ترنم خواهم نمود. ۱۰ جمیع شاخهای شیریان را خواهم برید و اما شاخهای
 صالحین برافراشته خواهد شد.

۷۶

مجد خدا

برای سالار مغنیان بر ذوات اوتار. مزمور و سرود آساف
 ۱ خدا در یهودا معروف است و نام او در اسرائیل عظیم! ۲ خیمه او است
 در شالیم و مسکن او در صهیون. ۳ در آنجا، برقه‌های کمان را شکست. سپر
 و شمشیر و جنگ را، سلاه. ۴ تو جلیل هستی و مجید، زیاده از کوه‌های

یغما! ^۵ قوی دلان تاراج شده‌اند و خواب ایشان رادرر بود و همه مردان زورآور دست خود رانیافتند. ^۶ از تویخ توای خدای یعقوب، بر ارا به هاو اسبان خوابی گران مستولی گردید. ^۷ تو مهیب هستی، تو! و در حین غضبت، کیست که به حضور تو ایستد؟ ^۸ از آسمان داوری را شنوایدی. پس جهان بترسید و ساکت گردید. ^۹ چون خدا برای داوری قیام فرماید تا همه مساکین جهان را خلاصی بخشد، سلاه، ^{۱۰} آنگاه خشم انسان تو را حمد خواهد گفت و باقی خشم را بر کمر خودخواهی بست. ^{۱۱} نذر کنید و وفا نمایند برای یهوه خدای خود. همه که گرداگرد او هستند، هدیه بگذارند نزد او که مهیب است. ^{۱۲} روح روسا را منقطع خواهد ساخت و برای پادشاهان جهان مهیب می‌باشد.

۷۷

راحت در روز تنگی

برای سالار مغنیان بریدوتون. مز مور آساف
^۱ آواز من بسوی خداست و فریادمی کنم. آواز من بسوی خداست گوش خود را به من فرا خواهد گرفت. ^۲ در روز تنگی خود خداوند را طلب کردم. در شب، دست من دراز شده، بازکشیده نگشت و جان من تسلی نپذیرفت. ^۳ خدا را یاد می‌کنم و پریشان می‌شوم. تفکر می‌نمایم و روح من متحیر می‌گردد، سلاه. ^۴ چشمانم را بیدار می‌داستی. بی‌تاب می‌شدم و سخن نمی‌توانستم گفت. ^۵ درباره ایام قدیم تفکر کرده‌ام. درباره سالهای زمانهای سلف. ^۶ سرودشبانه خود را بخاطر می‌آورم و در دل خود تفکرمی‌کنم و روح من تفتیش نموده است. ^۷ مگر خدا تا به ابد ترک خواهد کرد و دیگر هرگز راضی نخواهد شد. ^۸ آیا رحمت او تا به ابد زایل شده است؟ و قول او باطل گردیده تا ابد الابد؟ ^۹ آیا خدا را فراموش کرده؟ و رحمت های خود را در غضب مسدود ساخته است؟ سلاه. ^{۱۰} پس گفتم این

ضعف من است. زهی سالهای دست راست حضرت اعلیٰ! ۱۱ کارهای خداوند را ذکرخواهم نمود زیرا کار عجیب تو را که از قدیم است به یاد خواهم آورد. ۱۲ و در جمیع کارهای تو تامل خواهم کرد و در صنعتهای تو تفکرخواهم نمود.

۱۳ ای خدا، طریق تو در قدوسیت است. کیست خدای بزرگ مثل خدا؟ ۱۴ تو خدایی هستی که کارهای عجیب می کنی و قوت خویش را بر قوم‌ها معروف گردانیده‌ای. ۱۵ قوم خود را به بازوی خویش رهانیده‌ای یعنی بنی یعقوب و بنی یوسف را. سلاه. ۱۶ آبها تو را دید، ای خدا آبها تو را دیده، متزلزل شد. لجه‌ها نیز سخت مضطرب گردید. ۱۷ ابرها آب بریخت و افلاک رعد بداد. تیره‌های تو نیز به هر طرف روان گردید. ۱۸ صدای رعد تو در گردباد بود و برقها ربع مسکون را روشن کرد. پس زمین مرتعش و متزلزل گردید. ۱۹ طریق تو در دریاست و راههای تو در آبهای فراوان و آثار تو را نتوان دانست. ۲۰ قوم خود را مثل گوسفندان راهنمایی نمودی، به دست موسی و هارون.

۷۸

قوم خدا

قصیده آساف

۱ ای قوم من شریعت مرا بشنوید! گوشهای خود را به سخنان دهانم فراگیرید! ۲ دهان خود را به مثل باز خواهم کرد به چیزهایی که از بنای عالم مخفی بود تنطق خواهم نمود. ۳ که آنها را شنیده و دانسته‌ایم و پدران ما برای ما بیان کرده‌اند. ۴ از فرزندان ایشان آنها را پنهان نخواهیم کرد. تسبیحات خداوند را برای نسل آینده بیان می کنیم و قوت او و اعمال عجیبی را که او کرده است. ۵ زیرا که شهادتی در یعقوب برپا داشت و شریعتی در اسرائیل قرار داد و پدران ما را امر فرمود که آنها را به فرزندان خود تعلیم

دهند؛^۶ تا نسل آینده آنها را بدانند و فرزندانى که مى‌بایست مولود شوند تا ایشان برخیزند و آنها را به فرزندان خود بیان نمایند؛^۷ و ایشان به خدا توکل نمایند و اعمال خدا را فراموش نکنند بلکه احکام او را نگاه دارند.^۸ و مثل پدران خود نسلى گردن کش و فتنه انگیز نشوند، نسلى که دل خود را راست نساختند و روح ایشان بسوى خدا امین نبود.

^۹ بنی افرايم که مسلح و کمان کش بودند، در روز جنگ رو برتافتند.
^{۱۰} عهد خدا را نگاه نداشتند و از سلوک به شریعت او ابا نمودند،^{۱۱} و اعمال و عجایب او را فراموش کردند که آنها را بدیشان ظاهر کرده بود،^{۱۲} و در نظر پدران ایشان اعمال عجیب کرده بود، در زمین مصر و در دیار صوعن.
^{۱۳} دریا را منشق ساخته، ایشان را عبور داد و آنها را مثل توده برپا نمود.
^{۱۴} و ایشان را در روز به ابراهنمائی کرد و تمامی شب به نور آتش.^{۱۵} در صحرا صخره‌ها را بشکافت و ایشان را گویا از لجه‌های عظیم نوشانید.^{۱۶} پس سیلها را از صخره بیرون آورد و آب را مثل نهرها جاری ساخت.^{۱۷} و بار دیگر بر او نگاه ورزیدند و بر حضرت اعلی در صحرا فتنه انگیختند،^{۱۸} و دردلهای خود خدا را امتحان کردند، چونکه برای شهوات خود غذا خواستند.^{۱۹} و بر ضد خدا تکلم کرده، گفتند: «آیا خدا مى‌تواند در صحرا سفره‌ای حاضر کند؟^{۲۰} اینک صخره را زد و آهاروان شد و وادیا جاری گشت. آیا مى‌تواند نان را نیز بدهد. و گوشت را برای قوم خود حاضر سازد؟»

^{۲۱} پس خدا این را شنیده، غضبناک شد و آتش در یعقوب افروخته گشت و خشم بر اسرائیل مشتعل گردید.^{۲۲} زیرا به خدا ایمان نیاوردند و به نجات او اعتماد نمودند.^{۲۳} پس ابرها را از بالا امر فرمود و درهای آسمان را گشود^{۲۴} و من را برایشان بارانید تا بخورند و غله آسمان را بدیشان بخشید.
^{۲۵} مردمان، نان زورآوران را خوردند و آذوقه‌ای برای ایشان فرستاد تا سیر شوند.^{۲۶} باد شرقی را در آسمان وزانید و به قوت خود، باد جنوبی را آورد،
^{۲۷} و گوشت را برای ایشان مثل غبار بارانید و مرغان بالدار را مثل ریگ

دریا. ۲۸ و آن را در میان اردوی ایشان فرود آورد، گرداگرد مسکن های ایشان. ۲۹ پس خوردند و نیکو سیر شدند و موافق شهوات ایشان بدیشان داد. ۳۰ ایشان از شهوت خود دست نکشیدند. و غذاهنوز در دهان ایشان بود ۳۱ که غضب خدا برایشان افروخته شده؛ تنومندان ایشان را بکشت وجوانان اسرائیل را هلاک ساخت.

۳۲ با وجود این همه، باز نگاه ورزیدند و به اعمال عجیب او ایمان نیاوردند. ۳۳ بنابراین، روزهای ایشان را در بطالت تمام کرد و سالهای ایشان را در ترس. ۳۴ هنگامی که ایشان را کشت او را طلبیدند و بازگشت کرده، درباره خدا تفحص نمودند، ۳۵ و به یاد آوردند که خدا صخره ایشان، و خدای تعالی ولی ایشان است. ۳۶ اما به دهان خود او را تملق نمودند و به زبان خویش به اودروغ گفتند. ۳۷ زیرا که دل ایشان با او راست نبود و به عهد وی موتمن نبودند.

۳۸ اما او به حسب رحمانیتش نگاه ایشان راعفو نموده، ایشان را هلاک نساخت بلکه بارها غضب خود را برگردانیده، تمامی خشم خویش را برینگیخت. ۳۹ و به یاد آورد که ایشان بشرند، بادی که می رود و بر نمی گردد. ۴۰ چند مرتبه در صحرا بدو فتنه انگیختند و او را در بادیه رنجانیدند. ۴۱ و برگشته، خدا را امتحان کردند و قدوس اسرائیل را اهانت نمودند، ۴۲ و قوت او را به خاطر نداشتند، روزی که ایشان را از دشمن رهانیده بود. ۴۳ که چگونه آیات خود را در مصر ظاهر ساخت و معجزات خود را در دیار صوعن. ۴۴ و نهرهای ایشان را به خون مبدل نمود و رودهای ایشان را تا نتوانستند نوشید. ۴۵ انواع پشه ها در میان ایشان فرستاد که ایشان را گزیدند و گوکهایی که ایشان را تباہ نمودند؛ ۴۶ و محصول ایشان را به کرم صد پا سپرد و عمل ایشان را به ملخ داد. ۴۷ تا کستان ایشان را به تگرگ خراب کرد و درختان جمیز ایشان را به تگرگهای درشت. ۴۸ بهایم ایشان را به تگرگ سپرد و مواشی ایشان را به شعله های برق. ۴۹ و آتش خشم خود را برایشان فرستاد، غضب و غیظ و ضیق را، به فرستادن فرشتگان

شریر. ۵۰ و راهی برای غضب خود مهیا ساخته، جان ایشان را از موت نگاه نداشت، بلکه جان ایشان را به وبا تسلیم نمود. ۵۱ و همه نخست زادگان مصر را کشت، اوایل قوت ایشان را در خیمه های حام.

۵۲ و قوم خود را مثل گوسفندان کوچانید و ایشان را در صحرا مثل گله راهنمایی نمود. ۵۳ و ایشان را در امنیت رهبری کرد تا ترسند و دریادشمنان ایشان را پوشانید. ۵۴ و ایشان را به حدود مقدس خود آورد، بدین کوهی که به دست راست خود تحصیل کرده بود. ۵۵ و امت ها را از حضور ایشان راند و میراث را برای ایشان به ریسمان تقسیم کرد و اسباط اسرائیل را در خیمه های ایشان ساکن گردانید.

۵۶ لیکن خدای تعالی را امتحان کرده، بدو فتنه انگیختند و شهادت او را نگاه نداشتند. ۵۷ و برگشته، مثل پدران خود خیانت ورزیدند و مثل کمان خطا کننده منحرف شدند. ۵۸ و به مقامهای بلند خود خشم او را به هیجان آوردند و به بتهای خویش غیرت او را جنبش دادند. ۵۹ چون خدائین را بشنید غضبناک گردید و اسرائیل را به شدت مکروه داشت. ۶۰ پس مسکن شیلو را ترک نمود، آن خیمه ای را که در میان آدمیان برپا ساخته بود، ۶۱ و (تابوت) قوت خود را به اسیری داد و جمال خویش را به دست دشمن سپرد، ۶۲ و قوم خود را به شمشیر تسلیم نمود و با میراث خود غضبناک گردید. ۶۳ جوانان ایشان را آتش سوزانید و برای دوشیزگان ایشان سرود نکاح نشد. ۶۴ کاهنان ایشان به دم شمشیر افتادند و بیوه های ایشان نوحه گری نمودند.

۶۵ آنگاه خداوند مثل کسی که خوابیده بود بیدار شد، مثل جباری که از شراب می خروشد، ۶۶ و دشمنان خود را به عقب زد و ایشان را عارابدی گردانید. ۶۷ و خیمه یوسف را رد نموده، سبط افرایم را برنگزید. ۶۸ لیکن سبط یهودا را برگزید و این کوه صهیون را که دوست می داشت. ۶۹ و قدس خود را مثل کوههای بلند بنا کرد، مثل جهان که آن را تا ابدالاباد بنیاد نهاد. ۷۰ و بنده خود داود را برگزید و او را از آغل های گوسفندان گرفت.

۷۱ از عقب میشهای شیرده او را آورد تا قوم او یعقوب و میراث او اسرائیل را رعایت کند.

۷۲ پس ایشان را به حسب کمال دل خود رعایت نمود و ایشان را به مهارت دستهای خویش هدایت کرد.

۷۹

دعا برای نجات قوم

مرز مور آساف

۱ ای خدا، امت‌ها به میراث تو داخل شده، هیکل قدس تو را بی عصمت ساختند. اورشلیم را خرابه‌ها نمودند. ۲ لاشهای بندگانت را به مرغان هوا برای خوراک دادند و گوشت مقدسانت را به وحوش صحراء. ۳ خون ایشان را گرداگرد اورشلیم مثل آب ریختند و کسی نبود که ایشان را دفن کند. ۴ نزد همسایگان خود عار گردیده‌ایم و نزد مجاوران خویش استهزا و سخریه شده‌ایم. ۵ تا کی ای خداوند تا به ابد خشمناک خواهی بود؟ آیا غیرت تو مثل آتش افروخته خواهد شد تا ابدالاباد؟ ۶ قهر خود را بر امت‌هایی که تو را نمی‌شناسند بریز و برمالکی که نام تو را نمی‌خوانند! ۷ زیرا که یعقوب را خورده، و مسکن او را خراب کرده‌اند.

۸ گاهان اجداد ما را بر ما بیاد میاور. رحمت‌های تو بزودی پیش روی ما آید زیرا که بسیار ذلیل شده‌ایم. ۹ ای خدا، ای نجات‌دهنده ما، به خاطر جلال نام خود ما را یاری فرما و ما را نجات ده و بخاطر نام خود گاهان ما را پیامرز. ۱۰ چرا امت‌ها گویند که خدای ایشان کجاست؟ انتقام خون بندگانت که ریخته شده است، بر امت‌ها در نظر ما معلوم شود. ۱۱ ناله اسیران به حضور تو برسد. به حسب عظمت بازوی خود آنان را که به موت سپرده شده‌اند، برهان. ۱۲ و جزای هفت چندان به آغوش همسایگان مارسان، برای اهانتی که به تو کرده‌اند، ای خداوند. ۱۳ پس ما که قوم

تو و گوسفندان مرتع تو هستیم، تو را تا به ابد شکر خواهیم گفت و تسبیح تو را نسلا بعد نسل ذکر خواهیم نمود.

۸۰

دعا برای تفقد از قوم

برای سالار مغنیان. شهادتی بر سوسنها. مزبور آساف
 ۱ ای شبان اسرائیل بشنو! ای که یوسف را مثل گلگ رعایت می کنی!
 ای که برکرویین جلوس نموده ای، تجلی فرما! ۲ به حضور افرایم و بنیامین و
 منسی، توانایی خود را برانگیز و برای نجات ما بیا! ۳ ای خدا ما را باز آورو
 روی خود را روشن کن تا نجات یابیم!

۴ ای یهوه، خدای صباپوت، تا به کی به دعای قوم خویش غضبناک
 خواهی بود، ۵ نان ماتم را بدیشان می خورانی و اشکهای بی اندازه بدیشان
 می نوشانی؟ ۶ ما را محل منازعه همسایگان ما ساخته ای و دشمنان ما در میان
 خویش استزای نمایند. ۷ ای خدای لشکرها ما را باز آورو روی خود را
 روشن کن تا نجات یابیم! ۸ موی را از مصر بیرون آوردی. امت ها را بیرون
 کرده، آن را غرس نمودی. ۹ پیش روی آن را وسعت دادی. پس ریشه
 خود را نیکو زده، زمین را پر ساخت. ۱۰ کوهها به سایه اش پوشانیده شد
 و سروهای آزاد خدا به شاخه هایش. ۱۱ شاخه های خود را تا به دریا پهن
 کرد و فرعهای خویش را تا به نهر. ۱۲ پس چرا دیوارهایش را شکسته ای
 که هر راهگذری آن را می چیند؟ ۱۳ گرازهای جنگل آن را ویران می کنند
 و وحوش صحرا آن را می چزند.

۱۴ ای خدای لشکرها رجوع کرده، از آسمان نظر کن و بین و از این
 مو تفقد نما ۱۵ و از این نهالی که دست راست تو غرس کرده است و از
 آن پسری که برای خویشتن قوی ساخته ای! ۱۶ مثل هیزم در آتش سوخته
 شده و از عتاب روی تو تباه گردیده اند! ۱۷ دست تو بر مرد دست راست
 تو باشد و بر پسر آدم که او را برای خویشتن قوی ساخته ای. ۱۸ و ما از تو

رو نخواهیم تافت. ما راحیات بده تا نام تو را بخوانیم. ۱۹ ای یهوه، خدای لشکرها ما را بازآور و روی خود را روشن ساز تا نجات یابیم.

۸۱

پیروی از خداوند

برای سالار مغنیان برجیتیت. مزور آساف
 ۱ ترنم نمایند برای خدایی که قوت ماست. برای خدای یعقوب
 آواز شادمانی دهید! ۲ سرود را بلند کنید و دف رابیاورید و بریط دلنوازا
 بارباب! ۳ کرنا را بنوازید در اول ماه، در ماه تمام و در روز عید ما. ۴ زیرا
 که این فریضه‌ای است در اسرائیل و حکمی از خدای یعقوب. ۵ این را
 شهادتی در یوسف تعیین فرمود، چون بر زمین مصر بیرون رفت، جایی که
 لغتی را که نفهمیده بودم شنیدم: ۶ «دوش او را از بار سنگین آزاد ساختم
 و دستهای او از سبدها رها شد. ۷ در تنگی استدعا نمودی و تو را خلاصی دادم.
 در ستر رعد، تو را اجابت کردم و تو را نزد آب مریبه امتحان نمودم.

۸ «ای قوم من بشنو و تو را تاکید می‌کنم. وای اسرائیل اگر به من
 گوش دهی. ۹ در میان تو خدای غیر نباشد و نزد خدای بیگانه سجده منما.
 ۱۰ من یهوه خدای تو هستم که تو را از زمین مصر بر آوردم. دهان خود را
 نیکو باز کن و آن را پرخواهم ساخت. ۱۱ لیکن قوم من سخن مرا نشنیدند
 و اسرائیل مرا ابا نمودند. ۱۲ پس ایشان را به سختی دلشان ترک کردم
 که به مشورت‌های خود سلوک نمایند. ۱۳ ای کاش که قوم من به من
 گوش می‌گرفتند و اسرائیل در طریق‌های من سالک می‌بودند. ۱۴ آنگاه
 دشمنان ایشان را بزودی به زیر می‌انداختم و دست خود را بر خصمان ایشان
 برمی‌گردانیدم. ۱۵ آنانی که از خداوند نفرت دارند بدو گردن می‌نهادند.
 اما زمان ایشان باقی می‌بود تا ابدالاباد. ۱۶ ایشان را به نیکوترین گندم
 می‌پرورد؛ و تو را به عسل از صخره سیر می‌کردم.»

۸۲

خدا در جماعت خدا

مزموآساف

۱ خدا در جماعت خدا ایستاده است. در میان خدایان داوری می کند: «تا به کی به بی انصافی داوری خواهید کرد و شریران را طرفداری خواهید نمود؟ سلاه. ۳ فقیران و یتیمان را دادرسی بکنید. مظلومان و مسکینان را انصاف دهید. ۴ مظلومان و فقیران را برهانید و ایشان را از دست شریران خلاصی دهید. ۵ «نمی دانند و نمی فهمند و در تاریکی راه می روند و جمیع اساس زمین متزلزل می باشد. ۶ من گفتم که شما خدایانید و جمیع شما فرزندان حضرت اعلیٰ. ۷ لیکن مثل آدمیان خواهید مرد و چون یکی از سروران خواهید افتاد!» ۸ ای خدا برخیز و جهان را داوری فرما زیرا که تو تمامی امت ها را متصرف خواهی شد.

۸۳

دعا برای شکست دشمنان

سرود و مزموآساف

۱ ای خدا تو را خاموشی نباشد! ای خدا ساکت مباش و میارام! ۲ زیرا اینک دشمنانت شورش می کنند و آنانی که از تو نفرت دارند، سر خود را برافراشته اند. ۳ بر قوم تو مکایدی اندیشند و بر پناه آوردگان تو مشورت می کنند. ۴ و می گویند: «بیایید ایشان را هلاک کنیم تا قومی نباشند و نام اسرائیل دیگر مذکور نشود.» ۵ زیرا به یک دل با هم مشورت می کنند و برضد تو عهد بسته اند. ۶ خیمه های ادوم و اسماعیلیان و موآب و هاجریان. ۷ جبال و عمون و عمالیق و فلسطین با ساکنان صور. ۸ آشور نیز با ایشان متفق شدند و بازویی برای بنی لوطگردیدند، سلاه.

۹ بدیشان عمل نما چنانکه به مدیان کردی. چنانکه به سیسرا و یابین در وادی قیشون. ۱۰ که در عیندور هلاک شدند و سرگین برای زمین گردیدند. ۱۱ سروران ایشان را مثل غراب و ذئب گردان و جمیع امرای ایشان را مثل ذبح وصلهناع. ۱۲ که می گفتند: «مساکن خدا را برای خویشتن تصرف نماییم.»

۱۳ ای خدای من، ایشان را چون غبار گردبادساز و مانند کاه پیش روی باد. ۱۴ مثل آتشی که جنگل را می سوزاند و مثل شعله‌ای که کوهها را مشتعل می سازد. ۱۵ همچنان ایشان را به تند باد خود بران و به طوفان خویش ایشان را آشفته گردان. ۱۶ رویهای ایشان را به ذلت پر کن تا نام تورا ای خداوند بطلبند. ۱۷ نخل و پریشان بشوند تا ابدالاباد و شرمنده و هلاک گردند. ۱۸ و بدانند تو که اسمت یهوه می باشد، به تنها بر تمامی زمین متعال هستی.

۸۴

اشتیاق برای خانه خدا

برای سالار مغنیان برجتیت. مزمویر بنی قورح

۱ ای یهوه صباوت، چه دل پذیر است مسکنهای تو! ۲ جان من مشتاق بلکه کاهیده شده است برای صحنهای خداوند. دلم و جسد من برای خدای حی صیحه می زند. ۳ گنجشک نیز برای خود خانه‌ای پیدا کرده است و پرستوک برای خویشتن آشیانه‌ای تا بچه های خود را در آن بگذارد، در مذبح های تو ای یهوه صباوت که پادشاه من و خدای من هستی. ۴ خوشباجال آنانی که در خانه تو ساکنند که تو رادائم تسبیح می خوانند، ۵ خوشباجال مردمانی که قوت ایشان در تو است و طریق های تو در دلهای ایشان. ۶ چون از وادی بکا عبوری کنند، آن را چشمه می سازند و باران آن را به برکات می پوشانند. ۷ از قوت تا قوت می خرامند و هر یک از ایشان در صهیون نزد خدا حاضر می شوند.

۸ ای یهوه خدای لشکرها! دعای مرا بشنو! ای خدای یعقوب گوش خود را فراگیر! سلاه. ۹ ای خدایی که سپر ما هستی، بین و به روی مسیح خود نظر انداز. ۱۰ زیرا یک روز در صحنهای تو بهتر است از هزار. ایستادن بر آستانه خانه خدای خود را بیشتر می‌پسندم از ساکن شدن در خیمه های اشرار. ۱۱ زیرا که یهوه خدا آفتاب و سپر است. خداوند فیض و جلال خواهد داد. و هیچ چیز نیکو را منع نخواهد کرد از آنانی که به راستی سالک باشند. ۱۲ ای یهوه صباوت، خوشبجالت کسی که بر تو توکل دارد.

۸۵

دعا برای سعادت قوم

برای سالار مغنیان. مزمور بنی قورح

۱ ای خداوند از زمین خود راضی شده‌ای. اسیری یعقوب را باز آورده‌ای. ۲ عصیان قوم خود را عفو کرده‌ای. تمامی گناهان ایشان را پوشانیده‌ای، سلاه. ۳ تمامی غضب خود را برداشته، و از حدت خشم خویش رجوع کرده‌ای. ۴ ای خدای نجات ما، ما را برگردان. و غیظ خود را از ما بردار. ۵ آیا تا به ابد ما غضبناک خواهی بود؟ و خشم خویش را نسلا بعد نسل طول خواهی داد؟ ۶ آیا برگشته ما را حیات نخواهی داد تا قوم تو در توشادی نمایند؟

۷ ای خداوند رحمت خود را بر ما ظاهر کن و نجات خویش را به ما عطا فرما. ۸ آنچه خدا یهوه می‌گوید خواهیم شنید زیرا به قوم خود و به مقدسان خویش به سلامتی خواهد گفت تا بسوی جهالت برنگردند. ۹ یقین نجات او به ترسندگان او نزدیک است تا جلال در زمین ما ساکن شود. ۱۰ رحمت و راستی با هم ملاقات کرده‌اند. عدالت و سلامتی یکدیگر را بوسیده‌اند. ۱۱ راستی، از زمین خواهد روید و عدالت، از آسمان خواهد نگرست. ۱۲ خداوند نیز چیزهای نیکو را خواهد بخشید و زمین ماحصول

خود را خواهد داد. ۱۳ عدالت پیش روی او خواهد خرامید و آثار خود را طریقی خواهد ساخت.

۸۶

دعا برای نجات

دعای داود

۱ ای خداوند گوش خود را فرا گرفته، مرا مستجاب فرما زیرا مسکین و نیازمند هستم! ۲ جان مرا نگاه دار زیرا من متقی هستم. ای خدای من، بنده خود را که بر تو توکل دارد، نجات بده. ۳ ای خداوند بر من کرم فرما زیرا که تمامی روز تو را می خوانم! ۴ جان بنده خود را شادمان گردان زیرا ای خداوند جان خود را نزد تو برمی دارم. ۵ زیرا تو ای خداوند، نیکو و غفار هستی و بسیار رحیم برای آنانی که تو را می خوانند. ۶ ای خداوند دعای مرا اجابت فرما و به آواز تضرع من توجه نما! ۷ در روز تنگی خود تو را خواهم خواند زیرا که مرا مستجاب خواهی فرمود. ۸ ای خداوند در میان خدایان مثل توبیست و کاری مثل کارهای تویی. ۹ ای خداوند همه امت هایی که آفریده ای آمده، به حضور تو سجده خواهند کرد و نام تو را تجید خواهند نمود. ۱۰ زیرا که تو بزرگ هستی و کارهای عجیب می کنی. تو تنها خدا هستی.

۱۱ ای خداوند طریقی خود را به من بیاموز تا در راستی تو سالک شوم. دل مرا واحد ساز تا از نام تو ترسان باشم. ۱۲ ای خداوند خدای من تو را به تمامی دل حمد خواهم گفت و نام تو را تجید خواهم کرد تا ابد الابد. ۱۳ زیرا که رحمت تو به من عظیم است و جان مرا از هاویه اسفل رها نیده ای. ۱۴ ای خدا متکبران بر من برخاسته اند و گروهی از ظالمان قصد جان من دارند و تو را در مد نظر خود نمی آورند. ۱۵ و تو ای خداوند خدای رحیم و کریم هستی. دیر غضب و پراز رحمت و راستی. ۱۶ بسوی من التفات کن و بر من کرم فرما. قوت خود را به بنده ات بده و پسر کنیز خود

را نجات بخش. ۱۷ علامت خوبی را به من بیا تا آتانی که از من نفرت دارند آن را دیده، نخل شوند زیرا که توای خداوند مرا اعانت کرده و تسلی داده‌ای.

۸۷

در وصف اورشلیم

مزمو و سرود بنی قورح

۱ اساس او در کوههای مقدس است. ۲ خداوند دروازه های صهیون را دوست می‌دارد، بیشتر از جمیع مسکن های یعقوب. ۳ سخنهاى مجید در باره تو گفته می‌شود، ای شهر خدا! سلاه. ۴ رهب و بابل را از شناسندگان خود ذکر خواهم کرد. اینک فلسطین و صور و حبش، این در آنجا متولد شده است. ۵ و در باره صهیون گفته خواهد شد که این و آن در آن متولد شده‌اند. و خود حضرت اعلی آن را استوار خواهد نمود. ۶ خداوند چون امت‌ها را می‌نویسد، ثبت خواهد کرد که این در آنجا متولد شده است، سلاه. ۷ مغنیان و رقص کنندگان نیز. جمیع چشمه های من در تو است.

۸۸

فریاد مک

سرود و مزمو بنی قورح برای سالار مغنیان بر محلت لعنوت. قصیده هیمان ازراحی

۱ ای یهوه خدای نجات من، شب و روز نزد تو فریاد کرده‌ام. ۲ دعای من به حضور تو برسد، به ناله من گوش خود را فراگیر. ۳ زیرا که جان من از بلایا پر شده است و زندگانی‌ام به قبر نزدیک گردیده. ۴ از فروروندگان به هاویه شمرده شده‌ام و مثل مرد بی قوت گشته‌ام. ۵ در میان مردگان منفرد شده، مثل کشتگان که در قبر خوابیده‌اند، که ایشان را دیگر به یاد نخواهی آورد و از دست تو منقطع شده‌اند. ۶ مرا در هاویه اسفل گذاشته‌ای، در ظلمت در زرفیها. ۷ خشم تو بر من سنگین شده است و به همه امواج خود

مرا مبتلا ساخته‌ای، سلاه. ^۸ آشنایانم را از من دور کرده، و مرا مکروه ایشان گردانیده‌ای محبوس شده، بیرون نمی توانم آمد. ^۹ چشمانم از مذلت کاهیده شده. ای خداوند، نزد تو فریاد کرده‌ام تمامی روز. دستهای خود را به تودراز کرده‌ام.

^{۱۰} آیا برای مردگان کاری عجیب خواهی کرد؟ مگر مردگان برخاسته، تو را حمد خواهند گفت؟ سلاه. ^{۱۱} آیا رحمت تو در قبر مذکور خواهد شد؟ و امانت تو در هلاکت؟ ^{۱۲} آیا کار عجیب تو در ظلمت اعلام می شود و عدالت تو در زمین فراموشی؟ ^{۱۳} و اما من نزد تو ای خداوند فریاد برآورده‌ام و بامدادان دعای من در پیش تومی آید. ^{۱۴} ای خداوند چرا جان مرا ترک کرده، و روی خود را از من پنهان نموده‌ای. ^{۱۵} من مستمند و از طفولیت مشرف بر موت شده‌ام. ترسهای تورا متحمل شده، متحیر گردیده‌ام. ^{۱۶} حدت خشم تو بر من گذشته است و خوف های تو مرا هلاک ساخته. ^{۱۷} مثل آب دور مرا گرفته است تمامی روز و مرا از هر سو احاطه نموده. ^{۱۸} یاران و دوستان را از من دور کرده‌ای و آشنایانم را در تاریکی.

۸۹

دعا برای قوم

قصیده ایتان ازراحی

^۱ رحمت های خداوند را تا به ابد خواهیم سراپید. امانت تو را به دهان خود نسلا بعد نسل اعلام خواهیم کرد. ^۲ زیرا گفتم رحمت بنا خواهد شد تا ابدالاباد و امانت خویش را در افلاک پایدار خواهی ساخت. ^۳ با برگزیده خود عهد بسته‌ام. برای بنده خویش داود قسم خورده‌ام. ^۴ که ذریت تو را پایدار خواهیم ساخت تا ابدالاباد و تخت تو را نسلا بعد نسل بنا خواهیم نمود، سلاه. ^۵ و آسمانها کارهای عجیب تو را ای خداوند تمجید خواهند کرد و امانت تو را در جماعت مقدسان. ^۶ زیرا کیست در آسمانها

که با خداوند برابری تواند کرد؟ و از فرزندان زورآوران که را با خداوند تشبیه توان نمود؟^۷ خدا بی نهایت مهیب است در جماعت مقدسان و ترسناک است بر آنانی که گرداگرد او هستند.^۸ ای یهوه خدای لشکرها! کیست ای یاه قدیر مانند تو؟ و امانت تو، تو را احاطه می کند.^۹ بر تکبر دریا تو مسلط هستی. چون امواجش بلند می شود، آنها را ساکن می گردانی.^{۱۰} رهب را مثل کشته شده خرد شکسته ای. به بازوی زورآورش دشمنان را پراکنده نموده ای.^{۱۱} آسمان از آن تو است و زمین نیز از آن تو. ربع مسکون و پری آن را تو بنیاد نهاده ای.^{۱۲} شمال و جنوب را تو آفریده ای. تابور و حرمون به نام تو شادی می کنند.^{۱۳} بازوی تو با قوت است. دست تو زورآور است و دست راست تو متعال.^{۱۴} عدالت و انصاف اساس تخت تو است. رحمت و راستی پیش روی تو می خرامند.

^{۱۵} خوشبحال قومی که آواز شادمانی را می دانند. در نور روی تو ای خداوند خواهند خرامید.^{۱۶} در نام تو شادمان خواهند شد تمامی روز و در عدالت تو سرافراشته خواهند گردید.^{۱۷} زیرا که نفرت ایشان تو هستی و به رضامندی تو شاخ ما مرتفع خواهد شد.^{۱۸} زیرا که سپر ما از آن خداوند است و پادشاه ما از آن قدوس اسرائیل.^{۱۹} آنگاه در عالم رویا به مقدس خود خطاب کرده، گفتی که نصرت را بر مردی زورآور نهادم و برگزیده ای از قوم را ممتاز کردم.^{۲۰} بنده خود داود را یافتم و او را به روغن مقدس خود مسح کردم.^{۲۱} که دست من با او استوار خواهد شد. بازوی من نیز او را قوی خواهد گردانید.^{۲۲} دشمنی بر او ستم نخواهد کرد و هیچ پسر ظلم بدو اذیت نخواهد رسانید.^{۲۳} و خصمان او را پیش روی وی خواهم گرفت و آنانی را که از او نفرت دارند مبتلا خواهم گردانید.^{۲۴} و امانت و رحمت من با وی خواهد بود و در نام من شاخ او مرتفع خواهد شد.^{۲۵} دست او را بر دریا مستولی خواهم ساخت و دست راست او را بر نهرها.^{۲۶} او مرا خواهد خواند که تو پدر من هستی، خدای من و

صخره نجات من. ۲۷ من نیز او را نخست زاده خود خواهم ساخت، بلندتر از پادشاهان جهان. ۲۸ رحمت خویش را برای وی نگاه خواهم داشت تا ابدالاباد و عهد من با او استوار خواهد بود. ۲۹ و ذریت وی را باقی خواهم داشت تا ابدالاباد و تحت او را مثل روزهای آسمان.

۳۰ اگر فرزندان شریعت مرا ترک کنند، و در احکام من سلوک نمایند، ۳۱ اگر فرایض مرا بشکنند، و اوامر مرا نگاه ندارند، ۳۲ آنگاه معصیت ایشان را به عصا تادیب خواهم نمود و گاه ایشان را به تازیانه ها. ۳۳ لیکن رحمت خود را از او بر نخواهم داشت و امانت خویش را باطل نخواهم ساخت. ۳۴ عهد خود را نخواهم شکست و آنچه را از دهانم صادر شد تغییر نخواهم داد. ۳۵ یک چیز را به قدوسیت خود قسم خوردم و به داود هرگز دروغ نخواهم گفت. ۳۶ که ذریت او باقی خواهد بود تا ابدالاباد و تحت او به حضور من مثل آفتاب، ۳۷ مثل ماه ثابت خواهد بود تا ابدالاباد و مثل شاهد امین در آسمان، سلاه. ۳۸ لیکن تو ترک کرده ای و دور انداخته ای و بامسیح خود غضبناک شده ای. ۳۹ عهد بنده خود را باطل ساخته ای و تاج او را بر زمین انداخته، بی عصمت کرده ای. ۴۰ جمیع حصارهایش را شکسته و قلعه های او را خراب نموده ای. ۴۱ همه راه گذران او را تاراج می کنند و او نزد همسایگان خود عار گردیده است. ۴۲ دست راست خصمان او را برافراشته، و همه دشمنانش را مسرور ساخته ای. ۴۳ دم شمشیر او را نیز برگردانیده ای و او را در جنگ پایدار نساخته ای. ۴۴ جلال او را باطل ساخته و تحت او را به زمین انداخته ای. ۴۵ ایام شبابش را کوتاه کرده، و او را به نجالت پوشانیده ای، سلاه.

۴۶ تا به کی ای خداوند خود را تا به ابد پنهان خواهی کرد و غضب تو مثل آتش افروخته خواهد شد؟ ۴۷ به یاد آور که ایام حیاتم چه کم است. چرا تمامی بنی آدم را برای بطلت آفریده ای؟ ۴۸ کدام آدمی زنده است که

موت رانخواهد دید؟ و جان خویش را از دست قبر خلاص خواهد ساخت؟
 سلاه. ۴۹ ای خداوند رحمت های قدیم تو کجاست؟ که برای داود به امانت
 خود قسم خوردی. ۵۰ ای خداوند ملامت بنده خود را به یاد آور که
 آن را از قومهای بسیار در سینه خود متحمل می باشم. ۵۱ که دشمنان تو ای
 خداوند ملامت کرده اند، یعنی آثار مسیح تو را ملامت نموده اند. ۵۲ خداوند
 متبارک باد تا ابد الاباد. آمین و آمین.

۹۰

فانی بودن انسان

دعای موسی مرد خدا

۱ ای خداوند مسکن ما تو بوده ای، در جمیع نسل ها، ۲ قبل از آنکه کوهها
 به وجود آید و زمین ربع مسکون را بیافرینی. از ازل تا به ابد تو خدا هستی.
 ۳ انسان را به غبار برمی گردانی، و می گویی ای بنی آدم رجوع نمایید. ۴ زیرا
 که هزار سال در نظر تو مثل دیروز است که گذشته باشد و مثل پایی از
 شب. ۵ مثل سیلاب ایشان را رفته ای و مثل خواب شده اند. بامدادان
 مثل گیاهی که می روید. ۶ بامدادان می شکند و می روید. شامگاهان بریده
 و پژمرده می شود. ۷ زیرا که در غضب تو کاهیده می شویم و در خشم تو
 پریشان می گردیم. ۸ چونکه گاهان ما را در نظر خود گذارده ای و خفایای
 ما را در نوروی خویش. ۹ زیرا که تمام روزهای ما در خشم تو سپری
 شد و سالهای خود را مثل خیلی بسر برده ایم. ۱۰ ایام عمر ما هفتاد سال
 است و اگر از بنیه، هشتاد سال باشد. لیکن نخر آنها محنت و بطالت است
 زیرا به زودی تمام شده، پروازی کنیم. ۱۱ کیست که شدت خشم تو را
 می داند و غضب تو را چنانکه از تو می باید ترسید.
 ۱۲ ما را تعلیم ده تا ایام خود را بشماریم تا دل خردمندی را حاصل
 نماییم. ۱۳ رجوع کن ای خداوند تا به کی و بر بندگان خود شفقت فرما.

۱۴ صبحگاهان ما را از رحمت خود سیر کن تا تمامی عمر خود ترنم و شادی نمایم. ۱۵ ما را شادمان گردان به عوض ایامی که ما را مبتلا ساختی و سالهایی که بدی را دیده‌ایم. ۱۶ اعمال تو بر بندگانت ظاهر بشود و کبریایی تو بر فرزندان ایشان. ۱۷ جمال خداوند خدای ما بر ما باد و عمل دستهای ما را بر ما استوار ساز. عمل دستهای ما را استوار گردان.

۹۱

در ستر حضرت اعلی

۱ آنکه در ستر حضرت اعلی نشسته است، زیر سایه قادر مطلق ساکن خواهد بود. ۲ درباره خداوند می‌گویم که او ملجا و قلعه من است و خدای من که بر او توکل دارم. ۳ زیرا که او تو را از دام صیاد خواهد رهناید و از وبای خبیث. ۴ به پرهای خود تو را خواهد پوشانید و زیر بالهایش پناه خواهی گرفت. راستی او تو را بجن و سپر خواهد بود. ۵ از خوبی در شب نخواهی ترسید و نه از تیری که در روز می‌پرد. ۶ و نه از وبایی که در تاریکی می‌خرامد و نه از طاعونی که وقت ظهر فساد می‌کند. ۷ هزار نفر به جانب تو خواهند افتاد و ده هزار به دست راست تو. لیکن نزد تو نخواهد رسید. ۸ فقط به چشمان خود خواهی نگریست و پاداش شیرین را خواهی دید. ۹ زیرا گفתי تو ای خداوند ملجای من هستی و حضرت اعلی را ماوای خویش گردانیده‌ای. ۱۰ هیچ بدی بر تو واقع نخواهد شد و بلائی نزد خیمه تو نخواهد رسید. ۱۱ زیرا که فرشتگان خود را درباره تو امر خواهد فرمود تا در تمامی راههای تو را حفظ نمایند. ۱۲ تو را بر دستهای خود بر خواهند داشت، مبادای خود را به سنگ بزنی. ۱۳ بر شیر و افعی پای خواهی نهاد؛ شیر بچه و اژدها را پایمال خواهی کرد. ۱۴ «چونکه به من رغبت دارد او را خواهیم رهناید و چونکه به اسم من عارف است او را سرافراز خواهیم ساخت. ۱۵ چون مرا خواند او را اجابت خواهیم کرد. من در تنگی

با او خواهم بود و او را نجات داده، معزز خواهم ساخت. ۱۶ به طول ایام
او را سیر می گردانم و نجات خویش را بدونشان خواهم داد.»

۹۲

سرود حمد و تسبیح

مرزومور و سرود برای روز سبت

۱ خداوند را حمد گفتن نیکو است و به نام تو تسبیح خواندن، ای
حضرت اعلی. ۲ بامدادان رحمت تو را اعلام نمودن و درهر شب امانت تو
را. ۳ بر ذات ده اوتار و بر ریاب و به نغمه هجایون و بریط. ۴ زیرا که ای
خداوند مرابه کارهای خودت شادمان ساخته ای. به سبب اعمال دستهای
تو ترم خواهم نمود. ۵ ای خداوند اعمال تو چه عظیم است و فکرهای
تو بی نهایت عمیق. ۶ مرد وحشی این را نمی داند و جاهل در این تامل نمی
کند. ۷ وقتی که شیران مثل علف می رویند و جمیع بدکاران می شکفند،
برای این است که تا به ابد هلاک گردند. ۸ لیکن تو ای خداوند بر اعلی
علیین هستی، تا ابدالاباد. ۹ زیرا اینک دشمنان تو ای خداوند، هان دشمنان
تو هلاک خواهند شد و جمیع بدکاران پراکنده خواهند شد.

۱۰ و اما شاخ مرا مثل شاخ گاو وحشی بلند کرده ای و به روغن تازه
مسح شده ام. ۱۱ و چشم من بر دشمنانم خواهد نگر بست و گوشهای من
از شیرانی که با من مقاومت می کنند خواهد شنید. ۱۲ عادل مثل درخت
خرما خواهد شکفت و مثل سرو آزاد در لبنان نمو خواهد کرد. ۱۳ آنانی
که در خانه خداوند غرس شده اند، در صحنهای خدای ما خواهند شکفت.
۱۴ در وقت پیری نیز میوه خواهند آورد و تر و تازه و سبز خواهند بود.
۱۵ تا اعلام کنند که خداوند راست است. او صخره من است و در وی
هیچ بی انصافی نیست.

۹۳

اقتدار خداوند

۱ خداوند سلطنت را گرفته و خود را به جلال آراسته است. خداوند خود را آراسته و کمر خود را به قوت بسته است. ربع مسکون نیز پایدار گردیده است و جنبش نخواهد خورد. ۲ تخت تو از ازل پایدار شده است و تو از قدیم هستی. ۳ ای خداوند سیلابها برافراشته اند سیلابها آواز خود را برافراشته اند. سیلابها خروش خود را برافراشته اند. ۴ فوق آواز آبهای بسیار، فوق امواج زورآور دریا. خداوند در اعلیٰ اعلیٰین زوراورتر است. ۵ شهادت تو بی نهایت امین است. ای خداوند، قدوسیت خانه تو را می زبید تا ابدالابد.

۹۴

مکافات شیران

۱ ای بیوه خدای ذوالانتقام، ای خدای ذوالانتقام، تجلی فرما! ۲ ای داور جهان متعال شو و بر متکبران مکافات برسان! ۳ ای خداوند تا به کی شیران، تا به کی شیران نفر خواهند نمود؟ ۴ حرفها می زنند و سخنان ستم آمیز می گویند. جمیع بدکاران لاف می زنند. ای خداوند، قوم تو را می شکنند و میراث تو را ذلیل می سازند. ۵ بیوه زنان و غریبان را می کشند و یتیمان را به قتل می رسانند. ۶ و می گویند یاه نمی بیند و خدای یعقوب ملاحظه نمی نماید. ۷ ای احقمان قوم بفهمید! وای ابلهان کی تعقل خواهید نمود؟ ۸ او که گوش را غرس نمود، آیا نمی شنود؟ او که چشم را ساخت، آیا نمی بیند؟ ۹ او که امتها را تادیب می کند، آیا توبیخ نخواهد نمود، او که معرفت را به انسان می آموزد؟ ۱۰ خداوند فکرهای انسان را می داند که محض بطالت است.

۱۱ ای یاه خوشباجال شخصی که او را تادیب می نمایی و از شریعت خود او را تعلیم می دهی ۱۲ تا او را از روزهای بلا راحت بخشی، مادامی که

حفره برای شیران کنده شود. ۱۳ زیرا خداوند قوم خود را رد نخواهد کرد و میراث خویش را ترک نخواهد نمود. ۱۴ زیرا که داوری به انصاف رجوع خواهد کرد و همه راست دلان پیروی آن را خواهند نمود.

۱۵ کیست که برای من با شیران مقاومت خواهد کرد و کیست که با بدکاران مقابله خواهد نمود. ۱۶ اگر خداوند مددکار من نمی بود، جان من به زودی در خاموشی ساکن می شد. ۱۷ چون گفتم که پای من می لغزد، پس رحمت توای خداوند مرا تأیید نمود.

۱۸ در کثرت اندیشه های دل من، تسلی های توجانم را آسایش بخشید. ۱۹ آیا کرسی شرارت با تو رفاقت تواند نمود، که فساد را به قانون اختراع می کند؟ ۲۰ بر جان مرد صدیق با هم جمع می شوند و بر خون بی گناه فتوا می دهند. ۲۱ لیکن خداوند برای من قلعه بلند است و خدایم صخره ملجای من است. ۲۲ و نگاه ایشان را بر ایشان راجع خواهد کرد و ایشان را در شرارت ایشان فانی خواهد ساخت. یهوه خدای ما ایشان را فانی خواهد نمود.

۹۵

سرود حمد و شادی

۱ بیایید خداوند را بسراییم و صخره نجات خود را آواز شادمانی دهیم!
 ۲ به حضور او با حمد نزدیک بشویم! و با مزامیر او را آواز شادمانی دهیم!
 ۳ زیرا که یهوه، خدای بزرگ است، ۴ و پادشاه عظیم بر جمیع خدایان.
 نشیبهای زمین در دست وی است و فرازهای کوهها از آن او. ۵ دریا از آن اوست، او آن را بساخت؛ و دستهای وی خشکی را مصور نمود.
 ۶ بیایید عبادت و سجده نماییم و به حضور آفریننده خود خداوند زانو زنیم!
 ۷ زیرا که او خدای ما است! و ما قوم مرتع و گله دست اومی باشیم! امروز
 کاش آواز او را می شنیدید! ۸ دل خود را سخت مسازید، مثل مریبا، مانند

یوم مسا در صحرا. ۹ چون اجداد شما مرا آزمودند و تجربه کردند و اعمال مرا دیدند. ۱۰ چهل سال از آن قوم محزون بودم و گفتم: «قوم گمراه دل هستند که طرق مرا نشناختند. ۱۱ پس در غضب خود قسم خوردم، که به آرامی من داخل نخواهند شد.»

۹۶

بزرگی و جلال خدا

۱ یهوه را سرود تازه بسرایید! ای تمامی زمین خداوند را بسرایید! ۲ خداوند را بسرایید و نام او را متبارک خوانید! روز به روز نجات او را اعلام نمایید. ۳ در میان امت‌ها جلال او را ذکر کنید و کارهای عجیب او را در جمیع قومها. ۴ زیرا خداوند، عظیم است و بی‌نهایت حمید. و او مهیب است بر جمیع خدایان. ۵ زیرا جمیع خدایان امت‌ها بتهایند، لیکن یهوه آسمانها را آفرید. ۶ مجد و جلال به حضور وی است و قوت و جمال در قدس وی.

۷ ای قبایل قوم‌ها خداوند را توصیف نمایید! خداوند را به جلال و قوت توصیف نمایید! ۸ خداوند را به جلال اسم او توصیف نمایید! هدیه بیاورید و به صحنهای او بیایید! ۹ خداوند را در زینت قدوسیت پرستید! ای تمامی زمین از حضور وی بلرزید! ۱۰ در میان امت‌ها گویند خداوند سلطنت گرفته است. ربع مسکون نیز یابدار شد و جنبش نخواهد خورد. قومها را به انصاف داوری خواهد نمود.

۱۱ آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد. دریا و پری آن غرش نماید. ۱۲ صحرا و هر چه در آن است، به وجد آید. آنگاه تمام درختان جنگل ترنم خواهند نمود ۱۳ به حضور خداوند زیرا که می‌آید. زیرا که برای داوری جهان می‌آید. ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد و قوم‌ها را به امانت خود.

۹۷

بزرگی و مجد خداوند

۱ خداوند سلطنت گرفته است، پس زمین شادی کند و جزیره های بسیار مسرور گردند. ۲ ابرها و ظلمت غلیظ گرداگرد اوست. عدل و انصاف قاعده تخت اوست. ۳ آتش پیش روی وی می رود و دشمنان او را به اطرافش می سوزاند. ۴ برقهایش ربع مسکون را روشن می سازد. زمین این را بدید و بلرزید. ۵ کوهها از حضور خداوند مثل موم گداخته می شود، از حضور خداوند تمامی جهان. ۶ آسمانها عدالت او را اعلام می کنند و جمیع قومها جلال او را می بینند. ۷ همه پرستندگان بتهای تراشیده نجل می شوند که به بتها نخر می نمایند. ای جمیع خدایان او را بپرستید.

۸ صهیون شنید و شادمان شد و دختران یهودا مسرور گردیدند، ای خداوند به سبب داوریهای تو. ۹ زیرا که توای خداوند بر تمامی روی زمین متعال هستی. بر جمیع خدایان، بسیار اعلی هستی.

۱۰ ای شما که خداوند را دوست می دارید، از بدی نفرت کنید! او حافظ جانهای مقدسان خود است. ایشان را از دست شیران می رهاند. ۱۱ نور برای عادلان کاشته شده است و شادمانی برای راست دلان. ۱۲ ای عادلان، در خداوند شادمان باشید! و ذکر قدوسیت او را حمد بگویید.

۹۸

سرود تازه

مرز مور

۱ برای خداوند سرود تازه بسرایید زیرا کارهای عجیب کرده است. دست راست و بازوی قدوس او، او را مظفر ساخته است. ۲ خداوند نجات خود را اعلام نموده، و عدالتش را به نظراتها مکشوف کرده است. ۳ رحمت و امانت خود را با خاندان اسرائیل به یاد آورد. همه اقصای زمین نجات خدای ما را دیده اند.

۴ ای تمامی زمین، خداوند را آواز شادمانی دهید. بانگ زیند و ترنم
 نمایید و بسرایید. ۵ خداوند را با بربط بسرایید! با بربط و با آواز نغمات!
 ۶ با کرناها و آواز سرنا! به حضور یهوه پادشاه آواز شادمانی دهید! ۷ دریا
 و پری آن بخروشد! ربع مسکون و ساکن آن! ۸ نهر هادستک بزنند! و
 کوهها با هم ترنم نمایند. ۹ به حضور خداوند زیرا به داوری جهان می آید.
 ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد و قومها را به راستی.

۹۹

سلطنت و اقتدار خداوند

۱ خداوند سلطنت گرفته است، پس قومها بلرزند! بر کرویین جلوس
 می فرماید، زمین متزلزل گردد! ۲ خداوند در صهیون عظیم است و او بر
 جمیع قوم هامتعال است! ۳ اسم عظیم و مهیب تو را حمد بگویند، که او
 قدوس است. ۴ و قوت پادشاه، انصاف را دوست می دارد. تو راستی
 را پایدار کرده، و انصاف و عدالت را در یعقوب به عمل آورده ای. ۵ یهوه
 خدای ما را تکریم نمایید و نزد قدمگاه او عبادت کنید، که او قدوس است.
 ۶ موسی و هارون از کاهنانش و سموئیل از خوانندگان نام او. یهوه را خوانند
 و او ایشان را اجابت فرمود. ۷ در ستون ابر بدیشان سخن گفت. شهادت
 او و فریضه ای را که بدیشان داد نگاه داشتند. ۸ ای یهوه خدای ما تو ایشان
 را اجابت فرمودی. ایشان را خدای غفور بودی. اما از اعمال ایشان انتقام
 کشیدی. ۹ یهوه خدای ما را متعال بخوانید و نزد کوه مقدس او عبادت
 کنید. زیرا یهوه خدای ما قدوس است.

۱۰۰

آواز شادمانی

۱ ای تمامی روی زمین خداوند را آواز شادمانی دهید. ۲ خداوند را
 باشادی عبادت نمایید و به حضور او با ترنم بیاید. ۳ بدانید که یهوه خداست،

او ما را آفرید. ما قوم او هستیم و گوسفندان مرتع او. ^۴ به دروازه های او باحمد بیایید و به سخنهای او با تسبیح! او را حمد گوید و نام او را متبارک خوانید! ^۵ زیرا که خداوند نیکوست و رحمت او ابدی و امانت وی تا ابدالابد.

۱۰۱

عهد پادشاه

مزبور داود

^۱ رحمت و انصاف را خواهم سراپید. نزد توای خداوند، تسبیح خواهم خواند. ^۲ در طریق کامل به خردمندی رفتار خواهم نمود. نزد من کی خواهی آمد؟ در خانه خود با دل سلیم سالک خواهم شد. ^۳ چیزی بد را پیش نظر خود نخواهم گذاشت. کار بچ روان را مکروه می دارم، به من نخواهد چسبید. ^۴ دل بچ از من دور خواهد شد. شخص شریر را نخواهم شناخت. ^۵ کسی را که در خفیه به همسایه خود غیبت گوید، هلاک خواهم کرد. کسی را که چشم بلند و دل متکبر دارد تحمل نخواهم کرد. ^۶ چشمانم بر امنای زمین است تا بامن ساکن شوند. کسی که به طریق کامل سالک باشد خادم من خواهد بود. ^۷ حيله گر در خانه من ساکن نخواهد شد. دروغ گو پیش نظر من نخواهد ماند. ^۸ همه شریان زمین را صبحگاهان هلاک خواهم کرد. تاجمیع بدکاران را از شهر خداوند منقطع سازم.

۱۰۲

دعا در پریشانی

دعای مسکین وقتی که پریشان حال شده، ناله خود را به حضور یهوه می ریزد ^۱ ای خداوند دعای مرا بشنو، و فریاد من نزد تو برسد. ^۲ در روز تنگی ام روی خود را از من مپوشان. گوش خود را به من فراگیر، و

روزی که بخوانم مرا به زودی اجابت فرما. ^۳ زیرا روزهایم مثل دود تلف شد و استخوانهایم مثل هیزم سوخته گردید. ^۴ دل من مثل گیاه زده شده و خشک گردیده است زیرا خوردن غذای خود را فراموش می‌کنم. ^۵ به سبب آواز ناله خود، استخوانهایم به گوشت من چسبیده است. ^۶ مانند مرغ سقای صحرا شده، و مثل بوم خرابه‌ها گردیده‌ام. ^۷ پاسبانی می‌کنم و مثل گنجشک بر پشت بام، منفرد گشته‌ام. ^۸ تمامی روز دشمنانم مرا سرزنش می‌کنند و آنانی که بر من دیوانه شده‌اند مرا لعنت می‌نمایند. ^۹ زیرا خاکستر را مثل نان خورده‌ام و مشروب خود را با اشک آمیخته‌ام، ^{۱۰} به سبب غضب و خشم تو زیرا که مرا برافراشته و به زیر افکنده‌ای. ^{۱۱} روزهایم مثل سایه زوال پذیر گردیده و من مثل گیاه پژمرده شده‌ام.

^{۱۲} لیکن توای خداوند جلوس فرموده‌ای تا ابد الابد! و ذکر تو تا جمیع نسل هاست! ^{۱۳} تو برخاسته، بر صهیون ترحم خواهی نمود زیرا وقتی است که بر او رفت کنی و زمان معین رسیده است. ^{۱۴} چونکه بندگان تو در سنگهای وی رغبت دارند و بر خاک او شفقت می‌نمایند. ^{۱۵} پس امتهای از نام خداوند خواهند ترسید و جمیع پادشاهان جهان از کبریایی تو. ^{۱۶} زیرا خداوند صهیون را بنا نموده، و در جلال خود ظهور فرموده است. ^{۱۷} به دعای مسکینان توجه نموده، و دعای ایشان را خوار نشمرده است. ^{۱۸} این برای نسل آینده نوشته می‌شود تا قومی که آفریده خواهند شد خداوند را تسبیح بخوانند. ^{۱۹} زیرا که از بلندی قدس خود نگرسته، خداوند از آسمان بر زمین نظر افکنده است. ^{۲۰} تا ناله اسیران را بشنود و آنانی را که به موت سپرده شده‌اند آزاد نماید. ^{۲۱} تا نام خداوند را در صهیون ذکر نمایند و تسبیح او را در اورشلیم، ^{۲۲} هنگامی که قوم‌ها با هم جمع شوند و ممالک نیز تا خداوند را عبادت نمایند.

^{۲۳} توانایی مرا در راه ناتوان ساخت و روزهای مرا کوتاه گردانید. ^{۲۴} گفتم ای خدای من مرا در نصف روزهایم برمدار. سالهای تو تا جمیع

نسل‌ها است. ۲۵ از قدیم بنیاد زمین را نهادی و آسمان‌ها عمل دست‌های تو است. ۲۶ آنها فانی می‌شوند، لیکن تو باقی هستی و جمیع آنها مثل جامه مندرس خواهند شد. و مثل ردا آنها را تبدیل خواهی کرد و مبدل خواهند شد. ۲۷ لیکن تو همان هستی و سالهای تو تمام نخواهد گردید. ۲۸ فرزندان بندگانت باقی خواهند ماند و ذریت ایشان در حضور تو پایدار خواهند بود.

۱۰۳

ستایش خدا

مزبور داود

۱ ای جان من خداوند را متبارک بخوان! و هرچه در درون من است نام قدوس او را متبارک خواند. ۲ ای جان من خداوند را متبارک بخوان! و جمیع احسان‌های او را فراموش مکن! ۳ که تمام گناهانت را می‌آمرزد و همه مرض‌های تو را شفا می‌بخشد. ۴ که حیات تو را از هابویه فدیه می‌دهد و تاج رحمت و رافت را بر سر تو می‌نهد. ۵ که جان تو را به چیزهای نیکو سیر می‌کند تا جوانی تو مثل عقاب تازه شود.

۶ خداوند عدالت را به‌جا می‌آورد و انصاف را برای جمیع مظلومان. ۷ طریق‌های خویش را به موسی تعلیم داد و عمل‌های خود را به بنی اسرائیل. ۸ خداوند رحمان و کریم است دیرغضب و بسیاررحیم. ۹ تا به ابد محاکمه نخواهد نمود و خشم را همیشه نگاه نخواهد داشت. ۱۰ باما موافق گاهان ما عمل ننموده، و به ما به حسب خطیای ما جزان داده است. ۱۱ زیرا آنقدر که آسمان از زمین بلندتر است، به همان قدر رحمت او بر ترسندگانش عظیم است. ۱۲ به اندازه‌ای که مشرق از مغرب دور است، به همان اندازه گاهان ما را از ما دور کرده است. ۱۳ چنانکه پدر بر فرزندان خود رؤوف است همچنان خداوند بر ترسندگان خود رافت می‌نماید. ۱۴ زیرا جبلت ما را می‌داند و یاد می‌دارد که ما خاک هستیم. ۱۵ و اما انسان، ایام او مثل گیاه

است، مثل گل صحرا همچنان می شکند. ۱۶ زیرا که باد بر آن می وزد و نابود می گردد و مکانش دیگر آن را نمی شناسد.

۱۷ لیکن رحمت خداوند بر ترسندگانش ازاله تا ابدالابد است و عدالت او بر فرزندان فرزندان. ۱۸ بر آنانی که عهد او را حفظ می کنند و فریاض او را یاد می دارند تا آنها را به جا آورند. ۱۹ خداوند تخت خود را بر آسمانها استوار نموده، و سلطنت او بر همه مسلط است. ۲۰ خداوند را متبارک خوانید، ای فرشتگان او که در قوت زور آورید و کلام او را به جا می آورید و آواز کلام او را گوش می گیرید! ۲۱ ای جمیع لشکرهای او خداوند را متبارک خوانید! وای خادمان او که اراده او را بجای می آورید! ۲۲ ای همه کارهای خداوند او را متبارک خوانید! در همه مکان های سلطنت او. ای جان من خداوند را متبارک بخوان!

۱۰۴

ستایش خداوند

۱ ای جان من، خداوند را متبارک بخوان! ای یهوه خدای من تویی نهایت عظیم هستی! به عزت و جلال ملبس هستی. ۲ خویشتن را به نور مثل ردا پوشانیده ای.

۳ آن که غرفات خود را بر آنها بنا کرده است و ابرها را مرکب خود نموده و بر بالهای باد می خرامد. ۴ فرشتگان خود را بادها می گرداند و خادمان خود را آتش مشتعل. ۵ که زمین را بر اساسش استوار کرده، تا جنبش نخورد تا ابدالابد. ۶ آن را به لجه ها مثل ردا پوشانیده ای، که آنها بر کوهها ایستاده اند. ۷ از عتاب تو می گریزند. از آواز رعد تو پراکنده می شوند. ۸ به فراز کوهها برمی آیند، و به هموارها فرود می آیند، به مکانی که برای آنها مهیا ساخته ای. ۹ حدی برای آنها قرار داده ای که از آن نگذرند و برنگردند تا زمین را پوشانند. ۱۰ که چشمه ها را در وادیا جاری می سازد تا در میان کوهها روان بشوند. ۱۱ تمام حیوانات صحرا را سیراب می سازند تا گورخران تشنگی خود را فرو نشانند. ۱۲ بر آنها مرغان هوا ساکن می شوند

واز میان شاخه‌ها آواز خود را می‌دهند. ۱۳ او از غرافات خود کوهها را سیراب می‌کند و از ثمرات اعمال تو زمین سیر می‌شود.

۱۴ نباتات را برای بهایم می‌رویاند و سبزه‌ها را برای خدمت انسان، و نان را از زمین بیرون می‌آورد. ۱۵ و شراب را که دل انسان را شادمان می‌کند، و چهره او را به روغن شاداب می‌سازد و دل انسان را به نان قوی می‌گرداند. ۱۶ درختان خداوند شادابند، یعنی سروهای آزاد لبنان که غرس کرده است، ۱۷ که در آنها مرغان آشیانه‌های خود را می‌گیرند و اما صنوبر خانه لق لق می‌باشد. ۱۸ کوههای بلند برای بزه‌های کوهی و صخره‌ها برای یربوع ملجاء است. ۱۹ ماه را برای موسم‌ساخت و آفتاب مغرب خود را می‌داند.

۲۰ تاریکی می‌سازی و شب می‌شود که در آن همه حیوانات جنگلی راه می‌روند. ۲۱ شیربچگان برای شکار خود غرش می‌کنند و خوراک خویش را از خدا می‌جویند. ۲۲ چون آفتاب طلوع می‌کند جمع می‌شوند و در بیشه‌های خود می‌خوابند. ۲۳ انسان برای عمل خود بیرون می‌آید و به جهت شغل خویش تا شامگاه.

۲۴ ای خداوند اعمال تو چه بسیار است. جمیع آنها را به حکمت کرده‌ای. زمین از دولت تو پر است. ۲۵ و آن دریای بزرگ و وسیع الاطراف نیز که در آن حشرات از حد شماره زیاده‌اند و حیوانات خرد و بزرگ. ۲۶ و در آن کشتی‌ها راه می‌روند و آن لویاتان که به جهت بازی کردن در آن آفریده‌ای. ۲۷ جمیع اینها از تو انتظار می‌کشند تا خوراک آنها را در وقتش برسانی. ۲۸ آنچه را که به آنها می‌دهی، فرا می‌گیرند. دست خود را باز می‌کنی، پس از چیزهای نیکو سیر می‌شوند. ۲۹ روی خود را می‌پوشانی پس مضطرب می‌گردند. روح آنها را قبض می‌کنی، پس می‌میرند و به خاک خود برمی‌گردند. ۳۰ چون روح خود را می‌فرستی، آفریده می‌شوند و روی زمین را تازه می‌گردانی.

۳۱ جلال خداوند تا ابد الابد است. خداوند از اعمال خود راضی خواهد

بود. ۳۲ که به زمین نگاه می کند و آن می لرزد. کوهها را لمس می کند، پس آتش فشان می شوند. ۳۳ خداوند را خواهم سرایید تا زنده می باشم. برای خدای خود تسبیح خواهم خواند تا وجود دارم. ۳۴ تفکر من او را لذیذ بشود و من در خداوند شادمان خواهم بود. ۳۵ گاهکاران از زمین نابود گردند و شریان دیگر یافت نشوند. ای جان من، خداوند را متبارک بخوان! هلولیاه!

۱۰۵

کارهای خدا برای قوم او

۱ یهوه را حمد گوید و نام او را بخوانید. اعمال او را در میان قوم ها اعلام نمایید. ۲ او را بسرایید برای او تسبیح بخوانید. در تمام کارهای عجیب او تفکر نمایید. ۳ در نام قدوس او تفر کنید. دل طالبان خداوند شادمان باشد. ۴ خداوند وقوت او را بطلبید. روی او را پیوسته طالب باشید. ۵ کارهای عجیب را که او کرده است به یاد آورید. آیات او و داوریهای دهان او را. ۶ ای ذریت بنده او ابراهیم! ای فرزندان یعقوب، برگزیده او! ۷ یهوه خدای ماست. داوریهای او در تمامی جهان است. ۸ عهد خود را یاد می دارد تا ابدالابد و کلامی را که بر هزاران پشت فرموده است. ۹ آن عهدی را که با ابراهیم بسته و قسمی را که برای اسحاق خورده است. ۱۰ و آن را برای یعقوب فریضه ای استوار ساخت و برای اسرائیل عهد جاودانی. ۱۱ و گفت که زمین کنعان را به تو خواهم داد تا حصه میراث شما شود. ۱۲ هنگامی که عددی معدود بودند، قلیل العدد و غربا در آنجا. ۱۳ و از امتی تا امتی سرگردان می بودند و از یک مملکت تا قوم دیگر. ۱۴ و نگذاشت که کسی بر ایشان ظلم کند بلکه پادشاهان را به خاطر ایشان توییح نمود ۱۵ که بر مسیحان من دست مگذارید. و انبیای مرا ضرمررسانید. ۱۶ پس قطعی را بر آن زمین خواند و تمامی قوام نان را شکست، ۱۷ و مردی

پیش روی ایشان فرستاد، یعنی یوسف را که او را به غلامی فروختند. ۱۸ پایهای وی را به زنجیرها خستند و جان او در آهن بسته شد ۱۹ تا وقتی که سخن او واقع شد. و کلام خداوند او را امتحان نمود. ۲۰ آنگاه پادشاه فرستاده، بندهای او را گشاد و سلطان قومها او را آزاد ساخت. ۲۱ او را بر خانه خود حاکم قرار داد و مختار بر تمام مایملک خویش. ۲۲ تا به اراده خود سروران او را بند نماید و مشایخ او را حکمت آموزد.

۲۳ پس اسرائیل به مصر درآمدند و یعقوب در زمین حام غربت پذیرفت. ۲۴ و او قوم خود را به غایت بارور گردانید و ایشان را از دشمنان ایشان قوی تر ساخت. ۲۵ لیکن دل ایشان را برگردانید تا بر قوم او کینه ورزند و بر بندگان وی حيله نمایند. ۲۶ بنده خود موسی را فرستاد و هارون را که برگزیده بود. ۲۷ کلمات و آیات او را در میان ایشان اقامه کردند و عجایب او را در زمین حام. ۲۸ ظلمت را فرستاد که تاریک گردید. پس به کلام او مخالفت نورزیدند. ۲۹ آبهای ایشان را به خون مبدل ساخت و ماهیان ایشان را میرانید. ۳۰ زمین ایشان غوکها را به ازدحام پیدا نمود، حتی در حرهای پادشاهان ایشان.

۳۱ او گفت و انواع مگسها پدید آمد و پشه هادر همه حدود ایشان. ۳۲ تگرگ را به عوض باران بارانید و آتش مشتعل را در زمین ایشان. ۳۳ موها و انجیرهای ایشان را زد و درختان محال ایشان را بشکست. ۳۴ او گفت و ملخ پدید آمد و کرما از حد شماره افزون. ۳۵ و هر سهم را در زمین ایشان بخوردند و میوه های زمین ایشان را خوردند. ۳۶ و جمیع نخست زادگان را در زمین ایشان زد، اوائل تمامی قوت ایشان را. ۳۷ و ایشان را با طلا و نقره بیرون آورد که در اسباط ایشان یکی ضعیف نبود. ۳۸ مصریان از بیرون رفتن ایشان شاد بودند زیرا که خوف ایشان بر آنها مستولی گردیده بود. ۳۹ ابری برای پوشش گسترانید و آتشی که شامگاه روشنائی دهد. ۴۰ سوال کردند پس سلوی برای ایشان فرستاد و ایشان را از نان آسمان

سیرگردانید. ۴۱ صخره را بشکافت و آب جاری شد؛ در جایهای خشک مثل نهر روان گردید. ۴۲ زیرا کلام مقدس خود را به یاد آورد و بنده خویش ابراهیم را. ۴۳ و قوم خود را با شادمانی بیرون آورد و برگزیدگان خویش را با ترنم. ۴۴ و زمینهای امتهای را بدیشان داد و زحمت قومها را وارث شدند. ۴۵ تا آنکه فرایض او را نگاه دارند و شریعت او را حفظ نمایند. هلولویاه!

۱۰۶

رحمت خداوند برای قوم خود

۱ هلولویاه! خداوند را حمد بگویید زیرا که او نیکو است و رحمت او تا ابد الابد! ۲ کیست که اعمال عظیم خداوند را بگوید و همه تسبیحات او را بشنواند؟

۳ خوشبحال آنانی که انصاف را نگاه دارند و آن که عدالت را در همه وقت به عمل آورد. ۴ ای خداوند مرا یاد کن به رضامندی که با قوم خودمی داری و به نجات خود از من تفقد نما. ۵ تا سعادت برگزیدگان تو را ببینم و به شادمانی قوم تو مسرور شوم و با میراث تو نخر نمایم.

۶ با پدران خود گناه نموده ایم و عصیان ورزیده، شرارت کرده ایم. ۷ پدران ما کارهای عجیب تو را در مصر نفهمیدند و کثرت رحمت تو را به یاد نیاوردند بلکه نزد دریا یعنی بحر قلزم فتنه انگیز شدند. ۸ لیکن به خاطر اسم خود ایشان را نجات داد تا توانایی خود را اعلان نماید. ۹ و بحر قلزم را عتاب کرد که خشک گردید. پس ایشان را در لجهها مثل بیابان رهبری فرمود. ۱۰ و ایشان را از دست دشمن نجات داد و از دست خصم رهائی بخشید. ۱۱ و آب، دشمنان ایشان را پوشانید که یکی از ایشان باقی نماند. ۱۲ آنگاه به کلام او ایمان آوردند و حمد او را سراییدند. ۱۳ لیکن اعمال او را به زودی فراموش کردند و مشورت او را انتظار نکشیدند. ۱۴ بلکه شهوت پرستی

نمودند در بادیه؛ و خدا را امتحان کردند در هامون. ۱۵ و مسالت ایشان را بدیشان داد. لیکن لاغری در جانهای ایشان فرستاد.

۱۶ پس به موسی در اردو حسد بردند و به هارون، مقدس یهوه.

۱۷ و زمین شکافته شده، داتان را فرو برد و جماعت ایبرام را پوشانید.

۱۸ و آتش، در جماعت ایشان افروخته شده، شعله آتش شیران را سوزانید.

۱۹ گوساله‌ای در حوریب ساختند و بتی ریخته شده را پرستش نمودند. ۲۰ و جلال خود را تبدیل نمودند به مثال گاوی که علف می خورد. ۲۱ و خدای نجات دهنده خود را فراموش کردند که کارهای عظیم در مصر کرده بود.

۲۲ و اعمال عجیبه را در زمین حام و کارهای ترسناک را در بحر قلزم.

۲۳ آنگاه گفت که ایشان را هلاک بکند. اگر برگزیده او موسی در شکاف به حضور وی نمی ایستاد، تاغضب او را از هلاکت ایشان برگرداند. ۲۴ و زمین مرغوب را خوار شمردند و به کلام وی ایمان نیاوردند. ۲۵ و در خیمه های خود همه کردند و قول خداوند را استماع ننمودند. ۲۶ لهذا دست خود را برایشان برافراشت، که ایشان را در صحرا از پا درآورد. ۲۷ و ذریت ایشان را در میان امتهای پندازد و ایشان را در زمینها پراکنده کند. ۲۸ پس به بلع فغور پیوستند و قربانی های مردگان را خوردند. ۲۹ و به کارهای خود خشم او را به هیجان آوردند و وبا بر ایشان سخت آمد.

۳۰ آنگاه فینحاس بر پا ایستاده، داوری نمود و وبا برداشته شد. ۳۱ و این برای او به عدالت محسوب گردید، نسلا بعد نسل تا ابد الابد. ۳۲ و او را نزد آب مریبه غضبناک نمودند. حتی موسی را به خاطر ایشان آزاری عارض گردید. ۳۳ زیرا که روح او را تلخ ساختند، تا از لبهای خود ناسزا گفت.

۳۴ و آن قوم ها را هلاک نکردند، که درباره ایشان خداوند امر فرموده بود.

۳۵ بلکه خویشان را با امتهای آمیختند و کارهای ایشان را آموختند. ۳۶ و بتهای ایشان را پرستش نمودند تا آنکه برای ایشان دام گردید. ۳۷ و پسران و دختران خویش را برای دیوها قربانی گذرانیدند. ۳۸ و خون بی گناه را ریختند یعنی خون پسران و دختران خود را که آن را برای بتهای کنعان ذبح کردند

وزمین از خون ملوث گردید. ۳۹ و از کارهای خود نجس شدند و در افعال خویش زناکار گردیدند. ۴۰ لہذا خشم خداوند بر قوم خود افروخته شد و میراث خویش را مکروه داشت. ۴۱ و ایشان را به دست امّتها تسلیم نمود تا آنانی که از ایشان نفرت داشتند، بر ایشان حکمرانی کردند. ۴۲ و دشمنان ایشان بر ایشان ظلم نمودند و زیر دست ایشان ذلیل گردیدند. ۴۳ بارهای بسیار ایشان را خلاصی داد. لیکن به مشورت‌های خویش بر او فتنه کردند و به سبب نگاه خویش خوار گردیدند.

۴۴ با وجود این، بر تنگی ایشان نظر کرد، وقتی که فریاد ایشان را شنید. ۴۵ و به خاطر ایشان، عہد خود را به یاد آورد و در کثرت رحمت خویش بازگشت نمود. ۴۶ و ایشان را حرمت داد، در نظر جمیع اسیرکنندگان ایشان. ۴۷ ای یہوہ خدای ما، ما را نجات ده! و ما را از میان امّتها جمع کن! تا نام قدوس تو را حمد گوئیم و در تسبیح تو نغمائیم. ۴۸ یہوہ خدای اسرائیل متبارک باد از ازل تا ابد الاباد. و تمامی قوم بگویند آمین. ہللوایہ!

۱۰۷

ستایش نیکویی خداوند

۱ خداوند را حمد بگوئید زیرا کہ اونیکو است و رحمت او باقی است تا ابد الاباد. ۲ فدیہ شدگان خداوند این را بگویند کہ ایشان را از دست دشمن فدیہ داده است. ۳ و ایشان را از بلدان جمع کردہ، از مشرق و مغرب و از شمال و جنوب. ۴ در صحرا آوارہ شدند و در بادیه‌ای بی طریق و شهری برای سکونت نیافتند. ۵ گرسنہ و تشنہ نیز شدند و جان ایشان در ایشان مستمند گردید. ۶ آنگاہ در تنگی خود نزد خداوند فریاد بر آوردند و ایشان را از تنگی‌های ایشان رہایی بخشید. ۷ و ایشان را بہ راہ مستقیم رہبری نمود، تا بہ شهری مسکون درآمدند.

۸ پس خداوند را بہ سبب رحمتش تشکر نمائید و بہ سبب کارهای عجیب وی با بنی آدم. ۹ زیرا کہ جان آرزومند را سیر گردانید و جان گرسنہ را

از چیزهای نیکو پر ساخت. ۱۰ آنانی که در تاریکی و سایه موت نشسته بودند، که در مذلت و آهن بسته شده بودند. ۱۱ زیرا به کلام خدا مخالفت نمودند و به نصیحت حضرت اعلی اهانت کردند. ۱۲ و او دل ایشان را به مشقت ذلیل ساخت. بلغزیدند و مدد کننده‌ای نبود. ۱۳ آنگاه در تنگی خود نزد خداوند فریاد برآوردند و ایشان را از تنگیهای ایشان رهایی بخشید. ۱۴ ایشان را از تاریکی و سایه موت بیرون آورد و بندهای ایشان را بگسست. ۱۵ پس خداوند را به سبب رحمتش تشکر نمایند و به سبب کارهای عجیب او با بنی آدم. ۱۶ زیرا که دروازه‌های برنجین را شکسته، و بندهای آهنین را پاره کرده است. ۱۷ احقان به سبب طریق شیرانه خود و به سبب گاهان خویش، خود را ذلیل ساختند. ۱۸ جان ایشان هر قسم خوراک را مکروه داشت و به دروازه‌های موت نزدیک شدند. ۱۹ آنگاه در تنگی خود نزد خداوند فریاد برآوردند و ایشان را از تنگیهای ایشان رهایی بخشید. ۲۰ کلام خود را فرستاده، ایشان را شفا بخشید و ایشان را از هلاکتهای ایشان رهایی بخشید.

۲۱ پس خداوند را به سبب رحمتش تشکر نمایند و به سبب کارهای عجیب او با بنی آدم. ۲۲ و قربانی‌های تشکر را بگذرانند و اعمال وی را به ترنم ذکر کنند. ۲۳ آنانی که در کشتیها به دریافتند، و در آبهای کثیر شغل کردند. ۲۴ اینان کارهای خداوند را دیدند و اعمال عجیب او را در لجه‌ها. ۲۵ او گفت پس باد تند را وزانید و امواج آن را برافراشت. ۲۶ به آسمانها بالا رفتند و به لجه‌ها فرود شدند و جان ایشان از سخنی گداخته گردید. ۲۷ سرگردان گشته، مثل مستان افتان و خیزان شدند و عقل ایشان تمام حیران گردید. ۲۸ آنگاه در تنگی خود نزد خداوند فریاد برآوردند و ایشان را از تنگیهای ایشان رهایی بخشید. ۲۹ طوفان را به آرامی ساکت ساخت که موجهایش ساکن گردید. ۳۰ پس مسرور شدند زیرا که آسایش یافتند و ایشان را به بندر مراد ایشان رسانید.

۳۱ پس خداوند را به سبب رحمتش تشکر نمایند و به سبب کارهای عجیب

او با بنی آدم. ۳۲ و او را در مجمع قوم متعال بخوانند و در مجلس مشایخ او را تسبیح بگویند. ۳۳ او نهرها را به بادیه مبدل کرد و چشمه های آب را به زمین تشنه. ۳۴ و زمین بارور را نیز به شوره زار، به سبب شرارت ساکنان آن. ۳۵ بادیه را به دریاچه آب مبدل کرد و زمین خشک را به چشمه های آب.

۳۶ و گرسنگان را در آنجا ساکن ساخت تا شهری برای سکونت بنا نمودند. ۳۷ و مزرعه ها کاشتند و تا کستانها غرس نمودند و حاصل غله به عمل آوردند. ۳۸ و ایشان را برکت داد تا به غایت کثیر شدند و بهایم ایشان را نگذارد کم شوند. ۳۹ و باز کم گشتند و ذلیل شدند، از ظلم و شقاوت و حزن. ۴۰ ذلت را بر روسا می ریزد و ایشان را در بادیه ای که راه ندارد آواره می سازد. ۴۱ اما مسکین را از مشقتش برمی افروزد و قبیله ها را مثل گله ها برایش پیدا می کند. ۴۲ صالحان این را دیده، شادمان می شوند و تمامی شرارت دهان خود را خواهد بست. ۴۳ کیست خردمند تا بدین چیزها تفکر نماید؟ که ایشان رحمت های خداوند را خواهند فهمید.

۱۰۸

طلب کمک علیه دشمنان

سرود و مزمور داود

۱ ای خدا دل من مستحکم است. من خواهم سرایید و ترنم خواهم نمود و جلال من نیز. ۲ ای عود و بربط بیدار شوید! من نیز در سحرگاه بیدار خواهم شد. ۳ ای خداوند، تو را در میان قوم ها حمد خواهم گفت و در میان طایفه ها تو را خواهم سرایید. ۴ زیرا که رحمت تو عظیم است، فوق آسمانها! و راستی تو تا افلاک می رسد! ۵ ای خدا، بر فوق آسمانها متعال باش و جلال تو بر تمامی زمین! ۶ تا محبوبان تو خلاصی یابند. به دست راست خود نجات ده و مرا اجابت فرما.

۷ خدا در قدوسیت خود سخن گفته است، پس وجد خواهم نمود. شکیم را تقسیم می کنم و وادی سکوت را خواهم پیبود. ۸ جلعاد از آن من است و منسی از آن من. و افرایم خود سر من. و یهودا عصای سلطنت من. ۹ موآب ظرف شست و شوی من است، و بر ادوم نعلین خود را خواهم انداخت و بر فلسطین نخر خواهم نمود. ۱۰ کیست که مرا به شهر حصین درآورد؟ کیست که مرا به ادوم رهبری نماید؟ ۱۱ آیانه توای خدا که ما را ترک کرده ای؟ و توای خدا که بالشکرهای ما بیرون نمی آیی؟ ۱۲ ما را بر دشمن امداد فرما، زیرا که مدد انسان باطل است. ۱۳ در خدا با شجاعت کار خواهیم کرد و او دشمنان ما را پایمال خواهد نمود.

۱۰۹

شکایت مرد رنج دیده

برای سالار مغنیان. مزبور داودای

۱ خدای تسبیح من، خاموش مباش! ۲ زیرا که دهان شرارت و دهان فریب را بر من گشوده اند، و به زبان دروغ بر من سخن گفته اند. ۳ به سخنان کینه مرا احاطه کرده اند و بی سبب با من جنگ نموده اند. ۴ به عوض محبت من، با من مخالفت می کنند، و اما من دعا. ۵ و به عوض نیکویی به من بدی کرده اند. و به عوض محبت، عداوت نموده. ۶ مردی شریر را براو بگزار، و دشمن به دست راست او بایستد. ۷ هنگامی که در محاکمه بیاید، خطا کار بیرون آید و دعای او گناه بشود. ۸ ایام عمرش کم شود و منصب او را دیگری ضبط نماید. ۹ فرزندان او یتیم بشوند و زوجه وی بیوه گردد. ۱۰ و فرزندان او آواره شده، گدایی بکنند و از خرابه های خود قوت را بجویند. ۱۱ طلبکار تمامی مایملک او را ضبط نماید و اجنبیان محنت او را تاراج کنند. ۱۲ کسی نباشد که بر او رحمت کند و بر یتیمان وی احدی رفت نماید. ۱۳ ذریت وی منقطع گردند و در طبقه بعد نام ایشان محو

شود. ۱۴ عصیان پدرانش نزد خداوند به یاد آورده شود و نگاه مادرش محو نگردد. ۱۵ و آنها در مد نظر خداوند دائم بماند تا یادگاری ایشان را از زمین ببرد. ۱۶ زیرا که رحمت نمودن را به یاد نیاورد، بلکه بر فقیر و مسکین جفا کرد و بر شکسته دل تا او را به قتل رساند. ۱۷ چون که لعنت را دوست می‌داشت بدو رسیده و چون که برکت را نمی‌خواست، از او دور شده است. ۱۸ و لعنت را مثل ردای خود در بر گرفت و مثل آب به شکمش درآمد و مثل روغن در استخوانهای وی. ۱۹ پس مثل جامه‌ای که او را می‌پوشاند، و چون کمرندی که به آن همیشه بسته می‌شود، خواهد بود. ۲۰ این است اجرت مخالفانم از جانب خداوند و برای آنانی که بر جان من بدی می‌گویند.

۲۱ اما تو ای یهوه خداوند به خاطر نام خود با من عمل نما؛ چون که رحمت تو نیکوست، مرا اخلاصی ده. ۲۲ زیرا که من فقیر و مسکین هستم و دل من در اندرونی مجروح است. ۲۳ مثل سایه‌ای که در زوال باشد رفته‌ام و مثل ملخ رانده شده‌ام. ۲۴ زانوهایم از روزه داشتن می‌لرزد و گوشتم از فریبی کاهیده می‌شود. ۲۵ و من نزد ایشان عار گردیده‌ام. چون مرا می‌بینند سر خود را می‌جنبانند. ۲۶ ای یهوه خدای من مرا اعانت فرما، و به حسب رحمت خود مرا نجات ده، ۲۷ تا بدانند که این است دست تو، و تو ای خداوند این را کرده‌ای. ۲۸ ایشان لعنت بکنند، اما تو برکت بده. ایشان بر خیزند و نجمل گردند و اما بنده توشادمان شود. ۲۹ جفا کنندگانم به رسوایی ملبس شوند و نجالت خویش را مثل ردا بپوشند. ۳۰ خداوند را به زبان خود بسیار تشکر خواهم کرد و او را در جماعت کثیر حمد خواهم گفت. ۳۱ زیرا که به دست راست مسکین خواهد ایستاد تا او را از آنانی که بر جان او فتوا می‌دهند برهاند.

مزموور داود

۱ یهوه به خداوند من گفت: «به دست راست من بنشین تا دشمنانت را پای انداز تو سازم»، ۲ خداوند عصای قوت تو را از صهیون خواهد فرستاد. در میان دشمنان خود حکمرانی کن. ۳ قوم تو در روز قوت تو، هدایای تبرعی می‌باشند. در زینتهای قدوسیت، شبنم جوانی تو از رحم صحرگاه برای توست. ۴ خداوند قسم خورده است و پشیمان نخواهد شد که «تو کاهن هستی تا ابدالاباد، به رتبه ملک‌یصدق»، ۵ خداوند که به دست راست توست؛ در روز غضب خود پادشاهان را شکست خواهد داد. ۶ در میان امتهای داوری خواهد کرد. از لاشها پر خواهد ساخت و سر آنها را در زمین وسیع خواهد کوبید. ۷ از نهر سر راه خواهد نوشید. بنابراین سر خود را برخواهد افراشت.

۱۱۱

رحمت خداوند

۱ هلولویاه! خداوند را به تمامی دل حمد خواهم گفت، در مجلس راستان و در جماعت. ۲ کارهای خداوند عظیم است، و همگانی که به آنها رغبت دارند در آنها تفتیش می‌کنند. ۳ کار او جلال و کبریایی است و عدالت وی پایدار تا ابدالاباد. ۴ یادگاری برای کارهای عجیب خود ساخته است. خداوند کریم و رحیم است. ۵ ترسندگان خود را رزقی نیکوداده است. عهد خویش را به یاد خواهد داشت تا ابدالاباد. ۶ قوت اعمال خود را برای قوم خود بیان کرده است تا میراث آنها را بدیشان عطا فرماید. ۷ کارهای دستهای راستی و انصاف است و جمیع فرائض وی امین. ۸ آنها پایدار است تا ابدالاباد. در راستی و استقامت کرده شده. ۹ فدیهای برای قوم خود فرستاد و عهد خویش را تا ابد امر فرمود. نام او قدوس و مهیب است. ۱۰ ترس خداوند ابتدای حکمت است. همه عاملین آنها را خردمندی نیکو است. حمد او پایدار است تا ابدالاباد.

۱۱۲

سعادت شخص خدا ترس

۱ هلولویه! خوشبحال کسی که از خداوند می ترسد و در وصایای او بسیار رغبت دارد. ۲ ذریتش در زمین زور آور خواهند بود. طبقه راستان مبارک خواهند شد. ۳ توانگری و دولت در خانه او خواهد بود و عدالتش تا به ابد پایدار است. ۴ نور برای راستان در تاریکی طلوع می کند. او کریم و رحیم و عادل است. ۵ فرخنده است شخصی که رؤف و قرض دهنده باشد. او کارهای خود را به انصاف استواری دارد. ۶ زیرا که تا به ابد جنبش نخواهد خورد. مرد عادل تا به ابد مذکور خواهد بود. ۷ از خبر بد نخواهد ترسید. دل او پایدار است و بر خداوند توکل دارد. ۸ دل او استوار است و نخواهد ترسید تا آرزوی خویش را بر دشمنان خود ببیند. ۹ بذل نموده، به فقرا بخشیده است؛ عدالتش تا به ابد پایدار است. شاخ او با عزت افراشته خواهد شد. ۱۰ شیر این را دیده، غضبناک خواهد شد. دندانهای خود را فشرده، گداخته خواهد گشت. آرزوی شیران زایل خواهد گردید.

۱۱۳

محبت خداوند

۱ هلولویه! ای بندگان خداوند، تسبیح بخوانید. نام خداوند را تسبیح بخوانید. ۲ نام خداوند متبارک باد، از الان تا ابد الابد. ۳ از مطلع آفتاب تا مغرب آن، نام خداوند را تسبیح خوانده شود. ۴ خداوند بر جمیع امتها متعال است و جلال وی فوق آسمانها. ۵ کیست مانند یهوه خدای ما که بر اعلیٰ علین نشسته است؟ ۶ و متواضع می شود تا نظر نماید بر آسمانها و بر زمین. ۷ که مسکین را از خاک برمی دارد و فقیر را از مزبله برمی افرازد. ۸ تا او را با بزرگان بنشانند یعنی با بزرگان قوم خویش. ۹ زن نازاد را خانه نشین می سازد و مادر فرحناک فرزندان. هلولویه!

۱۱۴

سرود فصیح

۱ وقتی که اسرائیل از مصر بیرون آمدند، و خاندان یعقوب از قوم اجنبی زبان، ۲ یهودا مقدس او بود و اسرائیل محل سلطنت وی. ۳ دریا این را بدید و گریخت واردن به عقب برگشت. ۴ کوهها مثل قوچها به جستن درآمدند و تلها مثل بره های گله. ۵ ای دریاتورا چه شد که گریختی؟ وای اردن که به عقب برگشتی؟ ۶ ای کوهها که مثل قوچها به جستن درآمدید وای تلها که مثل بره های گله. ۷ ای زمین از حضور خداوند متزلزل شو و از حضور خدای یعقوب. ۸ که صخره را دریاچه آب گردانید و سنگ خارا را چشمه آب.

۱۱۵

در وصف خدای حقیقی

۱ ما را نی، ای خداوند! ما را نی، بلکه نام خود را جلال ده! به سبب رحمت و به سبب راستی خویش. ۲ امتهای چرا بگویند که «خدای ایشان الان کجاست؟» ۳ اما خدای ما در آسمانهاست. آنچه را که اراده نموده به عمل آورده است. ۴ بتهای ایشان نقره و طلاست، از صنعت دستهای انسان. ۵ آنها را دهان است و سخن نمی گویند. آنها را چشمهاست و نمی بینند. ۶ آنها را گوشهاست و نمی شنوند. آنها را بینی است و نمی بویند. ۷ دستها دارند و لمس نمی کنند. و پایها و راه نمی روند. و به گلوی خود تنطق نمی نمایند. ۸ سازندگان آنها مثل آنها هستند، و هر که بر آنها توکل دارد. ۹ ای اسرائیل بر خداوند توکل نما. او معاون و سپر ایشان است. ۱۰ ای خاندان هارون بر خداوند توکل نمایید. او معاون و سپر ایشان است. ۱۱ ای ترسندگان خداوند، بر خداوند توکل نمایید. او معاون و سپر ایشان است. ۱۲ خداوند ما را به یاد آورده، برکت می دهد. خاندان اسرائیل را برکت خواهد داد و خاندان هارون را برکت خواهد داد. ۱۳ ترسندگان خداوند را برکت خواهد داد، چه کوچک و چه بزرگ. ۱۴ خداوند شما را ترقی

خواهد داد، شما و فرزندان شما را. ۱۵ شما مبارک خداوند هستید که آسمان و زمین را آفرید. ۱۶ آسمانها، آسمانهای خداوند است و اما زمین را به بنی آدم عطا فرمود. ۱۷ مردگان نیستند که یاه را تسبیح می خوانند؛ و نه آنانی که به خاموشی فرو می روند. ۱۸ لیکن ما یاه را متبارک خواهیم خواند، از الان و تا ابدالابد. هلولیاه!

۱۱۶

سپاسگزاری برای رهایی

۱ خداوند را محبت می نمایم زیرا که آواز من و تضرع مرا شنیده است. ۲ زیرا که گوش خود را به من فرا داشته است، پس مدت حیات خود، او را خواهم خواند. ۳ ریسمان های موت مرا احاطه کرد و تنگیهای هاویه مرا دریافت، تنگی و غم پیدا کردم. ۴ آنگاه نام خداوند را خواندم. آه ای خداوند جان مرارهایی ده! ۵ خداوند رثوف و عادل است و خدای ما رحیم است. ۶ خداوند ساده دلان را محافظت می کند. ذلیل بودم و مرا نجات داد.

۷ ای جان من به آرامی خود برگرد، زیرا خداوند به تو احسان نموده است. ۸ زیرا که جان مرا از موت خلاصی دادی و چشمانم را از اشک و پایهایم را از لغزیدن. ۹ به حضور خداوند سالک خواهم بود، در زمین زندگان. ۱۰ ایمان آوردم پس سخن گفتم. من بسیار مستمند شدم. ۱۱ در پیریشانی خود گفتم که «جمیع آدمیان دروغ گویند.» ۱۲ خداوند را چه ادا کنم، برای همه احسانهایی که به من نموده است؟ ۱۳ پیاله نجات را خواهم گرفت و نام خداوند را خواهم خواند. ۱۴ نذرهای خود را به خداوند ادا خواهم کرد، به حضور تمامی قوم او. ۱۵ موت مقدسان خداوند در نظروی گرانها است. ۱۶ آه ای خداوند، من بنده تو هستم! من بنده تو و پسر کنیز تو هستم. بندهای مرا گشوده ای! ۱۷ قربانی های تشکر نزد تو خواهم گذرانید و نام

خداوند را خواهم خواند. ۱۸ نذرهای خود را به خداوند ادا خواهم کرد،
به حضور تمامی قوم وی، ۱۹ در صحن های خانه خداوند، در اندرون توای
اورشلیم. هلولو یاه!

۱۱۷

تسبیح خداوند

۱ ای جمیع امتها خداوند را تسبیح بخوانید! ای تمامی قبایل! اورا حمد
گویید! ۲ زیرا که رحمت او بر ما عظیم است و راستی خداوند تا ابدالاباد.
هلولو یاه!

۱۱۸

سرود پیروزی

۱ خداوند را حمد گوید زیرا که نیکوست و رحمت او تا ابدالاباد است.
۲ اسرائیل بگویند که «رحمت او تا ابدالاباد است.» ۳ خاندان هارون
بگویند که «رحمت او تا ابدالاباد است.» ۴ ترسندگان خداوند بگویند که
«رحمت او تا ابدالاباد است.»
۵ در تنگی یاه را خواندم. یاه مرا اجابت فرموده، در جای وسیع آورد.
۶ خداوند با من است، پس نخواهم ترسید. انسان به من چه تواند کرد؟
۷ خداوند برایم از مددکاران من است. پس من بر نفرت کنندگان خود
آرزوی خویش را خواهم دید. ۸ به خداوند پناه بردن بهتر است از توکل
نمودن بر آدمیان. ۹ به خداوند پناه بردن بهتر است از توکل نمودن بر امیران.
۱۰ جمیع امتها مرا احاطه کردند، لیکن به نام خداوند ایشان را هلاک خواهم
کرد. ۱۱ مرا احاطه کردند و دور مرا گرفتند، لیکن به نام خداوند ایشان
را هلاک خواهم کرد. ۱۲ مثل زنبورها مرا احاطه کردند و مثل آتش
خارها خاموش شدند. زیرا که به نام خداوند ایشان را هلاک خواهم
کرد. ۱۳ بر من سخت هجوم آوردی تا بیفتم، لیکن خداوند مرا اعانت نمود.

۱۴ خداوند قوت و سرود من است و نجات من شده است. ۱۵ آواز ترنم و نجات درخیمه های عادلان است. دست راست خداوند باشجاعت عمل می کند. ۱۶ دست راست خداوند متعال است. دست راست خداوند با شجاعت عمل می کند. ۱۷ نمی میرم بلکه زیست خواهم کرد و کارهای یاه را ذکر خواهم نمود. ۱۸ یاه مرا به شدت تنبیه نموده، لیکن مرا به موت نسپرده است. ۱۹ دروازه های عدالت را برای من بگشاید! به آنها داخل شده، یاه را حمد خواهم گفت. ۲۰ دروازه خداوند این است. عادلان بدان داخل خواهند شد. ۲۱ تو را حمد می گویم زیرا که مرا اجابت فرموده و نجات من شده ای. ۲۲ سنگی را که معماران رد کردند، همان سر زاویه شده است. ۲۳ این از جانب خداوند شده و در نظر ما عجیب است. ۲۴ این است روزی که خداوند ظاهر کرده است. در آن وجد و شادی خواهیم نمود. ۲۵ آه ای خداوند نجات بخش! آه ای خداوند سعادت عطا فرما! ۲۶ متبارک باد او که به نام خداوند می آید. شما را از خانه خداوند برکت می دهیم. ۲۷ یهوه خدایی است که ما را روشن ساخته است. ذبیحه را به ریسمانها بر شاخهای قربانگاه ببندید. ۲۸ تو خدای من هستی تو، پس تو را حمد می گویم. خدای من، تو را متعال خواهم خواند. ۲۹ خداوند را حمد گویند زیرا که نیکوست و رحمت او تا ابد الابد است.

۱۱۹

در وصف طریق و شریعت خدا

۱ خوشابۀ حال کاملان طریق که به شریعت خداوند سالکند.
 ۲ خوشابۀ حال آنانی که شهادت او را حفظ می کنند و به تمامی دل او را می طلبند. ۳ کج روی نیز نمی کنند و به طریق های وی سلوک می نمایند.
 ۴ تو وصیای خود را امر فرموده ای تا آنها را تمام نگاه داریم. ۵ کاش که راههای من مستحکم شود تا فریض تو را حفظ کنم. ۶ آنگاه نخل نخواهم

شد چون تمام اوامر تو را در مد نظر خود دارم. ۷ تو را به راستی دل حمد خواهم گفت چون داوریهای عدالت تو را آموخته شوم. ۸ فرایض تو را نگاه می‌دارم. مرا بالکلیه ترک منما.

ب

۹ به چه چیز مرد جوان راه خود را پاک می‌سازد؟ به نگاه داشتنش موافق کلام تو. ۱۰ به تمامی دل تو را طلبیدم. مگذار که از اوامر تو گمراه شوم. ۱۱ کلام تو را در دل خود مخفی داشتم که مبادا به تو نگاه ورزم. ۱۲ ای خداوند تو متبارک هستی فرایض خود را به من بیاموز. ۱۳ به لب های خود بیان کردم تمامی داوری های دهان تو را. ۱۴ در طریق شهادت تو شادمانم. ۱۵ چنانکه در هر قسم توانگری، در وصایای تو تفکر می‌کنم و به طریق های تو نگران خواهم بود. ۱۶ از فرایض تو لذت می‌برم، پس کلام تو را فراموش نخواهم کرد.

ج

۱۷ به بنده خود احسان بنما تا زنده شوم و کلام تو را حفظ نمایم. ۱۸ چشمان مرا بگشا تا از شریعت تو چیزهای عجیب بینم. ۱۹ من در زمین غریب هستم. اوامر خود را از من مخفی مدار. ۲۰ جان من شکسته می‌شود از اشتیاق داوریهای تو در هر وقت. ۲۱ متکبران ملعون را تو بیخ نمودی، که از اوامر تو گمراه می‌شوند. ۲۲ ننگ و رسوایی را از من بگردان، زیرا که شهادت تو را حفظ کرده‌ام. ۲۳ سروران نیز نشسته، به ضد من سخن گفتند. لیکن بنده تو در فرایض تو تفکر می‌کند. ۲۴ شهادت تو نیز ابتهاج من و مشورت دهندگان من بوده‌اند.

د

۲۵ جان من به خاک چسبیده است. مرا موافق کلام خود زنده ساز. ۲۶ راههای خود را ذکر کردم و مرا اجابت نمودی. پس فرایض خویش را به من بیاموز. ۲۷ طریق وصایای خود را به من بفهمان و در کارهای

عجیب تو تفکر خواهم نمود. ۲۸ جان من از حزن گداخته می‌شود. مرا موافق کلام خود برپا بدار. ۲۹ راه دروغ را از من دور کن و شریعت خود را به من عنایت فرما. ۳۰ طریق راستی را اختیار کردم و داوریهای تو را پیش خود گذاشتم. ۳۱ به شهادت تو چسبیدم. ای خداوند مرا نجمل مساز. ۳۲ در طریق اوامر تو دوان خواهم رفت، وقتی که دل مرا وسعت دادی.

۵
۳۳ ای خداوند طریق فرایض خود را به من بیاموز. پس آنها را تا به آخر نگاه خواهم داشت. ۳۴ مرا فهم بده و شریعت تو را نگاه خواهم داشت و آن را به تمامی دل خود حفظ خواهم نمود. ۳۵ مرا در سبیل اوامر خود سالک گردان زیرا که در آن رغبت دارم. ۳۶ دل مرا به شهادت خود مایل گردان و نه به سوی طمع. ۳۷ چشمانم را از دیدن بطلت برگردان و در طریق خود مرا زنده ساز. ۳۸ کلام خود را بر بنده خویش استوار کن، که به ترس تو سپرده شده است. ۳۹ ننگ مرا که از آن می‌ترسم از من دور کن زیرا که داوریهای تو نیکو است. ۴۰ هان به وصایای تو اشتیاق دارم. به حسب عدالت خود مرا زنده ساز.

و
۴۱ ای خداوند رحمهای تو به من برسد و نجات تو به حسب کلام تو. ۴۲ تا بتوانم ملامت کننده خود را جواب دهم زیرا بر کلام تو توکل دارم. ۴۳ و کلام راستی را از دهانم بالکل مگیر زیرا که به داوریهای تو امیدوارم ۴۴ و شریعت تو را دائم نگاه خواهم داشت تا ابدالاباد. ۴۵ و به آزادی راه خواهم رفت زیرا که وصایای تو را طلبیده‌ام. ۴۶ و در شهادت تو به حضور پادشاهان سخن خواهم گفت و نجمل نخواهم شد. ۴۷ و از وصایای تو تلذذ خواهم یافت که آنها را دوست می‌دارم. ۴۸ و دستهای خود را به

اوامر تو که دوست می‌دارم بر خواهم افراشت و در فرایض تو تفکر خواهم نمود.

ز

۴۹ کلام خود را با بنده خویش به یاد آور که مرا بر آن امیدوار گردانیدی. ۵۰ این در مصیبت تسلی من است زیرا قول تو مرا زنده ساخت. ۵۱ متکبران مرا بسیار استهزا کردند، لیکن از شریعت تو رو نگردانیدم. ۵۲ ای خداوند داوریهای تو را از قدیم به یاد آوردم و خویشتن را تسلی دادم. ۵۳ حدت خشم مرا در گرفته است، به سبب شریانی که شریعت تو را ترک کرده‌اند. ۵۴ فرایض تو سرودهای من گردید، در خانه غربت من. ۵۵ ای خداوند نام تو را در شب به یاد آوردم و شریعت تو را نگاه داشتم. ۵۶ این بهره من گردید، زیرا که وصایای تو را نگاه داشتم.

ح

۵۷ خداوند نصیب من است. گفتم که کلام تو را نگاه خواهم داشت. ۵۸ رضامندی تو را به تمامی دل خود طلبیدم. به حسب کلام خود بر من رحم فرما. ۵۹ در راههای خود تفکر کردم و پایهای خود را به شهادت تو مایل ساختم. ۶۰ شتابیدم و درنگ نکردم تا اوامر تو را نگاه دارم. ۶۱ ریسمانهای شریان مرا احاطه کرد، لیکن شریعت تو را فراموش نکردم. ۶۲ در نصف شب برخاستم تا تو را حمد گویم برای داوریهای عدالت تو. ۶۳ من همه ترسندگان را رفیق هستم، و آنانی را که وصایای تو را نگاه می‌دارند. ۶۴ ای خداوند زمین از رحمت تو پر است. فرایض خود را به من بیاموز.

ط

۶۵ با بنده خود احسان نمودی، ای خداوند موافق کلام خویش. ۶۶ خردمندی نیکو و معرفت را به من بیاموز زیرا که به اوامر تو ایمان

آوردم. ۶۷ قبل از آنکه مصیبت را ببینم من گمراه شدم لیکن الان کلام تو را نگاه داشتم. ۶۸ تو نیکو هستی و نیکویی می کنی. فرایض خود را به من پیاموز. ۶۹ متکبران بر من دروغ بستند. و اما من به تمامی دل و صباپای تو را نگاه داشتم. ۷۰ دل ایشان مثل پیه فربه است. و اما من در شریعت تو تلذمی یابم. ۷۱ مرا نیکو است که مصیبت را دیدم، تافریض تو را پیاموزم. ۷۲ شریعت دهان تو برای من بهتر است از هزاران طلا و نقره.

ی

۷۳ دستهای تو مرا ساخته و آفریده است. مرا فهمم گردان تا اوامر تو را پیاموزم. ۷۴ ترسندگان تو چون مرا ببینند شادمان گردند زیرا به کلام تو امیدوار هستم. ۷۵ ای خداوند دانسته ام که داوریهای تو عدل است، و برحق مرا مصیبت داده ای. ۷۶ پس رحمت تو برای تسلی من بشود، موافق کلام تو با بنده خویش. ۷۷ رحمت های توبه من برسد تا زنده شوم زیرا که شریعت تو تلذذمن است. ۷۸ متکبران نجمل شوند زیرا به دروغ مرا اذیت رسانیدند. و اما من در و صباپای تو تفکرمی کنم. ۷۹ ترسندگان توبه من رجوع کنند و آنانی که شهادت تو را می دانند. ۸۰ دل من در فرایض تو کامل شود، تا نجمل نشوم.

ک

۸۱ جان من برای نجات تو کاهیده می شود. لیکن به کلام تو امیدوار هستم. ۸۲ چشمان من برای کلام تو تار گردیده است و می گویم کی مرا تسلی خواهی داد. ۸۳ زیرا که مثل مشک در دود گردیده ام. لیکن فرایض تو را فراموش نکرده ام. ۸۴ چند است روزهای بنده تو؟ و کی بر جفا کنندگانم دآوری خواهی نمود؟ ۸۵ متکبران برای من حفره ها زدند زیرا که موافق شریعت تو نیستند. ۸۶ تمامی اوامر تو امین است. بر من ناحق جفا کردند. پس مرا امداد فرما. ۸۷ نزدیک بود که مرا از زمین نابود

سازند. اما من وصیای تو را ترک نکردم. ۸۸ به حسب رحمت خود مرا زنده ساز تا شهادت دهان تو را نگاه دارم.

ل

۸۹ ای خداوند کلام تو تا ابدالابد در آسمانها پایدار است. ۹۰ امانت تو نسلا بعد نسل است. زمین را آفریده‌ای و پایدار می‌ماند. ۹۱ برای داوریهای تو تا امروز ایستاده‌اند زیرا که همه بنده تو هستند. ۹۲ اگر شریعت تو تلذذ من نمی بود، هرآینه در مذلت خود هلاک می‌شدم. ۹۳ وصیای تو را تا به ابد فراموش نخواهم کرد زیرا به آنها مرا زنده ساخته‌ای. ۹۴ من از آن تو هستم مرا نجات ده زیرا که وصیای تو را طلبیدم. ۹۵ شیران برای من انتظار کشیدند تا مرا هلاک کنند. لیکن در شهادت تو تامل می‌کنم. ۹۶ برای هر کمالی انتهایی دیدم، لیکن حکم تویی نهایت وسیع است.

م

۹۷ شریعت تو را چقدر دوست می‌دارم.

۹۸ او امر تو مرا از دشمنانم حکیم تر ساخته است زیرا که همیشه نزد من می‌باشد. ۹۹ از جمیع معلمان خود فهمیم تر شدم زیرا که شهادت تو تفکر من است. ۱۰۰ از مشایخ خردمندتر شدم زیرا که وصیای تو را نگاه داشتم. ۱۰۱ پایهای خود را از هر راه بد نگاه داشتم تا آن که کلام تو را حفظ کنم. ۱۰۲ از داوریهای تو رو برنگردانیدم، زیرا که تو مرا تعلیم دادی. ۱۰۳ کلام تو به مذاق من چه شیرین است و به دهانم از عسل شیرین تر. ۱۰۴ از وصیای تو فطانت را تحصیل کردم. بنابراین هر راه دروغ را مکره می‌دارم.

ن

۱۰۵ کلام تو برای پایهای من چراغ، و برای راههای من نور است. ۱۰۶ قسم خوردم و آن را وفا خواهم نمود که داوریهای عدالت تو را نگاه خواهم داشت. ۱۰۷ بسیار ذلیل شده‌ام. ای خداوند، موافق کلام خود مرا

زنده ساز! ۱۰۸ ای خداوند هدایای تبرعی دهان مرا منظور فرما و داوریهای خود را به من بیاموز. ۱۰۹ جان من همیشه در کف من است، لیکن شریعت تو را فراموش نمی کنم. ۱۱۰ شیرین برای من دام گذاشته اند، اما از وصایای تو گمراه نشدم. ۱۱۱ شهادت تو را تا به ابد میراث خود ساختم اما زیرا که آنها شادمانی دل من است. ۱۱۲ دل خود را برای بجا آوردن فریض تو مایل ساختم، تا ابد الابد و تا نهایت.

س

۱۱۳ مردمان دورو را مکروه داشته ام، لیکن شریعت تو را دوست می دارم. ۱۱۴ ستر و سپر من تو هستی. به کلام تو انتظار می کشم. ۱۱۵ ای بدکاران، از من دور شوید! و اوامر خدای خویش را نگاه خواهم داشت. ۱۱۶ مرا به حسب کلام خود تایید کن تا زنده شوم و از امید خود نخل نگردم. ۱۱۷ مرا تقویت کن تا رستگار گردم و بر فریض تو دائم نظر نمایم. ۱۱۸ همه کسانی را که از فریض تو گمراه شده اند، حقیر شمرده ای زیرا که مکرایشان دروغ است. ۱۱۹ جمیع شیرین زمین را مثل درد هلاک می کنی. بنابراین شهادت تو را دوست می دارم. ۱۲۰ موی بدن من از خوف تو برخاسته است و از داوریهای تو ترسیدم.

ع

۱۲۱ داد و عدالت را به جا آوردم. مرا به ظلم کنندگانم تسلیم منما. ۱۲۲ برای سعادت بنده خود ضامن شو تا متکبران بر من ظلم نکنند. ۱۲۳ چشمانم برای نجات تو تار شده است و برای کلام عدالت تو. ۱۲۴ با بنده خویش موافق رحمانیت عمل نما و فریض خود را به من بیاموز. ۱۲۵ من بنده تو هستم. مرا فهیم گردان تا شهادت تو را دانسته باشم. ۱۲۶ وقت است که خداوند عمل کند زیرا که شریعت تو را باطل نموده اند. ۱۲۷ بنابراین، اوامر تو را دوست می دارم، زیادتر از طلا و زر خالص.

۱۲۸ بنابراین، همه وصایای تو را در هر چیز راست می‌دانم، و هر راه دروغ را مکروه می‌دارم.

ف

۱۲۹ شهادت تو عجیب است. ازین سبب جان من آنها را نگاه می‌دارد.
 ۱۳۰ کشف کلام تو نورمی بخشد و ساده دلان را فهم می‌گرداند.
 ۱۳۱ دهان خود را نیکو باز کرده، نفس زدم زیرا که مشتاق وصایای تو بودم.
 ۱۳۲ بر من نظر کن و کرم فرما، برحسب عادت تو به آنانی که نام تو را دوست می‌دارند. ۱۳۳ قدم های مرا در کلام خودت پایدار ساز، تا هیچ بدی بر من تسلط نیابد. ۱۳۴ مرا از ظلم انسان خلاصی ده، تا وصایای تو را نگاه دارم. ۱۳۵ روی خود را بر بنده خود روشن ساز، و فرایض خود را به من پیاموز. ۱۳۶ نهرهای آب از چشمانم جاری است زیرا که شریعت تو را نگاه می‌دارند.

ص

۱۳۷ ای خداوند تو عادل هستی و داوریهای تو راست است.
 ۱۳۸ شهادت خود را به راستی امر فرمودی و به امانت الی نهایت.
 ۱۳۹ غیرت من مرا هلاک کرده است زیرا که دشمنان من کلام تو را فراموش کرده‌اند. ۱۴۰ کلام تو بی‌نهایت مصفی است و بنده تو آن را دوست می‌دارد. ۱۴۱ من کوچک و حقیر هستم، اما وصایای تو را فراموش نکردم. ۱۴۲ عدالت تو عدل است تا ابدالابد و شریعت تو راست است. ۱۴۳ تنگی و ضیق مرا درگرفته است، اما اوامر تو تلذذ من است. ۱۴۴ شهادت تو عادل است تا ابدالابد. مرا فهمی گردان تا زنده شوم.

ق

۱۴۵ به تمامی دل خوانده‌ام. ای خداوند مرا جواب ده تا فرایض تو را نگاه دارم! ۱۴۶ تو را خوانده‌ام، پس مرا نجات ده. و شهادت تو را نگاه خواهم داشت. ۱۴۷ بر طلوع فجر سبقت جسته، استغاثه کردم، و کلام تو

را انتظار کشیدم. ۱۴۸ چشمانم بر پاسهای شب سبقت جست، تا در کلام تو تفکر بنمایم. ۱۴۹ به حسب رحمت خود آواز مرا بشنو. ای خداوند موافق داوریهای خود مرا زنده ساز. ۱۵۰ آنانی که در پی خباثت می روند، نزدیک می آیند، و از شریعت تو دور می باشند. ۱۵۱ ای خداوند تو نزدیک هستی و جمیع اوامر تو راست است. ۱۵۲ شهادت تو را از زمان پیش دانسته ام که آنها را بنیان کرده ای تا ابد الابد.

۱۵۳ بر مذلت من نظر کن و مرا خلاصی ده زیرا که شریعت تو را فراموش نکرده ام. ۱۵۴ در دعوی من دادرسی فرموده، مرا نجات ده و به حسب کلام خویش مرا زنده ساز. ۱۵۵ نجات از شیران دور است زیرا که فریاض تو را نمی طلبند. ۱۵۶ ای خداوند، رحمت های تو بسیار است. به حسب داوریهای خود مرا زنده ساز. ۱۵۷ جفاکنندگان و خصمان من بسیارند. اما از شهادت تو رو برگردانیدم. ۱۵۸ خیانت کاران را دیدم و مکروه داشتم زیرا کلام تو را نگاه نمی دارند. ۱۵۹ بین که وصیای تو را دوست می دارم. ای خداوند، به حسب رحمت خود مرا زنده ساز! ۱۶۰ جمله کلام تو راستی است و تمامی داوری عدالت تو تا ابد الابد است.

۱۶۱ سروران بی جهت بر من جفا کردند. اما دل من از کلام تو ترسان است. ۱۶۲ من در کلام توشادمان هستم، مثل کسی که غنیمت وافر پیدانموده باشد. ۱۶۳ از دروغ کراهت و نفرت دارم. اما شریعت تو را دوست می دارم. ۱۶۴ هر روز تو راهفت مرتبه تسبیح می خوانم، برای داوریهای عدالت تو. ۱۶۵ آنانی را که شریعت تو را دوست می دارند، سلامتی عظیم است و هیچ چیز باعث لغزش ایشان نخواهد شد. ۱۶۶ ای خداوند، برای نجات تو امیدوار هستم و اوامر تو را بجا می آورم. ۱۶۷ جان من شهادت تو را نگاه داشته است و آنها را بی نهایت دوست می دارم.

۱۶۸ وصایا و شهادت تو را نگاه داشته‌ام زیرا که تمام طریقه‌های من در مد نظر تو است.

ت

۱۶۹ ای خداوند، فریاد من به حضور تو برسد. به حسب کلام خود مرا فهیم گردان. ۱۷۰ مناجات من به حضور تو برسد. به حسب کلام خود مرا خلاصی ده. ۱۷۱ لپهای من حمد تو را جاری کند زیرا فریض خود را به من آموخته‌ای. ۱۷۲ زبان من کلام تو را بسراید زیرا که تمام اوامر تو عدل است. ۱۷۳ دست تو برای اعانت من بشود زیرا که وصایای تو را برگزیده‌ام. ۱۷۴ ای خداوند برای نجات تو مشتاق بوده‌ام و شریعت تو تلذذ من است. ۱۷۵ جان من زنده شود تا تو را تسبیح بخواند و داوریهای تو معاون من باشد. ۱۷۶ مثل گوسفند گم شده، آواره گشتم. بنده خود را طلب نما، زیرا که اوامر تو را فراموش نکردم.

۱۲۰

دعای تنگی

سرود درجات

۱ نزد خداوند در تنگی خود فریاد کردم و مرا اجابت فرمود. ۲ ای خداوند جان مرا خلاصی ده از لب دروغ و از زبان حيله گر. ۳ چه چیز به تو داده شود و چه چیز برتوافزوده گردد، ای زبان حيله گر؟ ۴ تیرهای تیزجباران با اخگرهای طاق!

۵ وای بر من که در ماشک ماوا گزیده‌ام و در خیمه‌های قیدار ساکن شده‌ام. ۶ چه طویل شد سکونت جان من با کسی که سلامتی را دشمن می‌دارد. ۷ من از اهل سلامتی هستم، لیکن چون سخن می‌گویم، ایشان آماده جنگ می‌باشند.

۱۲۱

اعانت الهی

سرود درجات

۱ چشمان خود را به سوی کوهها برمی افرازم، که از آنجا اعانت من می آید. * [ترجمه درست این آیه اینست: «چشمان خود را بسوی کوهها برمی افرازم. اعانت من از کجا می آید؟»] [۲ اعانت من از جانب خداوند است، که آسمان و زمین را آفرید. ۳ او نخواهد گذاشت که پای تو لغزش خورد. او که حافظ توست نخواهد خوابید. ۴ اینک او که حافظ اسرائیل است، نمی خوابد و به خواب نمی رود.

۵ خداوند حافظ تو می باشد. خداوند به دست راستت سایه تو است. ۶ آفتاب در روز به تو اذیت نخواهد رسانید و نه ماهتاب در شب. ۷ خداوند تو را از هر بدی نگاه می دارد. او جان تو را حفظ خواهد کرد. ۸ خداوند خروج و دخولت را نگاه خواهد داشت، از الان و تا ابد الاباد.

۱۲۲

در وصف اورشلیم

سرود درجات از داود

۱ شادمان می شدم چون به من می گفتند: «به خانه خداوند برویم.»

۲ پایهای ما خواهد ایستاد، به اندرون دروازه های تو، ای اورشلیم! ۳ ای اورشلیم که بنا شده ای مثل شهری که تمام با هم پیوسته باشد، ۴ که بدانجا اسباط بالا می روند، یعنی اسباط یاه، تا شهادت باشد برای اسرائیل و تا نام یهوه را تسبیح بخوانند. ۵ زیرا که در آنجا کرسیهای داوری برپا شده است، یعنی کرسیهای خاندان داود.

۶ برای سلامتی اورشلیم مسالت کنید. آنانی که تو را دوست می دارند، نجسته حال خواهند شد. ۷ سلامتی در باره های تو باشد، و رفاهیت

درقصه‌های تو. ^۸ به خاطر برادران و یاران خویش، می‌گویم که سلامتی بر تو باد. ^۹ به خاطر خانه یهوه خدای ما، سعادت تو را خواهم طلبید.

۱۲۳

طلب کرم

سرود درجات

^۱ به سوی تو چشمان خود را برمی‌افرازم، ای که بر آسمانها جلوس فرموده‌ای! ^۲ اینک مثل چشمان غلامان به سوی آقایان خود، و مثل چشمان کنیزی به سوی خاتون خویش، همچنان چشمان ما به سوی یهوه خدای ماست تا بر ما کرم بفرماید. ^۳ ای خداوند بر ما کرم فرما، بر ما کرم فرما زیرا چه بسیار از اهانت پر شده‌ایم. ^۴ چه بسیار جان ما پر شده است، از استهزای مستریحان و اهانت متکبران.

۱۲۴

اعانت از جانب خدا

سرود درجات از داود

^۱ اگر خداوند با ما نمی‌بود، اسرائیل الان بگوید؛ ^۲ اگر خداوند با ما نمی‌بود، وقتی که آدمیان با ما مقاومت نمودند، ^۳ آنگاه هر آینه ما را زنده فرو می‌بردند، چون خشم ایشان بر ما افروخته بود. ^۴ آنگاه آنها ما را غرق می‌کرد و نهرها بر جان ما می‌گذشت. ^۵ آنگاه آبهای پر زور، از جان ما می‌گذشت. ^۶ متبارک باد خداوند که ما را شکار برای دندانهای ایشان نساخت. ^۷ جان ما مثل مرغ از دام صیادان خلاص شد. دام گسسته شد و ما خلاصی یافتیم. ^۸ اعانت ما به نام یهوه است، که آسمان و زمین را آفرید.

۱۲۵

متوکلان خدا جنبش نخواهند خورد

سرود درجات

۱ آنانی که بر خداوند توکل دارند، مثل کوه صهیون اند که جنبش نمی خورد و پایدار است تا ابدالابد. ۲ کوهها گرداگرد اورشلیم است؛ و خداوند گرداگرد قوم خود، از الان و تا ابدالابد است. ۳ زیرا که عصای شریران بر نصیب عادلان قرار نخواهد گرفت، مبادا عادلان دست خود را به نگاه دراز کنند. ۴ ای خداوند به صالحان احسان فرما و به آنانی که راست دل می باشند. ۵ و اما آنانی که به راههای کج خود مایل می باشند، خداوند ایشان را با بدکاران رهبری خواهد نمود. سلامتی بر اسرائیل باد.

۱۲۶

بازآوردن اسیران صهیون

سرود درجات

۱ چون خداوند اسیران صهیون را بازآورد، مثل خواب بینندگان شدیم. ۲ آنگاه دهان ما از خنده پر شد و زبان ما از ترنم. آنگاه در میان امتها گفتند که «خداوند با ایشان کارهای عظیم کرده است.» ۳ خداوند برای ما کارهای عظیم کرده است که از آنها شادمان هستیم. ۴ ای خداوند اسیران ما را باز آور، مثل نهرها در جنوب. ۵ آنانی که با اشکهای کارند، با ترنم درو خواهند نمود. ۶ آنکه با گریه بیرون می رود و تخم برای زراعت می برد، هر آینه با ترنم خواهد برگشت و بافه های خویش را خواهد آورد.

۱۲۷

اعتماد بر خدا

سرود درجات از سلیمان

۱ اگر خداوند خانه را بنا نکند، بنیانش زحمت بی فایده می کشند. اگر خداوند شهر را پاسبانی نکند، پاسبانان بی فایده پاسبانی می کنند. ۲ بی فایده است که شماصبح زود برمی خیزید و شب دیر می خوابید و نان مشقت را

می خورید. همچنان محبوبان خویش را خواب می بخشد. ^۳ اینک پسران میراث از جانب خداوند می باشند و ثمره رحم، اجرتی از اوست. ^۴ مثل تیرها در دست مرد زور آور، همچنان هستند پسران جوانی. ^۵ خوشبحال کسی که ترکش خود را از ایشان پر کرده است. نخل نخواهند شد بلکه با دشمنان، در دروازه سخن خواهند راند.

۱۲۸

خوشبحال ترسندگان خدا

سرود درجات

^۱ خوشبحال هر که از خداوند می ترسد و بر طریق های او سالک می باشد. ^۲ عمل دستهای خود را خواهی خورد. خوشبحال تو و سعادت با تو خواهد بود. ^۳ زن تو مثل موبار آور به اطراف خانه تو خواهد بود و پسران مثل نهالهای زیتون، گرداگرد سفره تو. ^۴ اینک همچنین مبارک خواهد بود کسی که از خداوند می ترسد. ^۵ خداوند تو را از صهیون برکت خواهد داد، و در تمام ایام عمرت سعادت اورشلم را خواهی دید. ^۶ پسران پسران خود را خواهی دید. سلامتی بر اسرائیل باد.

۱۲۹

رهایی از شیران

سرود درجات

^۱ چه بسیار از طفولیت مرا اذیت رسانیدند. اسرائیل الان بگویند: ^۲ چه بسیار از طفولیت مرا اذیت رسانیدند. لیکن بر من غالب نیامدند. ^۳ شیار کنندگان بر پشت من شیار کردند، و شیارهای خود را دراز نمودند. ^۴ اما خداوند عادل است و بندهای شیران را گسیخت. ^۵ نخل و برگردانیده شوند همه کسانی که از صهیون نفرت دارند. ^۶ مثل گیاه بر پشت بامها باشند، که پیش از آن که آن را بچینند می خشکد. ^۷ که درونده دست

خود را از آن پر نمی کند و نه دسته بند آغوش خود را. ^۸ و راهگذاران نمی گویند برکت خداوند بر شما باد. شما را به نام خداوند مبارک می خوانیم.

۱۳۰

انتظار برای خدا

سرود درجات

^۱ ای خداوند از عمقها نزد تو فریاد برآوردم. ^۲ ای خداوند! آواز مرا بشنو و گوشهای تو به آواز تضرع من ملتفت شود. ^۳ ای یاه، اگر گاهان را به نظر آوری، کیست ای خداوند که به حضور تو بایستد؟ ^۴ لیکن مغفرت نزد توست تا از تو بترسند. ^۵ منتظر خداوند هستم. جان من منتظر است و به کلام او امیدوارم. ^۶ جان من منتظر خداوند است، زیاده از منتظران صبح؛ بلی زیاده از منتظران صبح. ^۷ اسرائیل برای خداوند امیدوار باشند زیرا که رحمت نزد خداوند است و نزد اوست نجات فراوان. ^۸ و او اسرائیل را فدیه خواهد داد، از جمیع گاهان وی.

۱۳۱

فروتنی در مقابل خدا

سرود درجات از داود

^۱ ای خداوند دل من متکبر نیست و نه چشمانم برافراشته و خویشتن را به کارهای بزرگ مشغول نساختم، و نه به کارهایی که از عقل من بعید است. ^۲ بلکه جان خود را آرام و ساکت ساختم، مثل بچه ای از شیر باز داشته شده، نزد مادر خود. جانم در من بود، مثل بچه از شیر باز داشته شده. ^۳ اسرائیل بر خداوند امیدوار باشند، از الان و تا ابد الاباد.

۱۳۲

در وصف هیکل

سرود درجات

۱ ای خداوند برای داود به یاد آور، همه مذلت‌های او را. ۲ چگونه برای خداوند قسم خورد و برای قادر مطلق یعقوب نذر نمود ۳ که به خیمه خانه خود هرگز داخل نخواهم شد، و بر بستر تختخواب خود برنخواهم آمد. ۴ خواب به چشمان خود نخواهم داد و نه پینکی به مژگان خویش، ۵ تا مکانی برای خداوند پیدا کنم و مسکنی برای قادر مطلق یعقوب. ۶ اینک ذکر آن را در افراشته شنیدیم و آن را در صحرای یعاریم یافتیم. ۷ به مسکن های او داخل شویم و نزد قدمگاه وی پرستش نماییم. ۸ ای خداوند به آرامگاه خود برخیز و بپا، تو و تابوت قوت تو. ۹ کاهنان تو به عدالت ملبس شوند و مقدسانت ترنم نمایند. ۱۰ به خاطر بنده خود داود، روی مسیح خود را برمگردان. ۱۱ خداوند برای داود به راستی قسم خورد و از آن برنخواهد گشت که «از ثمره صلب تو بر تخت تو خواهم گذاشت. ۱۲ اگر پسران تو عهد مرا نگاه دارند و شهادت مرا که بدیشان می‌آموزم، پسران ایشان نیز بر کرسی تو تا به ابد خواهند نشست.»

۱۳ زیرا که خداوند صهیون را برگزیده است و آن را برای مسکن خویش مرغوب فرموده. ۱۴ «این است آرامگاه من تا ابد الابد. اینجا ساکن خواهم بود زیرا در این رغبت دارم. ۱۵ آذوقه آن را هرآینه برکت خواهم داد و فقیرانش را به نان سیر خواهم ساخت، ۱۶ و کاهنانش را به نجات ملبس خواهم ساخت و مقدسانش هرآینه ترنم خواهند نمود. ۱۷ در آنجا شاخ داود را خواهم رویانید و چراغی برای مسیح خود آماده خواهم ساخت. ۱۸ دشمنان او را به نجالت ملبس خواهم ساخت و تاج او بر وی شکوفه خواهد آورد.»

۱۳۳

در وصف یکدلی
سرود درجات از داود

۱ اینک چه خوش و چه دلپسند است که برادران به یکدیگی با هم ساکن شوند. ۲ مثل روغن نیکو بر سر است که به ریش فرود می‌آید، یعنی به ریش هارون که به دامن ردایش فرود می‌آید. ۳ و مثل شبنم حرمون است که بر کوههای صهیون فرود می‌آید. زیرا که در آنجا خداوند برکت خود را فرموده است یعنی حیات را تا ابدالابد.

۱۳۴

تجید خدا

سرود درجات

۱ هان خداوند را متبارک خوانید، ای جمیع بندگان خداوند که شبانگاه در خانه خداوند می‌ایستید! ۲ دستهای خود را به قدس برافرازید، و خداوند را متبارک خوانید. ۳ خداوند که آسمان و زمین را آفرید، تو را از صهیون برکت خواهد داد.

۱۳۵

تسبیح خداوند

۱ هلولوایه، نام خداوند را تسبیح بخوانید! ای بندگان خداوند تسبیح بخوانید! ۲ ای شما که در خانه خداوند می‌ایستید، در صحن‌های خانه خدای ما. ۳ هلولوایه، زیرا خداوند نیکو است! نام او را بسرایید زیرا که دلپسند است. ۴ زیرا که خداوند یعقوب را برای خود برگزید، و اسرائیل را به جهت ملک خاص خویش. ۵ زیرا می‌دانم که خداوند بزرگ است و خداوند ما برتر است از جمیع خدایان.

۶ هر آنچه خداوند خواست آن را کرد، در آسمان و در زمین و در دریا و در همه لجه‌ها. ۷ ابرها را از اقصای زمین برمی‌آورد و برقها را برای باران می‌سازد و بادها را از مخزنهای خویش بیرون می‌آورد. ۸ که نخست زادگان مصر را کشت، هم از انسان هم از بهایم. ۹ آیات و معجزات را در وسط توای مصر فرستاد، بر فرعون و بر جمیع بندگان وی. ۱۰ که امتهای بسیار را

زد و پادشاهان عظیم را کشت. ۱۱ سیحون پادشاه اموریان و عوج پادشاه باشان و جمیع ممالک کنعان را. ۱۲ و زمین ایشان را به میراث داد، یعنی به میراث قوم خود اسرائیل.

۱۳ ای خداوند، نام توست تا ابدالاباد؛ وای خداوند، یادگاری توست تا جمیع طبقات. ۱۴ زیرا خداوند قوم خود را داوری خواهد نمود و بر بندگان خویش شفقت خواهد فرمود. ۱۵ بتهای امتهای طلا و نقره می‌باشند، عمل دستهای انسان. ۱۶ دهنها دارند و سخن نمی‌گویند؛ چشمان دارند و نمی‌بینند؛ ۱۷ گوشه‌ها دارند و نمی‌شنوند بلکه در دهان ایشان هیچ نفس نیست. ۱۸ سازندگان آنها مثل آنها می‌باشند و هر که بر آنها توکل دارد. ۱۹ ای خاندان اسرائیل، خداوند را متبارک خوانید. ای خاندان هارون، خداوند را متبارک خوانید. ۲۰ ای خاندان لاوی، خداوند را متبارک خوانید. ای ترسندگان خداوند، خداوند را متبارک خوانید. ۲۱ خداوند از صهیون متبارک باد، که در اورشلیم ساکن است. هلهویاه.

۱۳۶

سرود سپاسگزاری

- ۱ خداوند را حمد گویند زیرا که نیکو است و رحمت او تا ابدالاباد است.
- ۲ خدای خدایان را حمد گویند، زیرا که رحمت او تا ابدالاباد است.
- ۳ رب الارباب را حمد گویند، زیرا که رحمت او تا ابدالاباد است.
- ۴ او را که تنها کارهای عجیب عظیم می‌کند، زیرا که رحمت او تا ابدالاباد است.
- ۵ او را که آسمانها را به حکمت آفرید، زیرا که رحمت او تا ابدالاباد است.
- ۶ او را که زمین را بر آنها گسترانید، زیرا که رحمت او تا ابدالاباد است.
- ۷ او را که نیرهای بزرگ آفرید زیرا که رحمت او تا ابدالاباد است.
- ۸ آفتاب را برای سلطنت روز، زیرا که رحمت او تا ابدالاباد است.

- ۹ ماه و ستارگان را برای سلطنت شب، زیرا که رحمت او تا ابدالاباد است.
 ۱۰ که مصر را در نخست زادگانش زد، زیرا که رحمت او تا ابدالاباد است.
 ۱۱ و اسرائیل را از میان ایشان بیرون آورد، زیرا که رحمت او تا ابدالاباد است.
 ۱۲ با دست قوی و بازوی دراز، زیرا که رحمت او تا ابدالاباد است.
 ۱۳ او را که بحر قلزم را به دو بهره تقسیم کرد، زیرا که رحمت او تا ابدالاباد است.
 ۱۴ و اسرائیل را از میان آن گذرانید، زیرا که رحمت او تا ابدالاباد است.
 ۱۵ و فرعون و لشکر او را در بحر قلزم انداخت، زیرا که رحمت او تا ابدالاباد است.
 ۱۶ او را که قوم خویش را در صحرا رهبری نمود، زیرا که رحمت او تا ابدالاباد است.
 ۱۷ او را که پادشاهان بزرگ را زد، زیرا که رحمت او تا ابدالاباد است.
 ۱۸ و پادشاهان نامور را کشت، زیرا که رحمت او تا ابدالاباد است.
 ۱۹ سیحون پادشاه اموریان را، زیرا که رحمت او تا ابدالاباد است.
 ۲۰ و عوج پادشاه باشان را، زیرا که رحمت او تا ابدالاباد است.
 ۲۱ و زمین ایشان را به ارثیت داد، زیرا که رحمت او تا ابدالاباد است.
 ۲۲ یعنی به ارثیت بنده خویش اسرائیل، زیرا که رحمت او تا ابدالاباد است.
 ۲۳ و ما را در مذلت ما به یاد آورد، زیرا که رحمت او تا ابدالاباد است.
 ۲۴ و ما را از دشمنان ما رهایی داد، زیرا که رحمت او تا ابدالاباد است.
 ۲۵ که همه بشر را روزی می دهد، زیرا که رحمت او تا ابدالاباد است.
 ۲۶ خدای آسمانها را حمد گویند، زیرا که رحمت او تا ابدالاباد است.

۱ نزد نهرهای بابل آنجا نشستیم و گریه نیز کردیم، چون صهیون را به یاد آوردیم. ۲ بر بطنهای خود را آویختیم بر درختان پید که در میان آنها بود. ۳ زیرا آنانی که ما را به اسیری برده بودند، در آنجا از ما سرودخواستند؛ و آنانی که ما را تاراج کرده بودند، شادمانی (خواستند) که «یکی از سرودهای صهیون را برای ما بسرایید.» ۴ چگونه سرود خداوند را، در زمین بیگانه بخوانیم؟

۵ اگر تو را ای اورشلیم فراموش کنم، آنگاه دست راست من فراموش کند. ۶ اگر تو را به یاد نیاورم، آنگاه زبانم به کامم بچسبد، اگر اورشلیم را بر همه شادمانی خود ترجیح ندهم. ۷ ای خداوند، روز اورشلیم را برای بنی ادم به یاد آور، که گفتند: «منهدم سازید، تا بنیادش منهدم سازید!» ۸ ای دختر بابل که خراب خواهی شد، خوشبحال آنکه به تو جزا دهد چنانکه تو به ماجرا دادی! ۹ خوشبحال آنکه اطفال تو را بگیرد و ایشان را به صخره‌ها بزند.

۱۳۸

سرود حمد مزبور داود

۱ تو را به تمامی دل خود حمد خواهم گفت. به حضور خدایان تو را حمد خواهم گفت. ۲ به سوی هیکل قدس تو عبادت خواهم کرد و نام تو را حمد خواهم گفت، به سبب رحمت و راستی تو. زیرا کلام خود را بر تمام اسم خود تجید نموده‌ای. ۳ در روزی که تو را خواندم مرا اجابت فرمودی، و مرا با قوت در جانم شجاع ساختی.

۴ ای خداوند، تمام پادشاهان جهان تو را حمد خواهند گفت، چون کلام دهان تو را بشنوند. ۵ و طریق‌های خداوند را خواهند سراپید، زیرا که جلال خداوند عظیم است. ۶ زیرا که خداوند متعال است، لیکن بر فروتنان نظر می‌کند. و اما متکبران را از دور می‌شناسد. ۷ اگرچه در میان تنگی راه

می‌روم، مرا زنده خواهی کرد. دست خود را بر خشم دشمنانم دراز می‌کنی و دست راستت مرا نجات خواهد داد.
 ۸ خداوند کار مرا به کمال خواهد رسانید. ای خداوند، رحمت تو تا ابدالاباد است. کارهای دست خویش را ترک منما.

۱۳۹

حکمت و علم خدا

برای سالار مغنیان. مزبور داود

۱ ای خداوند مرا آزموده و شناخته‌ای. ۲ تو نشستن و برخاستن مرا می‌دانی و فکرهای مرا از دور فهمیده‌ای. ۳ راه و خوابگاه مرا تفتیش کرده‌ای و همه طریق‌های مرا دانسته‌ای. ۴ زیرا که سخنی بر زبان من نیست، جز اینکه توای خداوند آن را تمام دانسته‌ای. ۵ از عقب و از پیش مرا احاطه کرده‌ای و دست خویش را بر من نهاده‌ای. ۶ این‌گونه معرفت برایم زیاده عجیب است. و بلند است که بدان نمی‌توانم رسید.

۷ از روح تو کجا بروم؟ و از حضور تو کجا بگریزم؟ ۸ اگر به آسمان صعود کنم، تو آنجا هستی! و اگر در هاویه بستر بگسترانم اینک تو آنجا هستی! ۹ اگر بالهای سحر را بگیرم و در اقصای دریا ساکن شوم، ۱۰ در آنجا نیز دست تو مرا رهبری خواهد نمود و دست راست تو مرا خواهد گرفت.

۱۱ و گفتم: «یقین تاریکی مرا خواهد پوشانید.» که در حال شب گرداگرد من روشنایی گردید. ۱۲ تاریکی نیز نزد تو تاریک نیست و شب مثل روز روشن است و تاریکی و روشنایی یکی است. ۱۳ زیرا که تو بر دل من مالک هستی؛ مرا در رحم مادرم نقش بستی. ۱۴ تو را حمد خواهم گفت زیرا که به طور مہیب و عجیب ساخته شده‌ام. کارهای تو عجیب است و جان من این رانیکو می‌داند. ۱۵ استخوانهایم از تو پنهان نبود وقتی که در نهان ساخته می‌شدم و در اسفل زمین نقشبندی می‌گشتم. ۱۶ چشمان تو

جنین مرا دیده است و در دفتر تو همه اعضای من نوشته شده، در روزهایی که ساخته می‌شد، وقتی که یکی از آنها وجود نداشت.

۱۷ ای خدا، فکرهای تو نزد من چه قدر گرامی است و جمله آنها چه عظیم است! ۱۸ اگر آنها را بشمارم، از ریگ زیاد است. وقتی که بیداری شوم هنوز نزد تو حاضر هستم. ۱۹ یقین‌ای خدا شیران را خواهی کشت. پس ای مردمان خون ریز از من دور شوید. ۲۰ زیرا سخنان مکرآمیز درباره تو می‌گویند و دشمنانت نام تو را به باطل می‌برند. ۲۱ ای خداوند آیا نفرت نمی‌دارم از آنانی که تو را نفرت می‌دارند، و آیامخالفان تو را مکروه نمی‌شمارم؟ ۲۲ ایشان را به نفرت تام نفرت می‌دارم. ایشان را دشمنان خویشتم می‌شمارم.

۲۳ ای خدا مرا تفتیش کن و دل مرا بشناس. مرا بیازما و فکرهای مرا بدان، ۲۴ و بین که آیا در من راه فساد است! و مرا به طریق جاودانی هدایت فرما.

۱۴۰

دعای حفاظت

برای سالار مغنیان. مزبور داود

۱ ای خداوند، مرا از مرد شریر رهایی ده و از مرد ظالم مرا محفوظ فرما!
 ۲ که در دلهای خود در شرارت تفکر می‌کنند و تمامی روز برای جنگ جمع می‌شوند. ۳ دندانهای خود را مثل مارتیز می‌کنند و زهرافعی زیر لب ایشان است، سلاه. ۴ ای خداوند مرا از دست شریر نگاه دار، از مرد ظالم مرا محافظت فرما که تدبیر می‌کنند تا پایهای مرا بلغزانند.

۵ متکبران برای من تله و ریسمانها پنهان کرده و دام به سر راه گسترده، و کمندها برای من نهاده‌اند، سلاه. ۶ به خداوند گفتم: «تو خدای من هستی. ای خداوند آواز تضرع مرا بشنو!» ۷ ای یهوه خداوند که قوت نجات من هستی، تو سر مرا در روز جنگ پوشانیده‌ای. ۸ ای خداوند، آرزوهای

شریر را برایش بر میاور و تدابیر ایشان را به انجام مرسان مبدا سرافراشته شوند، سلاه. ۹ و اما سرهای آنانی که مرا احاطه می کنند، شرارت لبهای ایشان، آنها را خواهد پوشانید. ۱۰ اخگرهای سوزنده را برایشان خواهند ریخت، ایشان را در آتش خواهند انداخت و در ژرفیها که دیگر نخواهند برخاست. ۱۱ مرد بدگو در زمین پایدار نخواهد شد. مرد ظالم را شرارت صید خواهد کرد تا او را هلاک کند ۱۲ می دانم که خداوند دادرسی فقیر را خواهد کرد و داوری مسکینان را خواهد نمود. ۱۳ هر آینه عادلان نام تو را حمد خواهند گفت و راستان به حضور تو ساکن خواهند شد.

۱۴۱

درخواست کمک

مز مور داود

۱ ای خداوند تو را می خوانم. نزد من بشتاب! و چون تو را بخوانم آواز مرا بشنو! ۲ دعای من به حضور تو مثل بخور آراسته شود، و برافراشتن دستهایم، مثل هدیه شام. ۳ ای خداوند، بر دهان من نگاهبانی فرما و در لبهایم را نگاه دار. ۴ دل مرا به عمل بد مگردان تا مرتکب اعمال زشت با مردان بدکار نشوم. و از چیزهای لذیذ ایشان نخورم. ۵ مرد عادل مرا بزند و لطف خواهد بود، و مرا تادیب نماید و روغن برای سر خواهد بود! و سر من آن را ابا نخواهد نمود زیرا که در بدیهای ایشان نیز دعای من دایم خواهد بود. ۶ چون داوران ایشان از سر صخره ها انداخته شوند، آنگاه سخنان مرا خواهند شنید زیرا که شیرین است. ۷ مثل کسی که زمین را فلاحت و شیار بکند، استخوانهای ما بر سر قبرها پراکنده می شود. ۸ زیرا که ای بیهوده خداوند، چشمان من بسوی توست. و بر تو توکل دارم. پس جان مرا تلف منما! ۹ مرا از دامی که برای من نهاده اند نگاه دار و از کمندهای گاهکاران. ۱۰ شیران به دامهای خود بیفتند و من بسلامتی در بگذرم.

۱۴۲

دعا در تنگی

قصیده داود و دعا وقتیکه در مغاره بود
 ۱ به آواز خود نزد خداوند فریاد برمی آورم. به آواز خود نزد خداوند تضرع
 می نمایم. ۲ ناله خود را در حضور او خواهم ریخت. تنگی های خود را نزد
 او بیان خواهم کرد. ۳ وقتی که روح من در من مدهوش می شود. پس تو
 طریقت مرا دانسته ای. در راهی که می روم دام برای من پنهان کرده اند.
 ۴ به طرف راست بنگر و بین که کسی نیست که مرا بشناسد. ملجا برای
 من ناپود شده. کسی نیست که در فکر جان من باشد. ۵ نزد تو ای خداوند
 فریاد کردم و گفتم که تو ملجا و حصه من در زمین زندگان هستی. ۶ به ناله
 من توجه کن زیرا که بسیار ذلیلم! مرا از جفا کنندگانم برهان، زیرا که از
 من زور آورترند. ۷ جان مرا از زندان درآور تا نام تو را حمد گویم. عادلان
 گرداگرد من خواهند آمد زیرا که به من احسان نموده ای.

۱۴۳

تضرع به حضور خدا

مزمو داود

۱ ای خداوند دعای مرا بشنو و به تضرع من گوش بده! در امانت
 و عدالت خویش مرا اجابت فرما! ۲ و بر بنده خود به محاکمه بر میا. زیرا
 زنده ای نیست که به حضور تو عادل شمرده شود. ۳ زیرا که دشمن بر جان
 من جفا کرده، حیات مرا به زمین کوبیده است و مرا در ظلمت ساکن
 گردانیده، مثل آنانی که مدتی مرده باشند. ۴ پس روح من در من مدهوش
 شده، و دلم در اندرو من متحیر گردیده است.

۵ ایام قدیم را به یاد می آورم. در همه اعمال تو تفکر نموده، در کارهای
 دست تو تامل می کنم. ۶ دستهای خود را بسوی تو دراز می کنم. جان من

مثل زمین خشک، تشنه تو است، سلاه. ۷ ای خداوند، بزودی مرا اجابت فرما زیرا روح من کاهیده شده است. روی خود را از من مپوشان، مبادا مثل فروروندگان به هاویه بشوم. ۸ بامدادان رحمت خود را به من بشنوان زیرا که بر تو توکل دارم. طریقی را که بر آن بروم، مرا پیاموز زیرا نزد تو جان خود را برمی افرازم.

۹ ای خداوند مرا از دشمنانم برهان زیرا که نزد تو پناه برده‌ام. ۱۰ مرا تعلیم ده تا اراده تو را بجا آورم زیرا خدای من تو هستی. روح مهربان تو مرادر زمین هموار هدایت بنماید. ۱۱ به خاطر نام خودای خداوند مرا زنده ساز. به خاطر عدالت خویش جان مرا از تنگی برهان. ۱۲ و به خاطر رحمت خود، دشمنانم را منقطع ساز. و همه مخالفان جان مرا هلاک کن زیرا که من بنده توهستم.

۱۴۴

سرود پیروزی

مرز مور داود

۱ خداوند که صخره من است، متبارک باد! که دستهای مرا به جنگ وانگشتهای مرا به حرب تعلیم داد! ۲ رحمت من اوست و ملجای من و قلعه بلند من و رهاننده من و سپر من و آنکه بر او توکل دارم، که قوم مرا در زیر اطاعت من می‌دارد. ۳ ای خداوند، آدمی چیست که او را بشناسی؟ و پسر انسان که او را به حساب بیاوری؟ ۴ انسان مثل نفسی است و روزهایش مثل سایه‌ای است که می‌گذرد.

۵ ای خداوند آسمانهای خود را خم ساخته، فرود بیا. و کوهها را لمس کن تا دود شوند. ۶ رعد را جهنده ساخته، آنها را پراکنده ساز. تیرهای خود را بفرست و آنها را منهزم نما. ۷ دست خود را از اعلی بفرست، و مرا رهانیده، از آبهای بسیار خلاصی ده، یعنی از دست پسران اجنبی. ۸ که دهان ایشان به باطل سخن می‌گوید، و دست راست ایشان، دست دروغ

است. ۹ ای خدا، تو را سرودی تازه می‌سرایم. با بربط ذات ده تار، تو را ترنم خواهم نمود. ۱۰ که پادشاهان را نجات می‌بخشی، و بنده خود داود را از شمشیر مهلک می‌رهانی.

۱۱ مرا از دست اجنبیان برهان و خلاصی ده، که دهان ایشان به باطل سخن می‌گوید. و دست راست ایشان دست دروغ است. ۱۲ تا پسران ما در جوانی خود نمو کرده، مثل نهالها باشند. و دختران ما مثل سنگهای زاویه تراشیده شده به مثال قصر. ۱۳ و انبارهای ما پر شده، به انواع نعمت ریزان شوند. و گله‌های ما هزارها و کرورها در صحراهای ما بزنند. ۱۴ و گاوان ما باربردار شوند و هیچ رخنه و خروج و ناله‌ای در کوجه‌های ما نباشد. ۱۵ خوشبحال قومی که نصیب ایشان این است. خوشبحال آن قوم که یهوه خدای ایشان است.

۱۴۵

پرستش خداوند تسبیح داود

۱ ای خدای من، ای پادشاه، تو را متعال می‌خوانم و نام تو را متبارک می‌گویم، تا ابدالاباد! ۲ تمامی روز تو را متبارک می‌خوانم، و نام تو را حمد می‌گویم تا ابدالاباد. ۳ خداوند عظیم است و بی‌نهایت ممدوح. و عظمت او را تفتیش نتوان کرد. ۴ طبقه تا طبقه اعمال تو را تسبیح می‌خوانند و کارهای عظیم تو را بیان خواهند نمود. ۵ در مجد جلیل کبریایی تو و در کارهای عجیب تو تفکر خواهم نمود. ۶ در قوت کارهای مهیب تو سخن خواهند گفت. و من عظمت تو را بیان خواهم نمود. ۷ و یادگاری کثرت احسان تو را حکایت خواهند کرد. و عدالت تو را خواهند سراپید. ۸ خداوند کریم و رحیم است و دیر غضب و کثیر الاحسان. ۹ خداوند برای همگان نیکو است. و رحمت‌های وی بر همه اعمال وی است. ۱۰ ای خداوند جمیع

کارهای تو، تو را حمد می گویند. و مقدسان تو، تو را متبارک می خوانند. ۱۱ درباره جلال ملکوت تو سخن می گویند و توانایی تو را حکایت می کنند. ۱۲ تا کارهای عظیم تو را به بنی آدم تعلیم دهند و کبریایی مجید ملکوت تو را. ۱۳ ملکوت تو، ملکوتی است تا جمیع دهرها و سلطنت تو باقی تا تمام دورها. ۱۴ خداوند جمیع افتادگان را تایید می کند و خم شدگان را برمی خیزاند. ۱۵ چشمان همگان منتظر تومی باشد و تو طعام ایشان را در موسم می دهی. ۱۶ دست خویش را باز می کنی و آرزوی همه زندگان را سیر می نمایی. ۱۷ خداوند عادل است در جمیع طریق های خود و رحیم در کل اعمال خویش. ۱۸ خداوند نزدیک است به آنانی که او را می خوانند، به آنانی که او را به راستی می خوانند. ۱۹ آرزوی ترسندگان خود را بجای آورد و تضرع ایشان را شنیده، ایشان را نجات می دهد. ۲۰ خداوند همه محبان خود را نگاه می دارد و همه شیرین را هلاک خواهد ساخت. ۲۱ دهان من تسبیح خداوند را خواهد گفت و همه بشر نام قدوس او را متبارک بخوانند تا ابدالابد.

۱۴۶

سعادت توکل به خدا

۱ هلولیاه! ای جان من خداوند را تسبیح بخوان! ۲ تا زنده هستم، خداوند را حمد خواهم گفت. مادامی که وجود دارم، خدای خود را خواهم سراپید. ۳ بر روستا توکل مکنید و نه بر ابن آدم که نزد او اعانتی نیست. ۴ روح او بیرون می رود و او به خاک خود برمی گردد و در همان روز فکرهاش نابود می شود.

۵ خوشبختان آنکه خدای یعقوب مددکار اوست، که امید او بر یهوه خدای وی می باشد، ۶ که آسمان و زمین را آفرید و دریا و آنچه را که در آنهاست؛ که راستی را نگاه دارد تا ابدالابد؛ ۷ که مظلومان را دادرسی می کند؛ و گرسنگان را نان می بخشد. خداوند اسیران را آزاد می سازد.

۸ خداوند چشمان کوران را بازمی کند. خداوند خم شدگان را برمی افرازد. خداوند عادلان را دوست می دارد. ۹ خداوند غریبان را محافظت می کند و یتیمان و بیوه زنان را پایدار می نماید. لیکن طریق شیران را کج می سازد. ۱۰ خداوند سلطنت خواهد کرد تا ابدالابد و خدای توای صهیون، نسلا بعد نسل. هلولویاه!

۱۴۷

تسبیح خدای توانا

۱ هلولویاه، زیرا خدای ما را سراییدن نیکو است و دل پسند، و تسبیح خواندن شایسته است! ۲ خداوند اورشلیم را بنامی کند و پراکنندگان اسرائیل را جمع می نماید. ۳ شکسته دلان را شفا می دهد و جراحت های ایشان را می بندد. ۴ عدد ستارگان را می شمارد و جمیع آنها را به نام می خواند. ۵ خداوند ما بزرگ است و قوت او عظیم و حکمت وی غیرمتناهی. ۶ خداوند مسکینان را برمی افرازد و شیران را به زمین می اندازد. ۷ خداوند را با تشکر بسرایید. خدای ما را با بریط سرود بخوانید. ۸ که آسمانها را با ابرها می پوشاند و باران را برای زمین مهیامی نماید و گیاه را بر کوهها می رویاند. ۹ که بهایم را آذوقه می دهد و بچه های غراب را که او را می خوانند. ۱۰ در قوت اسب رغبت ندارد، و از ساقهای انسان راضی نمی باشد. ۱۱ رضامندی خداوند از ترسندگان وی است و از آنانی که به رحمت وی امیدوارند. ۱۲ ای اورشلیم، خداوند را تسبیح بخوان. ای صهیون، خدای خود را حمد بگو. ۱۳ زیرا که پشت بندهای دروازه هایت را مستحکم کرده و فرزندان را در اندرون مبارک فرموده است. ۱۴ که حدود تو را سلامتی می دهد و تو را از مغز گندم سیر می گرداند. ۱۵ که کلام خود را بر زمین فرستاده است و قول او به زودی هرچه تمام تر می دود. ۱۶ که برف را مثل پشم می باراند، و ژاله را مثل خاکستر می باشد. ۱۷ که تگرگ خود را در قطعه ها می اندازد؛ و کیست که پیش سرمای او تواند ایستاد؟

۱۸ کلام خود را می فرستد و آنها را می گذازد. باد خویش را می وزاند، پس آنها جاری می شود. ۱۹ کلام خود را به یعقوب بیان کرده، و فریض و داوریهای خویش را به اسرائیل. ۲۰ با هیچ امتی چنین نکرده است و داوریهای او را ندانسته اند. هلولیاه!

۱۴۸

همه خدا را تسبیح بخوانند

۱ هلولیاه! خداوند را از آسمان تسبیح بخوانید! در اعلی علین او را تسبیح بخوانید! ۲ ای همه فرشتگانش او را تسبیح بخوانید. ای همه لشکرهای او او را تسبیح بخوانید. ۳ ای آفتاب و ماه او را تسبیح بخوانید. ای همه ستارگان نور او را تسبیح بخوانید. ۴ ای فلک الافلاک او را تسبیح بخوانید، وای آبهایی که فوق آسمانهایید. ۵ نام خداوند را تسبیح بخوانید زیرا که او امر فرمود پس آفریده شدند. ۶ و آنها را پایدار نمود تا ابدالابد و قانونی قرار داد که از آن در نگذرنند.

۷ خداوند را از زمین تسبیح بخوانید، ای نهنگان و جمیع لجه ها. ۸ ای آتش و تگرگ و برف و مه و باد تند که فرمان او را به جا می آورید. ۹ ای کوهها و تمام تلها و درختان میوه دار و همه سروهای آزاد. ۱۰ ای وحوش و جمیع بهایم و حشرات و مرغان بالدار. ۱۱ ای پادشاهان زمین و جمیع امتها و سروران و همه داوران جهان. ۱۲ ای جوانان و دوشیزگان نیز و پیران و اطفال. ۱۳ نام خداوند را تسبیح بخوانند، زیرا نام او تنهامتعال است و جلال او فوق زمین و آسمان. ۱۴ او شاخی برای قوم خود برافراشته است، تا نغز باشد برای همه مقدسان او، یعنی برای بنی اسرائیل که قوم مقرب او می باشند. هلولیاه!

۱۴۹

سرود تازه برای خداوند

۱ هلولویاه! خداوند را سرود تازه بسرایید و تسبیح او را در جماعت مقدسان! ۲ اسرائیل در آفریننده خود شادی کنند و پسران صهیون در پادشاه خویش وجد نمایند. ۳ نام او را با رقص تسبیح بخوانند. با بربط و عود او را بسرایند. ۴ زیرا خداوند از قوم خویش رضامندی دارد. مسکینان را به نجات جمیل می‌سازد. ۵ مقدسان از جلال نخر بنمایند. و بریسترهای خود ترنم بکنند. ۶ تسبیحات بلند خدادار دهان ایشان باشد. و شمشیر دودمه در دست ایشان. ۷ تا از امت‌ها انتقام بکشند و تادیب‌ها بر طوایف بنمایند. ۸ و پادشاهان ایشان را به زنجیرها ببندند و سروران ایشان را به پابندهای آهنین. ۹ و داوری را که مکتوب است بر ایشان اجرا دارند. این کرامت است برای همه مقدسان او. هلولویاه!

۱۵۰

تسبیح خدا

۱ هلولویاه! خدا را در قدس او تسبیح بخوانید. در فلک قوت او، او را تسبیح بخوانید! ۲ او را به سبب کارهای عظیم او تسبیح بخوانید. او را به حسب کثرت عظمتش تسبیح بخوانید. ۳ او را به آواز کرنا تسبیح بخوانید. او را با بربط و عود تسبیح بخوانید. ۴ او را با دف و رقص تسبیح بخوانید. او را با ذوات اوتار و نی تسبیح بخوانید. ۵ او را با صنجهای بلند آواز تسبیح بخوانید. او را با صنجهای خوش صدا تسبیح بخوانید. ۶ هر که روح دارد، خداوند را تسبیح بخواند. هلولویاه!

cxlv

قدیم ترجمہ

**The Old Persian Version of the Holy Bible in the
Persian language of Iran**

Public Domain

Language: فارسی (Persian)

Translation by: Wycliffe Bible Translators

2015-04-21

PDF generated using Haiola and XeLaTeX on 21 Feb 2024 from source files
dated 31 Aug 2023

42cf233a-073b-5751-ab25-e35dacee289f